

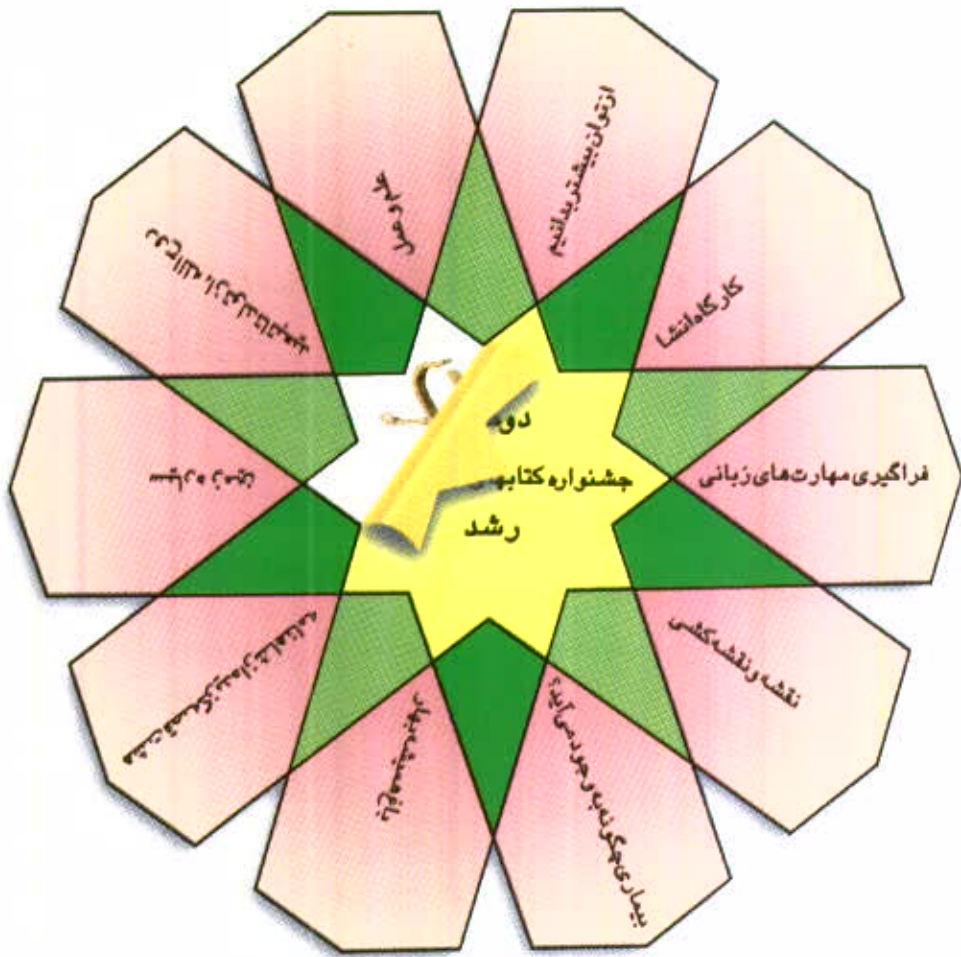
آموزش تخصصی

۳۱

رشد

سال نهم - زمستان ۱۳۸۰ - بهار ۲۰۰۱ ریال

همراه با ویژه نامه جشنواره کتاب های آموزشی رشد



- یادی از ابوالقاسم قربانی
- سیدعلی اکبر صنعتی نقاش...
- درس تاریخ در مصر
- شیشه عینک را عوض کنید...
- نظام سنجش کتاب محور...
- تدریس با گروه های تخصصی



موزه صنعتی کرمان

جمعی از زندانیان در بند - ۱۳۱۱
گچ فرنگی - مجموعه موزه صنعتی



آثار استاد سید علی اکبر صنعتی



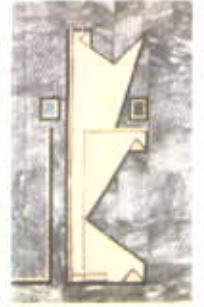
استاد دهخدا
گچ فرنگی - مجموعه موزه صنعتی



شاه عباس سوار بر اسب - ۱۳۲۷
گچ فرنگی - مجموعه موزه صنعتی



لوئی پاستور - ۱۳۲۱
موزاییک از سنگ - مجموعه خصوصی



بهار - ۱۳۵۸
موزاییک از سنگ - مجموعه خصوصی



چوپان و دشت - محمود صنعتی



کوچ - محمد صنعتی

آثار پسران استاد صنعتی



در سناپش معماری سنلی - احمد صنعتی



- مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
- سردبیر: جعفر ربانی
- مدیر داخلی: منصور ملک عباسی
- طراح گرافیک: پریسا سندسی
- چاپ: شرکت افست (سپاهی عام)
- تیراژ: ۱۵۵۰۰
- نشانی دفتر مجله: تهران
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۷۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۷
- آدرس امور مشترکین: تهران
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
- E-mail: Roshd _ office@yahoo.com



دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجلات را منتشر می کند:

رشد کودک، نوزده پیش دبستانی و دانش آموزان کلاس اول دبستان، رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوم و سوم دبستان)، رشد دانش آموز (برای دانش آموزان چهارم و پنجم دبستان)، رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی)، رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان، آموزش ریاضی، آموزش ریست شناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی (برای دبیران، آموزگاران، دانش آموزان تربیت معلم، دبیران معارض و کارشناسان آموزش و پرورش).



جشنواره کتاب های آموزشی رشد
طرح جلد از: پریسا سندسی



- سر مقاله
- ▼ تعلیم و تربیت و معلم علوم (۳)
دکتر علی محمد کردان
- ▼ شرحی بر آیات ۱-۹ سوره مبارکه جمعه (۴)
محمد حسن ملارم
- دیدگاهها (A)
- ▼ نگارش و انشا (۱۲)
اشرف محمدی
- ▼ یادی از ابوالقاسم قربانی (۱۷)
دکتر غلامعلی حدادعادل
- ▼ ساختار اعداد ۱ (۱۸)
میرزا جینی
- ▼ تدریس با گروه های تخصصی (۲۲)
علق نوری
- ▼ ویژه نامه جشنواره کتاب های آموزش رشد
- ▼ شیشه عینک را عوض کنید، بیمار شفا می گیرد (۲۷)
محمدحسین دیزجی
- از میان کتاب های برگزیده جشنواره (۳۲)
- برگزیده ها در یک نگاه (۳۷)
- گزیده بیانیه ها (۴۱)
- ▼ نظام سنجش کتاب محور و بحران کتاب های درسی و کمک درسی (۴۴)
محمد شفقانی
- ▼ آموزش علوم با کیفیت برتر - ۲ (۴۸)
سعید قریشی
- تجربه ای کوچک... نتیجه ای ماندگار (۵۲)
سپیدانیک نژاد و شیبا ملک
- ▼ سیدعلی اکبر صنعتی نقاش، مجسمه ساز، انسان (۵۴)
شبنام وافی نژاد
- ▼ درس تاریخ در مصر (۵۸)
اکبر حسامی
- اتاق جغرافیا در مدرسه (۷۳)
- SWITCHES AND FUSES (۷۵)
- ▼ محصولات گیاهی جهان (۷۷)
ترجمه منصور ملک عباسی
- ▼ دانستنی های علمی (۷۸)
ترجمه محمود معافی
- حماس (۷۰)

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



از نگاه دیگران

بیست و سه سال پیش، در بهمن ۱۳۵۷، در ایران انقلاب عظیمی روی داد؛ انقلابی که همچون کوه آشفشان فوران کرد و با شعله‌های بلند و گدازه‌های آتشین خود، روایتی نو از خواسته‌های یک ملت را به جهان معاصر فرو خواند. ایرانیان، تاکنون، از زبان خود راجع به ایران و انقلاب اسلامی بسیار گفته‌ایم و بسیار شنیده‌ایم، اما گویا به همان اندازه به سخنان دیگران در این باره دل نداده‌ایم. اکنون به مناسبت این که سی و یکمین شماره مجله ویژه زمستان است و در ایام سالگرد آن حماسه عظیم انتشار می‌یابد، و با تیریک بدین مناسبت، گزیده‌ای از سخنان جمعی از «فارسی‌آموزان خارجی» را که به ایران سفر کرده‌اند، به شما تقدیم می‌کنیم.

۱- تا چند سال پیش درباره ایران هیچ نمی‌دانستم. بعد از این که در رشته ایران‌شناسی نام‌نویسی کرده و زبان و ادبیات فارسی و با تاریخ و جغرافی این کشور آشنا شدم، به تدریج دانش من افزوده شد، اما [باز هم] ایران کشوری دور و اسرارآمیز بود. تا این که این تابستان آرزوی ما برآورده شد و ما توانستیم چیزهایی را که درباره آن شنیده بودیم ببینیم؛ و عکس‌های کتاب‌ها، واقعیت شدند.

ایران تاریخ باستانی و میراث بزرگ ادبی و فرهنگی دارد. اما بزرگ‌ترین ثروت این کشور مردم هستند که آن قدر عزیز و مهمان‌نواز و خوب بودند. مثل این که ایران کشور غریب نبود. کشور ما بود. خانم ایلوتا تاولسوزووا (بلغارستان)

۲- ایرانیان همیشه آماده‌اند تا به دیگران کمک کنند. اینجا دراز و پاوقتی که مشکلی دارید و از کسی کمک بخواهید، جواب همیشه این است که: بپوش می‌خواهم؛ متأسفانه وقت ندارم و... اروپاییان وقت حتی برای خودشان هم ندارند. در اروپا مردم همیشه عجله می‌کنند و تمام زندگیشان به وقت بستگی دارد. اما ایرانیان می‌گویند: عجله کنار شیطان است؛ و کم‌لذت است. خانم مونیکا گاردولسکار (لهستان)

۳- یک روز رفتم خیابان انقلاب. وقتی می‌گویند خیابان انقلاب، من فکر می‌کنم که در خیابان باید جنگ ناشد. ولی راستش آنجا انقلاب کتاب‌ها بود. اگر از من بخواهند اسم این خیابان را عوض کنم، یک پیشنهاد می‌کنم: دنیای کتاب. خانم کریستینا خانیکیان (ارمنستان)

۴- من خیلی خوش‌حالم که در ایران انقلاب اسلامی برقرار شد. از کشور قدرتمند و بزرگ ایران متشکریم که به کشور ما از [نظر] معنوی و فرهنگی کمک زیادی نموده است. خانم سولماز حسین‌اوا (جمهوری آذربایجان)

۵- در برنامه سمفونی خرمشهر من چون درباره جنگ خیلی کم می‌دانستم، به اندوه بزرگی که مردم ایران به آن دچار شدند، پی بردم. سمفونی خرمشهر بر من تأثیر کرد. حتی لحظه‌ای نزدیک بود گریه کنم. موسیقی اش فوق‌العاده قوی است... من چون به دین اسلام علاقه داشتم، علاقمند به آموزش زبان فارسی شدم. آقای ولادیمیر گونچارنکو (اوکراین)

۶- شما به ما کمک کنید. شما خیلی غنی هستید. از حیث دینی، از حیث ادبیات فارسی، از حیث انقلاب. ما هم با شما هستیم. حضرت علامه اقبال می‌گوید: «شعله‌ها در سینه دارم از نیکان شما» یعنی از نیکان ایرانی. حاویدا منیراحمد (پاکستان)

۷- برای من خیلی جالب است. در مصر به ما گفته بودند که زن‌ها در ایران اصلاً آزادی ندارند و در خانه هستند. ولی من در ایران چیز دیگری دیدم. خانم رقی (مصر)

۸- امروز به بنیاد رسام غرب‌زاده برای بازدید رفتم. انتظار نداشتم که چنین چیزها را ببینم. قالی‌ها قالی بودند بلکه ترانه‌هایی به هم بافته شده بودند. زیبایی آن را زبان نمی‌تواند توصیف کند. هنر استاد به قدری احساس‌انگیز است که تا امروز فکر نمی‌کردم که چنین معجزه‌ای وجود دارد. ولادیمیر گونچارنکو



تعلیم و تربیت و معلم علوم*

دکتر علی محمد کاردان

یکی از اقدامات مهم برای رشد علمی و تربیت کارگزاران علمی گوناگون، جذب بهترین افراد جامعه به شغل معلمی و تربیت علمی و فنی آنان و تأمین امنیت خاطر و احترام برای ایشان است. دبیران علوم در همه سطوح آموزش و پرورش باید از میان افرادی برگزیده شوند که گذشته از شایستگی علمی و شناخت نظری و عملی، به اصول آموزش علوم و پرورش روح علمی در نوجوانان و جوانان آشنایی کافی داشته صمیمانه آنها را به کار برند. توسعه و بهبود آموزش علوم لازم است در دانشگاه‌های معتبر کشور و با همکاری هیئت علمی گروه‌های آموزشی علوم و هیئت علمی گروه‌های آموزشی روان‌شناسی و علوم تربیتی، به ویژه استادان روش‌ها و فنون آموزش مطالعه و تحقیق در زمینه آموزش علوم، در دوره‌های ابتدایی و متوسطه گسترش یابد و برای جذب بهترین دانشجویان به این رشته، دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری آن در دانشگاه‌هایی که واقعاً آمادگی دارند دائر گردد. حاصل کلام این که:

- ۱- رشد علوم، که یکی از شرایط مهم توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است، به آگاهی مردم از نیازهای علمی و فنی در زمان حال و آینده بستگی دارد.
- ۲- عوامل رشد علمی را می‌توان به عوامل محیطی و عوامل انسانی تقسیم کرد و در این میان عوامل انسانی نقش اساسی به عهده دارند. فراهم کردن این عوامل یعنی تربیت پژوهشگران و دانشمندان به عهده نظام آموزش و پرورش و شرط توفیق این نظام در این کار تطبیق خود با نیازهای علمی و فنی جامعه است.
- ۳- تعیین اهداف جدید آموزش علوم و فنون وابسته به آن مهم‌ترین و اساسی‌ترین گامی است که باید در اصلاح نظام آموزش و پرورش رسمی، در جهت آموزش و پرورش علمی مطلوب، برداشته شود.
- نخستین هدف را می‌توان همگانی کردن آموزش علمی بویژه آموختن روش علمی و ایجاد روح علمی در همه دانش‌آموزان و سعی در تشخیص مستعدترین آنان و هدایشان به تحصیل رشته‌های علمی دانست. دانش‌آموزان باید معتقد شوند که غرض از آموزش علوم شناخت رازها و قوانین عالم هستی به منظور استفاده از آنها، نخست در زندگی اجتماعی و سپس فردی و از این مهم‌ترین نیل به کمال انسانی است.
- ۴- توفیق در تعلیم علوم، علاوه بر دانش تخصصی و نو کردن مداوم آن، مستلزم شناخت اصول آموزش و پرورش و روش‌های علمی و پیشرفته آموزش علوم است و این شناخت در صورتی حاصل می‌گردد که معلم علوم به روان‌شناسی یادگیرندگان و قوانین یادگیری و بنابراین چگونگی رشد هوش و عواطف و شخصیت آنان در هر دوره از رشد آگاه باشد و در راه بهتر شناختن آنها نیز مستمراً تلاش کند.
- ۵- رعایت قواعد برنامه‌ریزی درسی و انتخاب مواد درسی لازم و مدرج ساختن و تلفیق و سازمان دادن آنها نیز یکی از شرایط مهم آموزش درست علوم و در نتیجه کمک به رشد علوم است.
- ۶- یکی از شرایط بهبود آموزش علوم و بنابراین رشد علوم در جامعه، جذب بهترین، یعنی هوشمندترین، عناصر به کار خطیر آموزش علوم در دوره‌های مختلف آموزش و پرورش و تربیت آنان برای کار پژوهشگری و آموزشکاری در سطوح مختلف نظام آموزشی است، شرط دیگر بازآموزی منظم معلمان کنونی از حیث تخصص علمی و روش‌های آموزش آنها است.
- ۷- اعتدالی کیفیت آموزش علوم، مستلزم بزرگداشت شأن معلم علوم و تأمین نسبی زندگانی شرافتمندانه برای اوست.

* برگرفته از «نامه فرهنگستان علوم» شماره ۱۶



شرحی بر آیات ۹-۱

سوره مبارکه جمعه

(قرآن دوم راهنمایی)

محمد حسن مکارم

تَسْبِخُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ أَنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست تسبیحش می کنند و هیچ موجودی نیست جز آن که او را به پاکی می ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی فهمید، او بزرگوار و آمرزیده است.

آری همان طور که بگ ساختمان عظیم، حکایت از سازنده خیر و کردار آن می کند، مخلوقات متنوع و بدیع جهان آفرینش سیر صفات جمال و جلال الهی را در آینه وجود خود منعکس می نمایند.

از جمادی سوی جان جان شوید

غفل اجزای عالم بشوید

فاش تسبیح جمادات آیدت

وسوسه تاویل ها بر دایدت (مولوی)

«تسبیح» به معنی پاک و سیره شمریدن از عیوب است و «حمد» بیان صفات کمال می باشد. موجودات عالم با زبان تکوین، گویای کمالات خالق خود هستند، هر عیبی را از اساحت او می زدایند. در آیه دوم سوره جمعه، پس از یادآوری مکالت و عبادت ربیع

در هر فرهنگ برای شریف و وضع بودن مردم تعریفی ارائه می شود. این از افتخارات فرهنگ اسلامی است که پیام آموزش می فرماید: اشراف ائمتی حملة القرآن و اصحاب اللیل، و در جلالت شأن قاری قرآن اعلام می دارد: آن که قرآن می خواند، مقام نبوت را در سینه خود جا داده است، جز این که مستقیماً بر او وحی نمی شود.

آیات ۹-۱ سوره مبارکه جمعه، یکی از دروس کتاب قرآن پایه دوم راهنمایی است، و با مروری بر بعضی مطالب مطروحه در این آیات می نمایم.

در آیات متعددی از قرآن، از جمله در آیه اول همین سوره، صحبت از تسبیح عمومی موجودات است. به طوری که خواننده حس می کند، از دریچه فرهنگ قرآنی، عالم هستی یکبار چه زمره و عوفا است و غلغله ای آرام بر سر اسیر پهنه گیتی طنین افکنده است، هر چند بی خبران توانایی شبیدن آن را ندارند. صریح تر از همه، آیه ۴۴ سوره اسراء است که هیچ موجودی را، چه جاندار و چه جماد، مستثنی از این فاعله نمی کند، منت آیه چنین است:

حضرت علی (ع) می فرمود: ای بندگان خدا! بدانید که کسی با قرآن نشست مگر این که به گاه برخاستن فزونی یافت یا کاستی، یعنی مراتب هدایتش افزون شد، و از درجه کمراهی اش کاسته گردید: «ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزيادة او نقصان زيادة في هدى، و نقصان من عمى» هر که را در قیامت، قرآن شفیع شود پذیرند، و علیه هر که شکایت کند، شکایتش تأیید می شود.

این صدا، صدای قرآن ناطق بود، کسی که در خانه وحی رشد نموده و قبل از هر مومن دیگری، آیات خدا را از پیامبر رحمت شنیده و عمق معانی آن را با تمام ناز و پودش جذب کرده است. بنا بر این، چه سعادت است برای ما معلمان قرآن که در سمان در کلاس، احیا کننده قلوب گروهی از انسان هاست و با حساس ترین اعضای وجودی آنها سرو کار داریم (قلب و مغز) و بالاترین هدف را دنبال می کنیم (نیل به حیات طیبه). باید خدا را بر این نعمت عظمی و توفیق بی نظیر شاکر بود و فرصت های کلاسی را معنتم شمرد.

خالق جهان در آیه اول، ارتباط خداوند را با انسان‌ها، از طریق بعثت رسولان، متذکر می‌شود (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...).

نکته دقیقی که در اینجا متذکر است این که، آمدن رسول و ارائه اعجاز توسط او، خود راهی برای اثبات وجود خدای متعال است؛ یعنی این رسول، علاوه بر اثبات نبوت خود، خدای فرستنده خویش را هم ثابت می‌کند (دقت شود).

بهترین معنی برای «امی» همان لفظ درس نخوانده است. لطف معنی در این است که پیامبر از میان طبقات عادی و بی تجربه و مکتب ندیده برگزیده شود و ناگهان کتاب خود را با سبب اقبانوسی از علم و معرفت و حقیقت، مقابل چشم مردم قرار دهد؛ و همه اذعان کنند که کاری خارق العاده است و آورنده امی آن با عالم بالا ارتباط دارد، و الا با یک دانشمند بشری و دارای نبوغ، اشتباه می‌شد.

هدف پیامبری

غایت نبوت و رسالت، تزکیه و تعلیم، و به عبارتی: آموزش و پرورش است. این سوال پیش می‌آید که از این دو، کدام مقدمه و زمینه‌ساز دیگری است؟

از چهار موردی که این کلمات در آیات قرآن مطرح شده، سه جا تزکیه و تربیت بر تعلیم مقدم آمده، و در یک آیه تعلیم را قبل از تزکیه آورده است. بعضی از مفسرین، مطلب

زیر را، در این خصوص، نتیجه گرفته‌اند: آیات چهارگانه مذکور، ضمن این که نشان می‌دهد تعلیم و تربیت در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اخلاق زاینده علم است، همان گونه که علم زاینده اخلاق است. اهمیت و اصالت تربیت را مشخص می‌سازد.

در عبارت «يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» تالی کتاب و حکمت می‌تواند اشاره به دو سرچشمه بزرگ شناخت، یعنی «وحی» و «عقل» باشد؛ بنابراین تعلیمات آسمانی و حیاتی، طبعاً عقلانی نیز هستند.

در ادامه می‌فرماید «وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا لَهُمْ مِنْ حَرَفٍ عِطْفٌ بِهٖ الْأُمِّيِّينَ» است و مفهوم آن چنین می‌شود: او خدای است که از میان امیین و از میان کسانی که بعداً به آن‌ها ملحق خواهند شد، رسولی را برانگیخته است. از آنجا که این رسول، قطعاً کسی جز حضرت محمد (ص) نیست و قرآن بر کسی غیر او نازل نشده، لذا حضرتش نه فقط بر مردم زمان بعثت، بلکه بر آیندگان هم مبعوث است و اولین و آخرین آدمیان از سرچشمه زلال قرآن و سنت محمدی (ص) سیراب گشته و می‌گردند.

در روایت است که اصحاب، به هنگام شنیدن این آیه شریفه، مراد از افراد الحاقی را سؤال کردند. پیامبر (ص) دست خود را بر شانه مسلمان فارسی گذارد: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مِنَ الثَّرِيَا لَنَالَتْهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ. اگر ایمان در

ستاره دور دستی چون ثریا هم باشد، مردانی از این گروه (ایرانیان) به آن دست می‌یابند.^۵ جالب توجه این که، روایت نامبرده را علاوه بر مجمع البیان و المیزان، تفاسیر اهل سنت نیز آورده‌اند از جمله: ذر المنثور، کشاف، فی ظلال القرآن، قرطبی و مراغی.

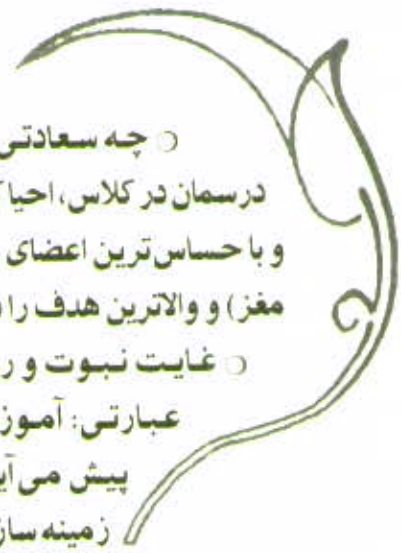
گزینش پیامبر

در مقاله قبل گفته شده که خداوند امور زیادی را به خود نسبت می‌دهد؛ اگر می‌گوید که مقام نبوت را به هر که بخواهد می‌دهد (ذَلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)، حرفی گزاف نیست چرا که او خود به ضمیر افراد آگاه است و توانمندی‌های آنها را می‌داند؛ اگر یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد و به نبوت برمی‌گزیند مشیت توأم با «حکمت» است، همان صفتی که هم در آیه اول و هم در آیه سوم خود را به آن ستود و با صفت عزت و شکست‌ناپذیری همراه کرد.

دو نکته دیگر، در این راستا، شایان ذکر است:

الف- اگر فضیلت نبوت و رسالت را به فردی می‌دهد، متقابلاً تکالیف سنگینی هم از او طلب می‌کند.

ب- هیچ کدام از افرادی که برای پیامبری گزینش شدند، متخلف و ناپاب از آب در نیامدند، بلکه همگی جان بر کف و با تمام توان، مخلصانه در هدایت خلق کوشیدند و سنگ تمام گذاشتند. خداوند نمک ناشناسی



○ چه سعادت‌ساز است برای ما معلمان قرآن که درسمان در کلاس، احیاکننده قلوب گروهی از انسان‌هاست و با حساس‌ترین اعضای وجودی آنها سروکار داریم (قلب و مغز) و والاترین هدف را دنبال می‌کنیم.

○ غایت نبوت و رسالت، تزکیه و تعلیم، و به عبارتی: آموزش و پرورش است. این سوال پیش می‌آید که از این دو، کدام مقدمه و زمینه‌ساز دیگری است؟

و این معنا با صراحت در سوره بقره آمده است:

وَلِتُحَدِّثَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ اشْرَكُوا. یعنی، یهود را از مردم دیگر، حتی مشرکان، به زندگی این جهانی حریص‌تر خواهی یافت (بقره - ۹۶)

علت عدم استقبالشان از مرگ این بود که پرونده اعمال خود را سپاه می‌دیدند. سرگذشت شرم‌آور ایشان در طول تاریخ نبیانی بنی اسرائیل و بعد از آن در قرآن به تفصیل آمده است و امر و نشان نیز عیان است؛ از این رو فرمود: «وَلَا يَتَمَنَّوْنَ اَبَدًا مَّا قَدَّمْتُ اَيْدِيَهُمْ»

در بعضی تفاسیر آمده است که گذربرد کلمه «اولیاء لله» به جای «اولیاء الله» (دوستان برای خدا) به جای دوستان خدا (اشاره به این است که ادعای دوستی آنها خالی از حقیقت بوده است).

نماز جمعه

سه‌شنبه آخر سوره جمعه، پیرامون نماز جمعه است و سه سوره نیز از آن گرفته شده است. کاروانی حامل از زق و مواد غذایی وارد شهر مدینه شد، در حالی که مرده در مسجد جمع کرده بودند و رسول خدا (ص) مشغول ایراد خطبه‌های سار جمعه بود. کاروانیان با صدای طبل و غیره اعلام ورود کردند و مردم گرفتار گرسنگی و خشکسالی را به خود جلب نمودند.

در این حال، غالب افراد حاضر در مسجد، استماع خطبه را رها کردند و برای

سودی از آن‌ها نمی‌برد (نه معلم بود نه دانشمند - چارپایی بر او کتابی چند، سعدی).

و این هشدار است به همه مسلمین که نکنند مانیر مشمول همین آیه شوید؟ قرآن را به تلاوتش بسنده کنیم؟ در تحویده و ترتیل و حفظ آن نکوشیم و نهایت آن که برای دوری از چشم زخم حمایل کنیم؟ بر سر مسافر بگیریم، بر اموات بخوابیم و با آینه و جاروت، راهی منزل نو کنیم!

از دعاوی و بلند پروازی‌های یهود رمان ظهور اسلام این بود که خود را مقرب درگاه الهی و قطعی الدخول به بهشت می‌دانستند و همراه با مسیحیان، خویشانش را «انباءالله» می‌خواندند. قرآن ادعای دروغین آنان را به این گونه فاش می‌سازد که اگر چنین است تقاضای مرگ کید تارودنر به لقاء محبوبتان برسید و تقرب یابید.

قوم یهود هرگز چنین نکرد. او همیشه بر زندگی دنیوی و طول عمر حریص بوده است.

بنی اسرائیل را برای مسلمانان نقل می‌کند تا مبدا مسلمانان به آنان ناسی جویند و قدر کتاب آسمانی خود را ندانند و در ظلمت گمراهی گرفتار آیند. این ماحیرا را در قالب «تمثیل» بیان می‌کند؛ همه می‌دانیم که زبان مثل، زبان قابل فهم عموم است و کسی را بهانه فهمیدن نیست.

درازگوش حیوانی است که به بی‌خبری نسبت به اطراف خود زیان‌زد است. چه بر او سنگ و خار بار کند و چه در گرابار، تفاوتی احساس نمی‌کند و اگر جل او را از اطلس برگزینند طرفی نمی‌بندد. احکام دربار و گران‌بهای الهی، تحت لوای تورات، بر یهودیان نازل شد، آیات آن را می‌خواندند اما به محتوای آن هیچ عمل نمی‌کردند؛ صد‌ها چراغ داشتند و پیامبران متعدد بر آن‌ها آمدند، اما باز بیراهه رفتند. جداوند برای عبرت دیگران، کار یهود را به کار الاغی تشبیه نمود که بار او معلو از کتاب و معرفت است، ولی

قرآن

سالیان دراز کشیشان از خدا بی خیر ما را از بی بردن به حقایق قرآن مقدس دور نگه داشتند؛ اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذاریم، جهل و تعصب نابجا را دریده ایم. در آینده نزدیک، این کتاب توصیف ناپذیر، جهان را به خود جلب می کند و تاثیر عمیقی بر علم و دانش جهان می گذارد و سرانجام محور افکار جهانیان می شود.

گوته

قرآن مشتمل بر تعلیمات و حقایق روشن و آشکار و سهل است که عموم افراد بشر از هر طبقه ای می توانند از آن بهره مند شوند.

لئون تولستوی

این نکته روشن است که هر کلام حقیقی و درست در دل ها نفوذ ویژه دارد و حق آن است که تمام کتاب های آسمانی و غیر آن، در برابر قرآن کوچک و حقیرند.

توماس کارلایل

معامله به سوی آنان شتافتند، آبه علیه آنها نازل شد: اِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ...

تنها دوازده نفر مرد و یک زن باقی ماندند و طبق روایات، رسول خدا (ص) فرمود: اگر این گروه اندک هم می رفتند، از آسمان سنگ بر آنها می بارید.^{۱۱}

نماز جمعه در اسلام جایگاه بس رفیعی دارد و اصولاً علت نام گذاری روز جمعه به این اسم، جمع شدن و تجمع برای نماز جمعه بوده است. عرب قدیم، روز قبل از شنبه را، پیش از اسلام آوردن «یوم العروبه» می نامیدند.^{۱۲}

نماز جمعه اجتماع هفتگی مسلمین است؛ نمازهای جماعت را باید در این روز تعطیل کنند و در محدوده یک فرسخ در یک فرسخ فقط یک نماز جمعه برگزار شود و خطیب جمعه مردم را به مسائل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود آگاه کند و از توطئه دشمنان برهاند و تبلیغات یک هفته ای آنها را خنثی نماید.^{۱۳}

در طول تاریخ مواردی می بینیم که هر که می خواست بر ضد حکومتی قیام کند، نخست از شرکت در نماز جمعه او خودداری می کرد، همان طور که جمعی از شیعیان، در داستان عاشورا، شرکت در نماز جمعه نعمان بن بشیر، والی کوفه، را تحریم کردند.^{۱۴}

پیامبر اکرم (ص) استخفاف نماز جمعه را موجب پریشانی و بی برکتی در امور مسلمین دانسته و آن را «حج المساکین» لقب داده

است.^{۱۵}

امام علی بن موسی الرضا (ع)، در این خصوص، می فرماید: خداوند می خواهد به امیر مسلمین امکان دهد تا مردم را موعظه کند و به اطاعت ترغیب نماید و حوادث و اخبار مهمی را که از دور و نزدیک به او می رسد و در مرنوشت آنها مؤثر است به اطلاعشان برساند...^{۱۶}

امید که این آئین بزرگ سیاسی عبادی جایگاه اولیه خود را در میان ملل اسلامی بازیابد و به همان گونه که فلسفه وجودی آن است به اجرا در آید و وحدت و انسجام مسلمانان را تقویت کند.

پانوش ها:

۱- نهج البلاغه فیض، خطبه ۱۷۵

۲- ۳- تفسیر مجمع البیان، مقدمه ج ۱

۴- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۰۷

۵- همان، ص ۱۰۹

۶- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به «امثال القرآن» از همین نویسنده.

۷- مانند، ۱۸

۸- نقره، ۹۶

۹- المیزان، ج ۳۸، ص ۱۸۴

۱۰- مجمع البیان ج ۹، ص ۲۸۷

۱۱- المیزان ج ۳۸، ص ۱۹۶

۱۲- تفسیر نمونه ج ۲۴، ص ۱۳۵

۱۳- وسائل الشیعه ج ۵، ص ۳۹



دیدگاهها

در دی ماه سال گذشته جمعی از کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، دیداری داشتند. در این دیدار که با اقامه نماز جماعت ظهر و عصر خاتمه یافت، ایشان به بیان مسائل مهمی در مورد اهمیت کار سازمان پژوهش - که وظیفه‌اش برنامه‌ریزی، تألیف و چاپ کتب درسی و دیگر مواد آموزشی است پرداختند و در مورد دروس مختلف نیز نکاتی را یادآور شدند. از آنجا که این بیانات حاوی نکات ارزشمند و قابل تأملی است و آشنایی دبیران محترم با آنها می‌تواند مفید باشد گزیده‌ای از آن را در این جا نقل می‌کنیم.

مسئولیت نسل آینده

شما مسئولیت نسل آینده را به عهده گرفته‌اید و حقیقتاً نسل آینده وابسته به شماست. همه این تعالیمی که بعدها در دانشگاه‌ها و جاهای دیگر داده خواهند شد، تحت تأثیر این کاری است که شما دارید انجام می‌دهید. همه تعالیمی که قبلاً یا هم‌زمان در خانه‌ها داده می‌شود، تحت الشعاع کار شما واقع می‌شود؛ یعنی این مقطع دوازده ساله‌ای که شما به عهده گرفته‌اید، این قدر حساس و مهم است که می‌شود در این مقطع آدم‌هایی ساخت متدین، با اخلاق خوب، لایق، خوش فکر، دارای حس اشتکار، دارای حس جرات و شهامت کار، دارای روح اعتماد به نفس و عده احساس حقارت نسبت به دیگرانی که

آن طرف دنیا هستند. با این ویژگی‌ها، یک ملت می‌تواند در درون یک کشور نجوشد و کشور خودش را به بهترین شکلی بسازد.

بیگانگی با دین

من یک وقت این نکته را به گمانه برای آقای مظفر آوری سابق انقلاب داده‌ام که یکی از مؤلفان بسیار موفق ماست که در کشورهای مختلف به آله‌های خوش فکر و جوان‌ها و روشنفکرها خیلی ارتباط دارد و کارهای خوبی هم دارد. مقلبی برای من نوشت که همیشه در ذهن هست: «الله تحریمات خود من هم حرف‌ها را تأیید می‌کند». او می‌گفت: «وقتی من به این کشورهای عربی می‌روم و با روشنفکرانشان برخورد می‌کنم، من بینوایی از این‌ها در عین این که غرب زده هستند و بسمله به سیاست‌های ناباب و غلط کشورهای خودشان هستند و از لحاظ اخلاقی فاسدند، اما یک عطف و ربط دینی در همه این‌ها هست» یعنی با قرآن کم و بیش آشنایند و مفاهیم اسلامی را می‌دانند که همین‌ها هم در همه بعضی از مسائل و همه در انتخاب بعضی از راه‌ها و روش‌ها، به آن‌ها کمک می‌کند؛ اما در کشورهای آن منطقه‌ای که به وادی روشنفکری می‌افتند، نکال از دین بیگانه می‌شود، حتی برمی‌گردند و گاهی دشمن دین می‌شوند!

این نکته خیلی مهمی است. الله متعالی

است! گفته شود که [آن‌ها با ملاحظه حال ما این کار را نمی‌کنند] مقدار زیادی از این کار به زبان مربوط می‌شود؛ چه زبان آن‌ها عربی است و چه فارسی اسلامی نه صرفاً روزی و مواجه می‌شوند؛ ممکن باشد چه بی من تو هستیم این حلالاً را در کشور خودمان بدانیم؛ که متأسفانه این کار شده است. البته در طول سال‌های حکومت این رژیم به فعلی هم بود و عکس آن توقع بود. اما در دوره اسلامی، ما کم کار کردیم.

آموزش زبان عربی

شما می‌گویید: «این مفاهیم نهفته شده است!» بسیار خوب! باید دقیقاً این‌ها را به طور جدی دنبال کنید؛ این مفاهیم عملاً در کتاب‌های درسی منعکس بشود. در باب تعلیم قرآن و همچنین تعلیم عربی - که این‌ها هر کدام فصل جداگانه‌ای دارند - ما سه گونه یادگیری عربی داریم. یک فنون عربی است که ما در حوزه یاد می‌گیریم؛ که این فلسفه‌ای دارد. فلسفه‌اش این است که ما نمی‌توانیم در عبارات عربی داشته باشیم که یک عبارت معمولی هم در دست نمی‌دهند؛ اما در اینجا، کنیم یعنی به طور کامل بر قواعد دستور زبان عربی مسلط شویم. بعد مثلاً آن کتابی را که طلبه معنی جوان ما می‌خواند، آنجا عربی زبان‌های خود را یاد می‌گیرد این معنی است؛ اما آنجا مثلاً فرض کنید نوشته‌اند: «الله» این معنا استفاده می‌شود! «الله» کسی که

فلاں معنا هم استفاده می شود! و به دنبالش استدلال او را ذکر می کند. این، یعنی اجتهاد در زبان عربی، این مربوط به طلبه معنی خوان یا سیوطی خوان ماست. یعنی طلبه سطح پایین ادبیات. هیچ احتیاجی نیست که این گونه عربی در مدارس ما تدریس شود. این، یک رشته تخصصی استنباط فقه و اصول از منابع عربی است.

یک طور عربی خوانی عربی مکالمه است، مثل کسانی که انگلیسی را می خوانند تا بتوانند با یک انگلیسی زبان حرف بزنند و حواجشان را بر طرف کنند. کسی مکالمه انگلیسی را نمی خواند برای این که مثلاً آثار شکسپیر را خوب بفهمد یا نکات ادبی را بداند یا فلاں متن دشوار انگلیسی را بخواند. البته برای این ها هم کتاب هایی وجود دارد، اما انگلیسی رایج انگلیسی مکالمه است. ما اصلاً به این هم احتیاج نداریم. امروز زبان عربی زبانی نیست که لازم باشد مردم ما مکالمه با آن را بلد باشند. بلد باشند یا نباشند چه اهمیتی دارد؟ زبان عربی مثل زبان انگلیسی نیست که زبان رایج دنیا باشد تا ما ناچار باشیم از لحاظ مکالمه با این زبان آشنا بشویم. البته اگر کسی بداند یک فضل است اما یک نیاز نیست.

ما به نوع سومی از آموزش زبان عربی نیاز داریم که در معارف اسلامی و معارف دنیا و آخرت ما، در قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجاده و در انواع و اقسام متون دینی قرار دارد، مثل روایات، دعاها و زیارت ها. گاهی اوقات که انسان صحیفه سجاده را می خواند دلش پر از غصه می شود که چه طور مردم نمی توانند این ها را بخوانند، چون با ترجمه هم درست نمی شود این ها را تفهیم کرد. شما چه طور می توانید شعر حافظ را ترجمه کنید که یک نفر دقیقاً آنرا بفهمد؟ مگر می شود؟ آن لذتی که شما از شعر حافظ می برید چه طور

ممکن است کسی که ترجمه شده آن را به زبان عربی یا انگلیسی می خواند همان لذت را ببرد؟ اصلاً امکان ندارد.

یک وقت سمیناری در خصوص زبان و ادبیات فارسی در ایران تشکیل شده بود و از سراسر دنیا افرادی را دعوت کرده بودند. یکی از نکاتی که من در دیدار آن ها گفتم این بود که: «عبارت دامن کشان را چه طور می شود ترجمه کرد؟»

دامن کشان یعنی، هم با ناز و هم با تکبر راه رفتن، هم ضمناً تویزایی، هم یعنی من دوست دارم. شما که فارسی زبان هستید، بدون این که در جایی این عبارت را خوانده باشید، وقتی که این را می خوانند کاملاً می فهمید، اما با ترجمه نمی شود این را فهمید. این به انس با زبان احتیاج دارد. اگر مردم با زبان عربی انس پیدا کردند وقتی که صحیفه سجاده یا دعای کمیل را بخوانند بهتر درک می کنند.

نسل ما چه موقع باید این ها را یاد بگیرد؟ آیا باید دائم بنشینیم و ترجمه کنیم؟ نه، ما باید عربی را آن چنان بیاموزانیم که دانش آموزان، ولو هیچ قاعده ای را هم ندانند، اما وقتی متن را می خوانند معنایش را بفهمند و این کاملاً ممکن است. ما کسانی را داریم که وقتی شما آیه قرآن را می خوانید آن ها معنایش را می فهمند اما اگر از آن ها بخواهید که فاعل و مفعول جمله را تعیین کنید. اصلاً نمی توانند؛ ولی معناراً می فهمند و برای شما ترجمه می کنند.

من نمی گویم اصلاً قاعده نباشد اما این دانش آموز چه نیازی به این قواعد دشوار دارد؟ چند ماه پیش از این، یکی از بچه های من امتحان داشت. کتاب عربی اش را آورد و از من سؤالی کرد. من نگاه کردم دیدم بعضی از این مطالبی که در کتاب نوشته شده من درست آن ها را نمی دانم. البته به کتاب نگاه کردم، فهمیدم و به سؤالش پاسخ گفتم. اما دیدم او

به این قواعد دشوار احتیاجی ندارد. چه لزومی دارد آن ها را بدانند؟ به جای همه این ها شما باید کاری کنید که دانش آموز متن خوانی عربی را یاد بگیرد و وقتی که مفاهیم عربی را می خواند به ذهنش منتقل بشود. شما به این احتیاج دارید و به نظر من این کار لازمی است، اما کتاب عربی فعلی قطعاً این طور نیست.

آموزش منطق و فلسفه

البته بحث علوم تجربی، ریاضیات، فلسفه و امثال این ها هم جداگانه است. من چندی پیش کتاب فلسفه سال آخر دبیرستان را نگاه می کردم، دیدم همین اشکال در آن جا هم وجود دارد. یکی از بچه های من پارسال کلاس آخر دبیرستان را می خواند؛ درس فلسفه داشت و با این که بچه خوش استعدادی هم هست به مشکلی برخورد کرده بود. من کتاب او را نگاه کردم، دیدم یک بحث فلسفی را با آن بیانی که فقط برای فهمیدن امثال من خوب است بیان کرده است. بنده که این بحث را خوانده ام و درس گفته ام اگر نگاه کنم می فهمم؛ اما اطمینان ندارم که معلم او هم فهمیده باشد؛ چون از بعضی مثال هایی که او زد فهمیدم معلمش هم درست مطلب را به دست نیاورده است. بعد من با بیان ساده آن مطلب را برای او بیان کردم. دیدم این بچه به فلسفه علاقه مند شد و گفت. «عجب بحث شیرینی است!»

درس منطق هم همین طور است. با این که فلسفه از چیزهایی است که باید در کتاب های درسی بیاید، ولی ما آن را روان و آسان مطرح نمی کنیم.

می دانید که انسان به آن درسی علاقه مند می شود که آن را بفهمد. هر درسی را که انسان نفهمد از آن درس بیزار می شود. این طبیعی است. یک علت این که بچه ها خیلی اوقات از درس دینی زده می شوند همین

○ این مقطع دوازده ساله ای که شما به عهده گرفته اید، این قدر حساس و مهم است که می شود در این مقطع آدم هایی ساخت متدین، با اخلاق خوب، لایق، خوش فکر، دارای حس ابتکار، دارای حس جرأت و شهامت کار، دارای روح اعتماد به نفس و عدم احساس حقارت نسبت به دیگری که آن طرف دنیا هستند.

است. کتاب به گونه ای است که آن را نمی فهمند و معلم نمی تواند آن مطلب را به این بچه تفهیم کند. فلسفه اش همین طور است. منطقی هم همین طور است.

آموزش معارف دینی

یکی از چیزهایی که من می خواستم در خصوص کتاب دینی بگویم - که شما گفتید این را پیش بپی کرده اید و امیدوارم که به طور دقیق این کار شده باشد - این است که ما باید کاری نکنیم که این بچه از اول دبستان تا آخر دبیرستان یک مجموعه کامل از مسائل دینی را فراگیرد. البته در کتاب های دبستانی، در زمینه مسائلی که به نظر بچه ندیده است، هیچ نباید وارد استدلال شد. یعنی بچه نه ساله، ده ساله، جدا و پیمبر و امام را از پدر و مادرش شنیده و به آن ها اعتقاد دارد. هیچ لازم نیست ما استدلال بکنیم. چون وقتی در امور دینی بای استدلال به میان آمد حاضیتش این است که امر دینی و واضحی به امر مشکوک تبدیل می شود. حالا شما چگونه می خواهید این بچه را از شک بیرون بیاورید؟! بنابراین هیچ استدلالی نباید باشد، بلکه تبیین باید باشد.

در باب کتاب های دینی ساده بودن، متقن بودن و تکراری بودن از شرایط اصلی است.

من شنیده ام که در کلاس اول و یا دوم مثلاً چیزی را ذکر می کنند بعد در کلاس سوم همان سرفصل تکرار می شود بدون این که یک مطلب عمیق و متناسب با ذهن بچه در این کتاب بیاید. من خودم این را ندیده ام؛ اما شما مراجعه کنید و ببینید که اگر این طوری است حتماً این را جزو عیوب محسوب کنید و در صدر دفع آن باشید. این طور باشد که جدای نکرده ما با مطالبی که در کتاب دینی به بچه می دهیم، او را نسبت به مسائل دینی مرود و بیای شوق کنیم، یا احياناً مطلب مست و غلطی را در ذهن او وارد کنیم.

○ در همین روخوانی قرآن هم می توان مایه های شوق انگیزی به وجود آورد که شما نیاز نداشته باشید، برای ایجاد شوق در دانش آموز، داستان قرآنی را بیاورید، اگر آمدید آیه مربوط به شتر صالح را رنگ آمیزی هم کردید، من بحثی ندارم؛ اما لزومی ندارد که ما تاریخ انبیا را در روخوانی قرآن بیاوریم.

آموزش قرآن کریم

در خصوص تعلیم قرآن این طور به نظر می رسد که شما باید آن را در سه مقطع پی گیری بکنید؛ مقطع روخوانی قرآن، مقطع روان خوانی قرآن، و مقطع فهم مفاهیم قرآن. در مقطع اول، یعنی آروخوانی قرآن، برای این که بچه قرآن را یاد بگیرد، هیچ لزومی ندارد که شما داستان های قرآن را ذکر کنید. این داستان ها را بگذارید برای کتاب های تاریخ و دینی. دانش آموز در فراگیری قرآن متمرکز بشود. در همین روخوانی قرآن هم می توان مایه های

شوق انگیزی به وجود آورد که شما نیاز نداشته باشید، برای ایجاد شوق در دانش آموز، داستان قرآنی را بیاورید، اگر آمدید آیه مربوط به شتر صالح را رنگ آمیزی هم کردید، من بحثی ندارم؛ اما لزومی ندارد که ما تاریخ انبیا را در روخوانی قرآن بیاوریم.

مقطع دوم مقطع روان خوانی قرآن است، یعنی دانش آموز بتواند راحت قرآن را بخواند یا همه مردم ایران فرصت در ده سال آینده به همت شما بتوانند راحت قرآن را بی غلط بخوانند.

مقطع سوم مقطع درک مفاهیم قرآنی است. مقطع دوم می تواند در دوره راهنمایی باشد. ولی مقطع سوم در دوره دبیرستان واقع شود یا تقسیم بندی های دیگری که ممکن است صورت بگیرد.

آموزش رمان و ادبیات فارسی

در باب ادبیات فارسی هم یک نکته را متذکر شوم. البته این که شما به ادبیات معاصر بپردازید، خوب است و من توصیه نمی کنم که همه اش شعر فرخی، عنصری، سعدی، حافظ و امثال این ها را در کتاب ها بیاورید. با لاجرم ادبیات امروز - همه شعر امروز، همه نثر امروز، همه فضای ادبستانی

○ ما باید عربی را آن چنان

بیاموزانیم که دانش آموزان، ولو

هیچ قاعده ای را هم ندانند، اما

وقتی متن را می خوانند معنایش را

بفهمند و این کاملاً ممکن است.

○ انسان به آن درسی علاقه مند

می شود که آن را بفهمد.

○ به جای همه این ها شما باید

کاری کنید که دانش آموز

متن خوانی عربی را یاد بگیرد.



اندیشه آینده نگر

عرض کردم، مهم ترین مزده برای من این است که شما عالمانه در صدد هستید که این عیوب را برطرف کنید. همین که شما نشسته اید و برنامه ریزی کرده اید و این کار از یک مرکز متین دارای اندیشه حسابگر و آینده نگر و اصولی دارد دنبال می شود، خودش مهم ترین مسئله است؛ منتها بایستی قدم به قدم دنبال کنید تا ان شاء الله این کارها انجام بشود و این نکات مورد توجه قرار بگیرد. اگر توانستید این کار را خوب انجام بدهید بدانید که هیچ کدام از این کارهایی که در این کشور دارد می شود، ارزش کارهای شما را نخواهد داشت. بنده خودم اعتراف می کنم: «کارهای من، کارهای دیگران، کارهای سیاسی، هیچ کدام ارزش کار شما را نخواهد داشت.» اگر بتوانید ان شاء الله این کار را به خوبی از آب در بیاورید هم اجر الهی اش خیلی بالاست، هم برای آینده این کشور مفید است. هر کس ده سال بعد این بچه ها را ببیند، این کتاب ها را ببیند، این محصولات فرهنگی و انسانی را ببیند، از خدای متعال برای شما طلب توفیق و کمک و پاداش خواهد کرد و شما را تحسین خواهد نمود.

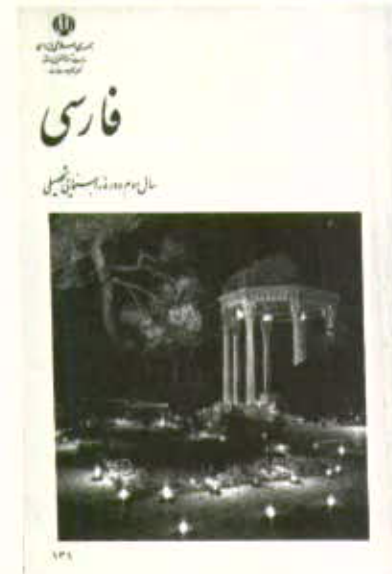
بعضی از سرایتندگان آن ها آدم های ناسالمی هم هستند و با اصل اسلام و اصل نظام مخالفند. با شما به عنوان مسؤولان این نظام صددردصد مخالفند و اصلاً شما را قبول ندارند؟!!

آموزش تاریخ

برخی کتاب های درسی تاریخ هم واقعا اشکال های اساسی دارند. اصلاً نباید بگذارد این اشکالات دروغ آمیز پیش بیاید. مسئله این نیست که ما یک جریان سیاسی به عنوان جریان انقلاب اسلامی

امروز - باید برای دانش آموز مطرح شود؛ اما انتخاب ها اولاً باید انتخاب های خوش سلیقه، ثانیاً سالمی باشد... ما الان نویسنده های خوب انقلابی داریم که قشنگ و تو می نویسند، نسبت به آن افراد نوتر می نویسند. الان همین بچه های خود ما که در کانون پرورش فکری و در رشد فعالیت می کنند - که البته اخیراً کاری از آن ها ندیده ام، قبل ها گاهی می دیدم که مطلبی می نویسند؛ بعضی در جاهای دیگر می نویسند - گاهی خیلی خوش قلم و خوش فکرتند و متین و صحیح می نویسند. صحیح نویسی هنر خیلی بزرگی است. از آثار این ها مطالبی در کتاب درسی بیاورید.

در خصوص شعر هم همین طور است. آدم بیاید شعرهای عالی زیبای شعرای بزرگ را رها کند و شعر متوسط یک شاعر درجه سه را در کتاب درسی بیاورد که چه بشود؟! البته در باب شعر کودکان من هیچ بحثی ندارم. در شعر کودکان، آن شعر از هر کس هست، باید شعری باشد که این بچه بتواند یاد بگیرد و برایش آهنگین و شوق انگیز باشد. اما در آن جایی که بحث مقطع دبیرستان است چه لزومی دارد که آدم شعرهایی را بیاورد که سطح آن ها پایین است؟! علاوه بر این که



هستیم و حسودیمان می کند که از غیر ما چیزی بگویند؛ نه، اگر حقایق دوران پهلوی را بنویسند که ما از خدا می خواهیم. منتها آن حقایق و واقعیات نوشته نمی شود. حقایق این دوران چند ساله هم نوشته نمی شود. یک چیزهای خلاف واقع که اصلاً با تحقیق تاریخی تطبیق نمی کند نوشته می شود. علاوه بر این که بر خلاف جریان سیاست و منشا و جهت گیری های انقلاب هم هست و آن آدمی که شما می خواهید در این نوشته بسازید، پدید نمی آید.



اگر زبان را «وسیله تفهیم و تفاهم و ارتباط میان انسان‌ها» یا به تعبیری مخاطبانه «یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباطی» تعریف کنیم، ارکان آن ایستاد خواهد بود: «گوش دادن»؛ «گفتن»؛ «خواندن و نوشتن»؛ «گوش دادن و خواندن» برای تفاهم است و «گفتن و نوشتن» برای تفهیم.

زبان، به معنی وسیع آن، شامل هر گونه نشانه‌ای است که بتواند افکار و معانی را از کسی به دیگری منتقل کند و این نشانه می‌تواند اشاره و حرکت و علائم راهنمایی و مرس و اصوات موسیقی هم باشد.^۱ لیکن چنانچه با این وسعت به زبان نگریم و تنها به دو نوع زبان مملووظ (شیداری) و مکتوب (دیداری) قائل باشیم، متوجه خواهیم شد که می‌سواد تنها از زبان شیداری برای تفهیم و تفاهم استفاده می‌کند، اما با سواد علاوه بر آن، از زبان دیداری نیز بهره می‌گیرد. بنابراین ارکان سوم و چهارم زبان، یعنی، خواندن و نوشتن، مخصوص قشر باسواد است. باسواد از راه خواندن با مسایل و مقاصد دیگران آشنا می‌شود و از راه نوشتن (نگارش)، خواسته‌ها

و افکار و مدققی الصمیر خود را به دیگران می‌رساند.

نوشتن رکن پیچیده زبان است و آشنایی با آن مستلزم داشتن اندیشه و شناخت علایم و نشانه‌هایی است. امیرنگارش مست ماندگاری حاصل اندیشه و احساس و انتقال آن به مخاطبان می‌شود. در واقع اگر حفظ و نگارش نبود، ما از آثار دانشمندان و فلاسفه بزرگ گذشته خبر نداشتیم و اگر نوشتن نبود، ما نمی‌توانستیم آنچه را که می‌اندیشیم و آرزو می‌کنیم درست و کامل نگه‌داریم و به انسان‌های هم‌عصر و یا به آیندگان برسانیم.

معنای لغوی و اصطلاحی نگارش و انشا

معنای نگارش از این قرار است: «نقش و تحریر»^۱ و در معنی کلمه انشا (انشاء) داریم: ۱- آفریدن، ایجاد کردن. ۲- ابتدا کردن، آغاز کردن. ۳- از خود چیزی گفتن، خواندن و آوردن شعر از خویشتر. ۴- مقابله انشاء. ۴- سخن‌پردازی، سخن‌فرینی. ۵- نوشته مترسلاطه فصیح و بلیغ.^۲

به کسی که انشا می‌کند و به زبان دیگر

نگارش و انشا

می‌نویسد، منشی می‌گویند که اصطلاح فارسی آن «دبیر» است. امروز واژه دبیر در این معنا مستعمل نیست و کلمه «نویسنده» و گاهی هم «منشی» به جای آن استعمال دارد. نویسنده یک معنای عام دارد و یک مفهوم خاص. عموماً به هر کس که بنویسد، می‌توان نویسنده گفت اما در مفهوم خاص، صرفاً به کسی که در نویسندگی تبحر و مهارت داشته و شغلش نویسندگی باشد، نویسنده می‌گویند.

ارزش نوشتن از دیدگاه قرآن

برای فهم ارجح و قدر نگارش به بهترین و مطمئن‌ترین مأخذ و مرجع مسلمانان، قرآن، رجوع می‌کنیم و ارزش «کتابت» (نگارش) را از زبان آفریننده دادار بیان می‌کنیم. در اولین آیاتی که بر پیامبر -ص- نازل شده‌اند، مسأله «قرائت» و «کتابت» (خواندن و نوشتن) و به تعبیر دیگر سواد، مورد بحث قرار گرفته است.

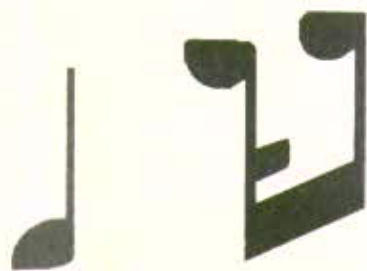
مشیت خداوندی بر این قرار گرفته است که فردی امی، معلم و اسناد تمام باسوادان و

استادان گردد. اولین دستور خداوند به پیامبر مکتب نرفته‌اش، امر به قرائت (خواندن) است: اقرأ.

در آیات چهارم و پنجم از نخستین آیات منزل، به ارزش و اهمیت تعلیم علم به وسیله قلم: یعنی، اهمیت خط و نگارش (رکن چهارم زبان)، اشاره شده است: الذی علم بالقلم * علم الإنسان ما لم يعلم^۱. راستی این چه رازی است که آفریننده هستی، به وسیله قلم - این موجود لاغر اندام و ضعیف - علم را یاد داد و به انسان، آنچه را که نمی‌دانست، آموخت؟ چگونه است که آدمی می‌تواند محصول علوم و معارف را به وسیله قلم، ثبت و ضبط کند و به معاصران و آیندگان انتقال دهد؟ اگر قلم و نوشتن نبود، بشر چگونه می‌توانست از حاصل زحمت و تجربه دانشمندان و محققان باخبر گردد؟ اگر خداوند توان استفاده از قلم و قدرت نگارش را به انسان هدیه نمی‌کرد، ما چه طور می‌توانستیم با گذشتگان و آثار تمدن و علم و فرهنگ آنها در ارتباط باشیم؟

خداوند در جایی دیگر، برای جلب توجه

اشرف محمدی*



ما به ارجمندی قلب و نگارش، بدان‌ها سوگند خورده است:

لَا وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ: سوگند به قلم و سوگند به آنچه می‌نویسد!

نیاز انسان به زبان نوشتار

نوشتن تبدیل اندیشه است به نشانه‌های بصری برای انتقال به دیگری. هدف از نوشتن انتقال احساس و اندیشه و خواسته است به دیگران. انسان نمی‌تواند از طریق گفتار، تمام آنچه را که حس می‌کند و می‌اندیشد و می‌خواهد، به دیگران برساند؛ چون نمی‌تواند همه مخاطبان را در همان لحظه که می‌اندیشد، ببیند و پیام و اندیشه‌اش را به آنها منتقل کند. از جانبی، گاهی به دلیل غلبه اضطراب و شرم و نداشتن فرصت کافی برای جمع و جور کردن پیام و... سخن گفتن دشوار است و ممکن است گوینده در تفهیم یا مشکل رویه‌رو شود. بنابراین در بسیاری اوقات، نوشتن، بهترین وسیله رساندن پیام و مطلب به شمار است. جان کلام این‌که همان‌طور که بیشتر آمد، نوشتن، بهترین راه حفظ فکر و علم و فرهنگ و انتقال آن به خوانندگان است و بشر برای تأمین نیازهایش بدان نیازمند است.

ویژگی‌های یک نوشته خوب

نوشته خوب نوشته‌ای است که بیانی ساده و روان و گیرا داشته باشد و به زبان دیگر، ساخت جملاتش تصنعی و تکلفی نباشد، از لحاظ دستور زبان و آیین نگارش، غلط‌های فاحش نداشته باشد، ترتیب و توالی منطقی و تسلسل معانی در آن رعایت شده باشد؛ حاوی پیامی مفید و رشد دهنده باشد و آن پیام را

خوب و بدون ابهام، الفاظند.

از ویژگی‌های نوشته خوب، سادگی آن است. سنگینی یک نوشته ممکن است تفریح خواننده را از آن نوشته برانگیزد و رغبت مطالعه را از وی سلب کند. این سنگینی از دو چیز است: یکی وجود واژه‌ها و اصطلاحات نامأنوس، که تکلفانه در جمله‌های می‌گیرند و نوشته تکلفانه و مصنوع را به وجود می‌آورند، و دیگر سنگین و سطح بالا بودن مطلب که برای متدیان و کم‌سوادان قابل فهم نیست. در این میان آنچه که ساینده است تکلف است در نوشتن، و گزیده سنگین بودن مطلب به مقتضای ذات مطلب، چندان ایراد ندارد؛ مثلاً، ذات برخی از مطالب فلسفی، سنگینی آنهاست و زبان و بیانی خاص خود می‌طلبند. در ضمن باید متوجه بود که دانشمندان و استادانی هم بوده‌اند که مطالب فلسفی خیلی سنگین را ساده و عام فهم بیان کرده‌اند. در هر حال می‌توان گفت که نوشته خوب، نوشته‌ای است که فصیح و سلیس باشد، یعنی روان و شگوار و رسا باشد و پیام را آن‌طور که مد نظر نویسنده است، به مخاطب برساند.

دو چیز است که باعث ضعف یا تعالی و خوبی یک نوشته می‌شود: اول ظاهر آن نوشته، یعنی جمله‌بندی و طرز به‌کار بردن کلمات صحیح در جای درست که تیمی از آن را جمله و طرز ساختن آن یعنی «نحو» به ما می‌آموزد و بیسی دیگر را علوم بلاغی... دومین چیزی که باعث ضعف یا قوت یک نوشته می‌شود باطن آن نوشته، یعنی طرز فکر نویسنده و اوج و حضیض اندیشه او است و همین مطلب است که نوشته‌ای را قابل خواندن یا امر دود ذهن انسانی قرار

می‌دهد. سپس نوشته خوب آن است که از نظر دستور زبان و علم بلاغت درست و موجه باشد و بعد هم حاوی اندیشه و مطلبی زیبا و مفید.

رمز موفقیت در نوشتن و چگونگی تعلیم نویسندگی

هدف از زبان آموزی در مدارس، هدایت و کنترل دانش آموزانی است که با اعمال راهکارهای مناسب از دوره‌دستان، آن‌را به گونه‌ای آموزش دهند که نه تنها کتابخوانی مشتاق، بلکه نویسندگانی آید.

یکی از اهداف آموزش زبان فارسی در دوره راهنمایی بر این است که دانش‌آموز به آن حد از توانایی نگارش برسد که بتواند دیده‌ها، شنیده‌ها، حتم‌ها و حاصل اندیشه خود را با کلمات و جملات صحیح بنویسد. راه رسیدن به این هدف عبارت است از تقویت ارکان چهارگانه زبان و ارتقا متقابل آنها. شنیدن توأم با دقت (گوش دادن) اولین و ساده‌ترین طریق یادگیری است. هر فرد هم به این امر اشاره شده است: «عسر عباد الادیب یسمعون القول فیسعون احسنه». گوش شویا با اندیشه‌ای سالیوم در یادگیری بسیار مؤثر است. آدمی فریه شود از راه گوش. کسی که خوب گوش می‌کند، سخن هم برای گفتن یاد می‌گیرد و در صورت شناخت نشانه‌های نوشتار، می‌تواند گفته‌اش را به نوشته تبدیل کند. اکنون بویست حواله‌ای است. «یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل مهارت در نوشتن، حدیث است. یا خواندن نوشت‌های مجتهد، انسانی، مؤثر و در خدمت شویا می‌شود و

درست نوشتن و خوب نوشتن برای ما عادت و ملکه ذهنی می‌گردد.^{۱۴} پس وظیفه معلم است که انگیزه خواندن را در دانش آموز ایجاد کند؛ مثلاً، با معرفی کتاب‌های خوب و خواندن قسمت‌هایی کوتاه از آنها در کلاس درس؛ لیکن صرف گوش دادن و خواندن و آشنایی با حروف الفبا، برای ترقی در نوشتن کافی نیست. پس از خواندن، مهم‌ترین وسیله پیشرفت قدرت نگارش، نوشتن است... هیچ نویسنده‌ای... با خواندن کتابهای «آیین نگارش» و «آداب نویسندگی» و امثال آنها نمی‌تواند نویسنده شود؛ باید قلم به دست گرفت و همه جا و همه وقت درباره همه چیز نوشت. «شاید تغییر درست‌تر و دقیق‌تر این باشد که باید قلم به دست گرفت و در وقت و موقعیت مناسب درباره موضوع دلخواه نوشت. بنابراین یادگیری نگارش و پیشرفت در آن نیازمند تمرین و ممارست بسیار است در خواندن، و غور و تأمل در آثار نویسندگان بزرگ و بعد هم نوشتن بسیار.

نکته‌ی دیگر این‌که باید به تفاوت‌های زبان گفتار و زبان نوشتار توجه نمود و دانش آموز را متوجه ساخت که نوشتن همان گفتن است، البته با تفاوت‌هایی. بعد هم ساده‌نویسی و حذر از تکلف در نوشتن یاد داده شود. به این ترتیب دانش آموز، دیگر از نوشتن نخواهد ترسید و نوشتن که رکن پیچیده زبان است، برایش کاری سهل و ساده خواهد شد. «آیین نگارش» و «دستور زبان» نیز پلی است که گذر از آن بعضی از معضلات را مرتفع می‌سازد؛ گرچه همان‌گونه که اشاره شد، با یاد دادن دستور و آیین نگارش، نمی‌توان نویسنده تربیت کرد. نویسنده خود به خود از میان جامعه برمی‌خیزد و لزومی

نیست که هر نویسنده تحصیلات دانشگاهی داشته باشد تا نویسنده خوبی باشد بلکه ذوق و قریحه نویسنده، خدادادی است. می‌توان آن را با پرورش و آموزش در راه مستقیم آورد و به آن حسن ظاهری داد.^{۱۵}

اما قواعد مسلمی هم وجود دارد که توجه بدانها، به درست گفتن و درست نوشتن کمک می‌کند.

صاحب نظران تعلیم و تربیت، برای تسهیل یادگیری و تقویت تدریس، روش‌های گوناگونی بیان می‌کنند: عده‌ای شیوه استفرائی را مناسب می‌دانند و تعدادی هم شیوه قیاسی را. پاره‌ای به نظریه «گشتالت» معتقدند و جمعی دیگر یکی از اصول اساسی تعلیم را «حرکت از تجزیه به ترکیب»^{۱۶} می‌دانند، عده‌ای هم متناسب با موضوعات مختلف، روش‌های مختلف را قبول دارند و گاهی نیز ترکیبی از چند روش را.

صرف نظر از محاسن و معایب هر شیوه، آنچه که در نوشتن اساس است، شناخت دقیق حروف الفبا (واحد سازنده نوشته) و طرز نوشتن و ترکیب دقیق آنها و سپس ترکیب صحیح واژه‌ها برای جمله‌سازی است.

یادگیری دستور نیز به درست‌نویسی (ترکیب صحیح کلمات و جملات و استعمال آنها در جای خویش) مدد می‌رساند، اما نباید پنداشت که خروج از قواعد دستوری، همیشه و هر جا غلط است. استفاده از دستور تا جایی نیکوست که برای زبان محدودیت و تنگنا ایجاد نکند. گاهی انحراف از جاده دستور، کلام را بلیغ‌تر می‌کند؛ مثلاً، دو جمله «من خود او را دیدم» و «من خودم او را دیدم» را با هم

بسنجید و ببینید کدام یک زیاتر است؟ آیا آن‌که با دستور تطابق دارد یا آن‌که از لحاظ دستوری غلط است؟

حقیقت این است که در عین لزوم نظر داشتن به دستور برای نوشتن، گاهی استفاده از زبان محاوره مطلوب‌تر و رساتر است. حتی عدول از هنجار و خروج از نرم، ممکن است «سخن» را زیاتر کند و بر بلاغت آن بیفزاید؛ چه، از یک دیدگاه، سبک نویسنده را حاصل انحراف و خروج از هنجارهای عادی زبان»^{۱۷} می‌دانند. ضمن این‌که باید توجه داشت که هر عدول و خروجی هنرمندانه نیست و بعضاً سخن را نازیبا جلوه می‌دهد. «کلاً می‌توان گفت که انحراف در ادبیات باید از دیدگاه‌های بلاغی (مخصوصاً علم بیان) قابل توجیه باشد.»^{۱۸}

نویسنده خلاق^{۱۸}

«نوشتن درباره... احساسات و عواطف درونی را نوشتن خلاق نامیده‌اند. نویسنده خلاق، اندیشه‌ها، احساس‌ها و آرمان‌های تخیلی خود را می‌نویسد»^{۱۹} نویسنده خلاق، واقعیت را با تخیل می‌آمیزد و از بیان مجازی (علم بیان) در نوشتن بهره می‌گیرد و نوشته‌اش را جذاب و خواندنی می‌کند.

باید شریطی را فراهم کرد که دانش آموزان، نویسندگانی خلاق بار آیند. باید دانش آموز خلاق را شناخت و زمینه رشد او را فراهم کرد. دانش آموزی ۱۳- ۱۲ ساله که در نگارش «با استفاده از بیان استعاره و تشبیه در نظم و نثر به بیان تفکر»^{۲۰} خود می‌پردازد، خلاق است. پس وظیفه معلم هم تمهید بستری مناسب برای بالندگی و ارتقای اوست.

عوامل ضعف در نگارش و راه چاره

در انشای عبارات پیش، تا حدی غلط و عوامل ضعف در نوشتن پررسمی شد. بیاید گفت که علت اصلی این ضعف، نبودن اندیشه و احساس به دلیل بی دقتی و نبودن گوش شنواست که آن هم معلول آموزش غلط است. برای برداشتن این نقیصه و تقویت بوجوانان در نوشتن، مراحلی را که قبلاً از نظر گذشت باید طی کرد. به علاوه، آقای دکتر کرمی پور در مقاله خود راهکارهایی نشان داده است که توجه بدانها کارساز است.^{۱۱}

آنچه که اینک در اولویت قرار دارد، توجه به تربیت معلم است. زیرا متعلق بودن معلم به خلق درست و زیسانویسی، از بزرگترین عوامل ضعف دانش آموزان به شمار است.^{۱۲} عاملی دیگر که سبب تنفر دانش آموزان از انشا و نگارش شده است. تعیین موضوعات نامناسب برای آنهاست؛ مثلاً، تعیین موضوعات انشاعی و ذهنی برای دانش آموزان سنین پایین. منتهی دیگر که بر سر راه است، صادق نبودن معلم و دانش آموز است. در واقع صادقانه نوشتن و اهتمام به حرف دل، یکی از بهترین راههای تقویت نگارش است. دروغ پردازی و چاپلوسمی و تکلف نگاری، نوشته را تصنعی و بی مزه و بی محتوا می کند. بنایده دانش آموز آموخت که نه جا و نه موقع حرف دلش را بنویسد. تهیه دفتر مخصوص و نا حدودی دور از دسترس، برای این کار مناسب به نظر می رسد. اینجاست هر گاه از دانش آموزان خواسته ام حرف دلشان و آنچه را که دل تنگشان می خواهد بنویسند؛ نوشته های جالبی از آنها به دست آمده است. برای مثال بعضی از آنها خواسته ام بدون نوشتن نام خود، آنچه راجع به من می اندیشند، صادقانه روی کاغذ بنویسند. بعضی از این «انتقادهای خجالی جالب و خواندنی بوده است.

پانوشته ها:

- ۱- فرشیدورد، دکتر حسرو؛ آزادی، گوهرها و تحول آن.
- ۲- معین، دکتر محمد؛ فرهنگ معین، ج ۲، ص ۴۹۰، ج ۳، ص ۲۸۰۲، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- ۳- همان، ج ۱، ص ۳۸۱.
- ۴- علق / ۶، ۵.
- ۵- قلم / ۱.
- ۶- شریعت، دکتر محمدحاجواد، این نگارش، ج چهارم، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸، ص ۶۹ و ۷۰.
- ۷- کرمی پور، دکتر محمدرضا؛ راهکارهای تقویت انشا و نوشتن...، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره شانزدهم، شماره ۷، فوریه ماه ۱۳۸۰، ص ۳۷.
- ۸- آموزش تدریس فارسی سده اول، احمدی، شریعت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱، ص ۸.
- ۹- زیر / ۱۷ و ۱۸.
- ۱۰- مشوق مولوی، دفتر نهم.
- ۱۱- احمدی کیوی، دکتر حسن، ادب و نگارش، ج پنجم، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۳، ص ۷.
- ۱۲- همان، ص ۹.
- ۱۳- شریعت، دکتر محمد حواد، این نگارش، ص ۷۰.
- ۱۴- Gestalt.
- ۱۵- یعقوبی، عبدال...؛ نقیصت‌کننده های تدریس، رشد تکنولوژی آموزشی، دوره شانزدهم، شماره ۶، اسف ماه ۱۳۷۹، ص ۳.
- ۱۶- ۱۷ و ۱۸- شمس، دکتر سیدروس، کتاب سنجش فارسی، ج دوم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۳، ص ۳۲ تا ۳۶.
- ۱۸- خلاق از رشته حقه است به معنی اولاد از عدم این واژه صطاد، مورد جداد و مصداق دارد اما امروزه در آموزش و پرورش و ادبیات است رایج است.
- ۱۹- پایین نگارش نویسنده معین، ص ۱۹.
- ۲۰- توحیدی، الهامه؛ اخلاق، رشد تکنولوژی آموزشی (مجله)، شماره ۷، فوریه ماه ۱۳۸۰، ص ۷.
- ۲۱- ترک: منبع شماره ۷.
- ۲۲- ذات نابغه از هس، جیش / کی تواند که شود هشت بخش ۱۲.

♦ دیدگاه‌ها، روش‌ها، آموزش و پرورش منتقد

دو شعر از مستوره اردلان

من آن زنم که به ملک عفاف صدر گزینم
ز خیل پردگیان نیست در زمانه قرینم
به زیر مقنعه من را سری است لایق افسر
ولی چه سود که دوزان نموده زار چنینم
مرا ز ملک سلیمان بسی است تنگ همبدون
که هست کشور عفت همه به ریر نگینم
ز تاج و تخت جم و کی مراسم عار ولیکن
به آستان ولایت کمینه خاک نشینم

رفنیم و پس از خود عمل خیر نهانیم
با آب گنه نوشه عقبنی بسرشنیم
امروز بدین عالم خاکی به چه نازیم
فرداست که بینی همه خاک و همه خشتیم
بس کار مناهی که در این مزله کردیم
بس خار معاصی که در این مزرعه کشتیم
در حشر ز نیک و بد ما دوست چه پرسد
نیکم ازوبیم و ازوبیم جو زشتیم
المنة لله که مستوره، من و دل
جز بار بساط از همه دیار نوشتیم

از کتب مشاهیر کرد



یادی از ابوالقاسم قربانی

معلم، مؤلف و مورخ ریاضی

دکتر غلامعلی حداد عادل

دانشمند ریاضی قرن پنجم)

✱ فارسی‌نامه (تحقیق در آثار ریاضی کمال‌الدین فارسی، دانشمند ریاضی قرن‌های هفتم و هشتم)
✱ کاشانی‌نامه (درباره غیاث‌الدین جمشید کاشانی ریاضیدان و منجم قرن نهم)

گزارش او از سیر تحول دانش ریاضی در ایران و عالم اسلام، دقیق و عالمانه و دست‌اول بود. قربانی در توسعه دانش و پژوهش در ایران تأثیری فراموش‌ناشدنی داشت و بی‌گمان محققان تاریخ ریاضی ایران و جهان در آینده به تحقیقات ارزنده او محتاج خواهند بود و از کتاب‌های وی بهره خواهند برد.

قربانی مردی متین و بلندهمت و خوش‌فکر و با اخلاق و خوش‌مشرب و خوش‌محضر بود و علاوه بر ریاضیات به ادبیات نیز علاقه داشت و شعر نیز می‌سرود.

چند سال پیش که همراه با حجت‌الاسلام مهندس حسن طارمی و مهندس محمدباقری برای دیدن او به منزلش رفته بودیم، عکسی دیدیم که قربانی را هنگام عبادت از ملک‌الشعراى بهار در بیمارستانی در سوئیس نشان می‌داد. از او درخواست کردیم آن عکس را که متعصبانه فرود بود برای چاپ در مقاله «بهار» به بنیاد دایرةالمعارف اسلامی بسپرد تا در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شود. لطف کرد و کریمانه پذیرفت و امروز آن عکس در جلد چهارم دانشنامه یادگار اوست.

درگذشت او را می‌باید به بازماندگان وی و به همه دوستداران دانش و فرهنگ تسلیت گفت.

روحش شاد باد که فرزندی خلف برای مهن خویش بود و با سخت‌کوشی و دانشمندی، کتاب‌هایی تألیف کرد که هرکدام برهانی قاطع بر عظمت ایران اسلامی و گواه روشن رونق علم در این سرزمین بود. او دین خویش را به وطن خویش ادا کرد، باشد که نسل جوانی که از میراث علمی به جای مانده از او بهره‌می‌برد قدم در راه او گذارد و دین خود را به او ادا کند.

استاد ابوالقاسم قربانی در نخستین روزهای آذرماه سال هشتاد، در نودسالگی درگذشت. همه کسانی که مانند صاحب این قلم، دوران تحصیل دبیرستانی خود را در چهل پنجاه سال قبل از این تاریخ گذرانده‌اند با نام قربانی آشنا هستند. در آن سال‌ها کتاب‌های درسی ریاضیات تألیف ابوالقاسم قربانی و دوست و همکار دیرینه‌اش حسن صفاری نزد همه معلمان ریاضی و دانش‌آموزان دبیرستانی معروف و مشهور بود و نام «صفاری، قربانی» به اندازه‌ای بر زبان‌ها جاری بود که گویی دو نام برای یک مؤلف است. تعداد کتاب‌های درسی تألیف قربانی به شصت و هفت کتاب بالغ می‌شود و گمان نمی‌کنم هیچ‌کس در عالم تألیف کتاب‌های درسی توانسته باشد چنین سابقه‌ای از خود به‌جای گذارد.

قربانی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در «مدرسه عالی دختران» آن روز که «دانشگاه الزهراء»ی امروز است به تدریس ریاضیات پرداخت. او در بعضی دانشگاه‌های دیگر نیز مانند دانشگاه صنعتی شریف تاریخ ریاضی در ایران دوره اسلامی تدریس می‌کرد و هم در آنجا بود که من با او، هنگامی که کتاب «کاشانی‌نامه» اش را در درس تاریخ علم تدریس می‌کردم، آشنا شدم و از نعمت مصاحبت با وی برخوردار گشتم.

قربانی که با ریاضیات جدید از وپایی به خوبی آشنایی داشت و معلمی با سابقه و مؤلفی پرکار و موفق بود نزدیک به چهل سال از عمر پربرکت و طولانی خود را صرف تحقیق در تاریخ ریاضی ایران و جهان اسلام کرد و حاصل این پژوهش طولانی و طاقت‌فرسا تألیف چندین کتاب و مقاله درجه‌یک در این رشته بود. مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

- ✱ زندگی‌نامه ریاضیدانان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم (شرح حال و آثار علمی بیش از یکصد و شصت دانشمند بزرگ ریاضی ایران در دوره اسلامی)
- ✱ تحقیق در آثار ریاضی ابوریحان بیرونی یا «بیرونی‌نامه»
- ✱ بوزجانی‌نامه (با همکاری محمدعلی شیخان)
- ✱ نسوی‌نامه (تحقیق در آثار ریاضی علی بن احمد نسوی،

ساختار اعداد

میرزا جلیلی قسمت اول

پیدایش و تکامل عددنویسی در طول تاریخ

حساب و عددنویسی با رشد تمدن و نیازهای بشری آغاز شده و ادامه پیدا کرده است. وقتی انسان اولیه نیاز به آگاهی از مابینک خود، مثلاً تعداد گاو، گوسفند، شتر، ... پیدا نمود شروع به شمردن یا شمارش کرد. این شمارش در ابتدا مقایسه‌ای و به صورت تناظر یک به یک انجام می‌گرفت؛ برای مثال، صبح هنگام، وقتی گوسفندان را برای چرا از اخل خارج می‌ساختند برای هر گوسفند که بیرون می‌آمد، یک دانه ریگ کوچک را در کیسه‌ای قرار داده در نتیجه تعداد گوسفندان برابر تعداد ریگ‌های داخل کیسه بود، و شامگاه که آنها از چرا برمی‌گشتند هر گوسفند که وارد اخل می‌شد یک ریگ را از آن کیسه بیرون آورده در داخل کیسه‌حالی دیگری قرار می‌دادند. اگر کیسه‌اول کاملاً خالی می‌شد آن گاه همه گوسفندان از چرا برگشته بودند و اگر احتمالاً دانه‌ای ریگ در کیسه باقی می‌ماند، شن یا شن‌های باقی مانده حکایت از عدم حضور گوسفند یا گوسفندانی می‌کرد، که باید به دنبالش می‌رفتند. گاهی اوقات این شمارش با خراش زدن یک قطعه چوب انجام شده که در این صورت تعداد خراش‌ها برابر تعداد حیوانات بود.

به مرور انسان خود را از شر کیسه یا چوب خلاص کرده مستقلاً به شمارش پرداخت و برای هر دسته از اشیاء شمرده شده نماد خاصی را به کار می‌برد. مثلاً وقتی به ۵ می‌رسید ۷ و برای ۱۰ نماد X و برای صد نماد C و برای ۱۰۰۰ نماد M در نظر می‌گرفت. البته این نمادها در ادوار مختلف یا در میان ملت‌های مختلف متفاوت بود. لذا اولین

تعریف کلاسیک از اعداد به صورت زیر شکل گرفت:

اعداد صحیح مفاهیم با مجردهایی هستند که از شمارش دسته‌های منتهای از اشیاء ناشی می‌شوند.

در یکی از جلسات گذشته‌های دبیران راهنمایی دو سؤال زیر مطرح شد:

۱- آموزش اعداد در کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی با معرفی مجموعه‌های \mathbb{N} ، \mathbb{Z} ، \mathbb{Q} و \mathbb{R} یعنی طبیعی، صحیح، گویا و حقیقی در طول سه سال ارائه شده است، اما عده‌ای از همکاران دبیر لیسانسه که در دبیرستان هم درس می‌دهند، در سال سوم، برخلاف این عمل می‌کنند؛ یعنی اول مجموعه \mathbb{R} را یاد می‌دهند و سپس \mathbb{N} ، \mathbb{Z} و \mathbb{Q} را به عنوان زیرمجموعه‌های آن تدریس می‌کنند و اعتقاد دارند که با این روش، دانش آموزان درک بهتری از ساختار اعداد پیدا نموده و به ارتباط این مجموعه‌ها با هم نیز توجه می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

۲- بین نقاط محور و مجموعه اعداد حقیقی یک تناظر یک به یک وجود دارد. آیا با روش ترمیم می‌توان جای هر عدد حقیقی را روی محور مشخص کرد؟

پاسخ سؤال اول

معمولاً در آموزش یکی از دو شیوه زیر مطرح است:

الف- از جزء به کل رفتن، که روش استدلال استقرایی است.

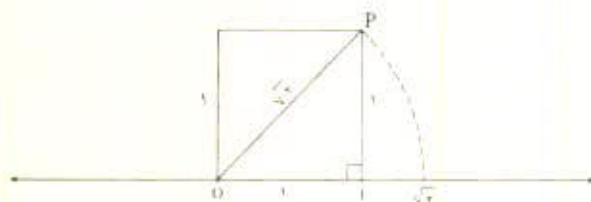
و ساختار اعداد در دوره ۸ ساله عمومی، یعنی ابتدایی و راهنمایی، به این طریق معرفی شده است.

ب- از کل به جزء رفتن، که استدلال استنتاجی یا قیاس ارسطویی است.

که توضیح دادید که بعضی از همکاران شما از آن استفاده می‌کنند.

حال برای توجیه دو روش فوق قدری به گذشته برمی‌گردیم.

و به این ترتیب اولین عدد غیر گویا یعنی $\sqrt{2}$ معرفی شد که نمایش آن روی خط اعداد را در زیر می بینید:



اثبات این که $\sqrt{2}$ گویا نیست را به ارسطو نسبت داده اند:

لم- اگر a^2 زوج طبیعی باشد آن گاه a زوج است.

اثبات: شیوه اثبات برهان خلف است: هر گاه $2k+1$ و $2k$ نمایش کلی اعداد زوج و فرد باشند و فرض کنیم a زوج نباشد پس a فرد است و داریم:

$$a = 2k + 1 \quad \text{طرفین را به توان ۲ می رسانیم:}$$

$$a^2 = (2k + 1)^2$$

$$= 4k^2 + 4k + 1 = 2(\underbrace{2k^2 + 2k}_k) + 1$$

$$a^2 = 2K + 1$$

یعنی a^2 فرد می شود و حال آن که طبق فرض a^2 زوج بوده است.

قضیه: عدد $\sqrt{2}$ گویا نیست

اثبات: هر گاه a و b دو عدد اول باشند و فرض کنیم $\frac{a}{b} = \sqrt{2}$

باشد، می نویسیم:

$$\frac{a}{b} = \sqrt{2} \Rightarrow \frac{a^2}{b^2} = 2 \Rightarrow a^2 = 2b^2 \quad (1)$$

تساوی (۱) نشان می دهد که a^2 زوج است که طبق لم بالا a نیز زوج خواهد شد، یعنی $a = 2a'$ که اگر در (۱) جایگزین کنیم خواهد شد:

$$a^2 = 2b^2 \Rightarrow 4a'^2 = 2b^2 \Rightarrow 2a'^2 = b^2 \quad (2)$$

که تساوی (۲) نیز حکایت از زوج بودن b^2 و در نتیجه b می نماید، یعنی a و b هر دو زوج بوده اند و این خلاف فرض می باشد.

تا مدت ها $\sqrt{2}$ تنها عدد ناگویای شناخته شده بود تا بعدها یکی از شاگردان افلاطون به نام **تئودوروس** (۴۲۵ قبل از میلاد) اعداد $\sqrt{3}$ ،

$\sqrt{5}$ ، $\sqrt{10}$ ، $\sqrt{17}$ را نیز به عنوان اعداد گنگ معرفی کرد.

در قرن نوزده میلادی، از سال ۱۸۵۰ به بعد که ریاضیدانانی چون کانتور، کومر و دیکنید شیوه هایی جدید در معرفی و ساختار اعداد

ابداع نمودند، دید کنید با استفاده از دنباله ها، برش معروف خود را پیشنهاد داد O عدد گنگ را تعریف کرد.

ضمناً همین سال ها آغاز پیدایش ریاضیات اصل موضوعه بود؛ به این صورت که به جای IR، مجموعه اعداد حقیقی همراه با دو عمل + و × در نظر گرفته دستگاه (X, +, ×) را مورد مطالعه قرار دادند که در این دستگاه داریم:

خواص جمع

۱- خاصیت بسته بودن؛ هر گاه x و y اعداد حقیقی باشند آن گاه

$$x + y \text{ یک عدد حقیقی است.}$$

۲- خاصیت شرکت پذیری؛ هر گاه x و y و z اعداد حقیقی باشد

آن گاه:

$$x + (y + z) = (x + y) + z$$

۳- خاصیت عضوی اثر؛ عددی مثل صفر (۰) وجود دارد به قسمی

$$x + 0 = 0 + x = x \text{، که برای هر عدد حقیقی } x$$

۴- خاصیت عضو مقابل؛ برای هر عدد حقیقی x عضوی مثل $-x$

به نام متقابل جمعی یا عضو قرینه وجود دارد به قسمی که:

$$x + (-x) = (-x) + x = 0$$

۵- خاصیت جابه جایی؛ برای هر دو عدد حقیقی x و y داریم:

$$x + y = y + x$$

خواص ضرب

عمل ضرب در مجموعه اعداد حقیقی نیز عیناً دارای ۵ خاصیت

بالا بوده با این تفاوت که در اینجا عضوی اثر عدد ۱ بوده و مقابل x

عدد $\frac{1}{x}$ یا x^{-1} است که به نام معکوس یا متقابل ضربی x خوانده می شود.

دو خاصیت دیگر

۱- عضوهای بی اثر جمع و ضرب یکی نیستند، یعنی $1 \neq 0$

۲- خاصیت پختی یا توزیع پذیری ضرب بر جمع؛ برای هر سه

عدد حقیقی x و y و z داریم:

$$x(y + z) = xy + xz$$

ادامه در شماره بعد



باز هم برای مثال، انسان اولیه وقتی می خواست هفت عدد موز را بین سه نفر تقسیم کند ابتدا به هر کدام از آنها یک موز می داد و وقتی به همه یک موز رسیده بود موز دوم را به همان ترتیب توزیع می نمود و تقسیم موزی که در آخر باقی مانده بود در ایش بی معنا بود، لذا یا آن را به بیرون پرتاب می کرد یا رویش را می گرداندند سریع آن را می خورد تا قادر شود بقیه را به تساوی بین افراد تقسیم نماید. گاهی هم عمل تقسیم را چند بار تکرار می کرد، به این ناور که شاید اشتباهی رخ داده که یک موز باقی می ماند ولی در آخر متوجه می شد که باقی ماندن یک موز در آخر احتساب ناپذیر است.

بعدها موز آخری را از وسط دو قسمت کرده ($\frac{1}{2}$) و باز هر قسمت را نیز از وسط نصف می کرد ولی به کسر $\frac{1}{4}$ نمی رسید. زمان لازم بود تا بفهمد که یک واحد را می توان شکست و به ۳ قسمت مساوی تقسیم کرد و این که هر قسمت آن $\frac{1}{3}$ است.

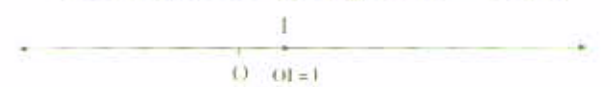
کسرهای متعارفی به طور رسمی و کلاسیک در قرن سوم هجری به وسیله ی محمد بن موسی خوارزمی، با شکستن واحد و برداشتن قسمتی از این شکسته ها تعریف شد.



در این روند تکاملی اعداد، وقتی به تساوی $1 = 1$ رسیدند که آنچه عددی است که اگر با یک جمع شود حاصل برابر صفر خواهد شد! به مقابل ها یا قرینه های اعداد صحیح دست یافتند.

خط اعداد: در طول تاریخ همیشه نمردهای عددی همواره با تعبیرهای هندسی یعنی شهود و رسم بوده است. اعداد گویا و حقیقی به طور غیر کلاسیک از زمان ارسطو به طریق هندسی شناخته شده بود. به توضیحات زیر توجه کنید.

در اینجا خط اعداد شامل مبدأ و واحد نشان داده شده است:

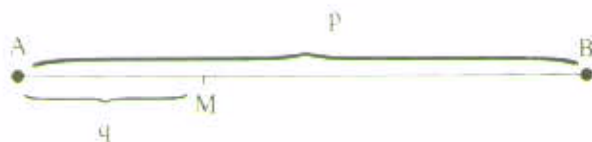


روی این خط، اعداد طبیعی در طرف راست (O) و قرینه های آن در طرف چپ نمایش داده می شود:



اگر در محل اعداد چراغ های ریز انکتربکی نصب کرده و آنها را با یک کلید روشن کنیم، دیده می شود که بین چراغ ها فاصله های زیادی وجود دارد؛ یعنی اعداد صحیح تمام نقاط خط را نمی پوشانند.

در معرفی اعداد گویا، به طریق هندسی، روی پاره خط AB به طول ۱ نقطه ای مثل M به منحنی که $AM = \frac{1}{4}$ باشد در نظر گرفته و نسبت $\frac{AB}{AM} = 4$ را معرفی عدد گویای $\frac{4}{1}$ می دانند.



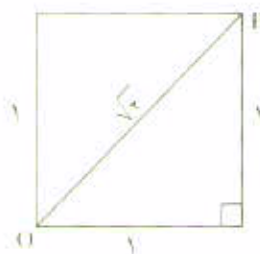
از این عدد گویا در هندسه به طور طبیعی استفاده می شد، در حالی که مدت ها طول کشید تا به طور رسمی وارد قلمرو حساب گردد. امروز روی خط اعداد ۱- OI و نقطه P به طول $\frac{P}{q}$ را بین O و I در نظر می گیرند.



در شکل (۱) عدد گویای $\frac{P}{q}$ مثبت و در شکل (۲) عدد گویای $\frac{P}{q}$ منفی است.

در کشف اعدادی مثل $\sqrt{2}$ ، $\sqrt{3}$ ، ... متوجه شدیم که نقاطی از خط اعداد وجود دارد که نظیر هیچ عدد گویایی نیست. به عبارات دیگر اگر در محل اعداد گویا روی خط اعداد نیز چراغ های کوچک انکتربکی نصب کرده آنها را با یک کلید روشن نماییم، نقاط سیاهی از خط دیده می شود که نتیجه آن این می شود که نقاطی از خط اعداد وجود دارد که متناظر با هیچ عدد گویایی نیست.

در این راستا فیثاغورس بیان اولین کسانی بودند که صریحاً اعلام داشتند بر روی خط اعداد هیچ عدد گویایی نظیر نقطه P وجود ندارد به طوری که OP برابر قطر مربع واحد باشد.



آشنایی با مجله ریاضی برهان



می رود و مجله هر ساله با مخاطبان جدیدی مواجه می شود، لذا معرفی مجله تنها از طریق معلمان دوره راهنمایی که در این مقطع ثابت می مانند میسر خواهد بود.

در خصوص اشاعه این خدمت آموزشی و فرهنگی، دست یاری شما عزیزان را می فشاریم. لازم به ذکر است، مجله برهان (برهان راهنمایی و برهان دبیرستان) اولین مجله ریاضی است که توسط انتشارات مدرسه وابسته به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش با اهداف اشاعه آموزش ریاضی و علاقه مند کردن دانش آموزان به علم پایه ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان چاپ و منتشر می شود. در اینجا فرم اشتراک مجله را جهت استفاده متقاضیان درج کرده ایم. امکان اشتراک مجله به صورت فردی یا گروهی برای مدارس وجود دارد. انتظار می رود معلمان محترم ریاضی دوره راهنمایی نه تنها این مجله را مطالعه کرده و به دانش آموزان و همکاران دیگر خود معرفی کنند بلکه در تهیه مطالب و ارائه

مجله ریاضی برهان راهنمایی فصل نامه ای کمک آموزشی است که ضمن تکمیل، تأیید و تقویت محتوا و مفاهیم دروس ریاضی دوره راهنمایی، به ارزیابی مباحث و مقالات جنسی ریاضیات، متناسب با مخاطبان می پردازد. مخاطب اصلی برهان، دانش آموزان دوره راهنمایی هستند که مجله، با توجه به تنوع مطالب آن، می تواند برای آنان در هر سطح آموزش و باهر توانایی مفید باشد. مخاطب فرعی برهان نیز همکاران و معلمان عزیز ریاضی می باشند که می توانند از مطالب آن برای تنظیم طرح درس خود استفاده کنند و روش های تدریس مطرح شده در مقالات آموزشی را در کلاس به کار ببرند.

اکنون برهان وارد هفتمین سال خود شده است، با این حال هنوز برای بسیاری از معلمان گرامی دوره راهنمایی و دست اندرکاران آموزشی این دوره ناشناخته است. به یقین اگر برهان به درستی شناسانده شود و معلمان محترم با آن آشنا شوند، مطالعه آن را به همه دانش آموزان خود توصیه می کنند. از آنجا که مخاطب مجله بعد از سه سال به دوره متوسطه

پیشنهادها در جهت بهبود کیفیت مجله نیز دست اندرکاران آن را یاری کنند.

امیدواریم زمانی فراسد که برهان اولین و تنهاترین مجله ریاضی نباشد و فرهنگ مجله خوانی در بین دانش آموزان چندان رواج پیدا کند تا امکان تولید چنین مجلاتی برای ناشران بخش خصوصی نیز فراهم شود و این امر میسر نیست مگر با توصیه و ترویج آن توسط معلمان ریاضی دوره راهنمایی.

برگ اشتراک مجله برهان

نام خانوادگی	نام پدر	تاریخ تولد	پایه تحصیلی
مشخصات مشترک برای واحدهای آموزشی - ادارات و سازمانها:			
نام واحد آموزشی	نام مدیر مسئول		
نام سازمان			
مقطع	<input type="checkbox"/> دخترانه <input type="checkbox"/> پسرانه		
آدرس:			
استان	شهرستان	خیابان	کوچه
پلاک	کدپستی	مبلغ واریزی	شماره فیش



اشاره: در برنامه جدید آموزش علوم تجربی مدارس ابتدایی و راهنمایی، گروه‌بندی دانش‌آموزان برای فعالیت علمی، یکی از راهبردهای اساسی است. روشن است که ایجاد تغییر در نظام آموزش «معلم محور» به «گروه محور» یا «دانش‌آموز محور» کاری ساده نیست و نیاز به آموزش معلمان از یک سو و همت گماردن و احساس مسئولیت آنان از سوی دیگر دارد تا به تدریج این شیوه جانشین شیوه‌های سنتی گذشته شود. مقاله‌ای را که می‌خوانید به این مطلب می‌پردازد. امید است مورد توجه شما دبیران محترم علوم قرار گیرد. رشد

پهیک قرن تأکید

یادگیری از طریق همیاری و مشارکت آزمایی است که حداقل در طول قرن گذشته ذهن دانشمندان و نهادهای مختلف تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته است. در ابتدای قرن بیستم جان دیویی معلمان را تشویق می‌کرد برای بررسی و حل مسئله، دانش‌آموزان را به صورت گروه‌ها و دسته‌هایی به کار گمارد؛ در پایان قرن بیستم سازمان یونسکو چهار اصل و ستون استوار را به عنوان زمینه آموزش و پرورش برای سده بیست و یکم بیان می‌دارد: «یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای باهم زیستن و یادگیری برای باهم زیستن از طریق توان



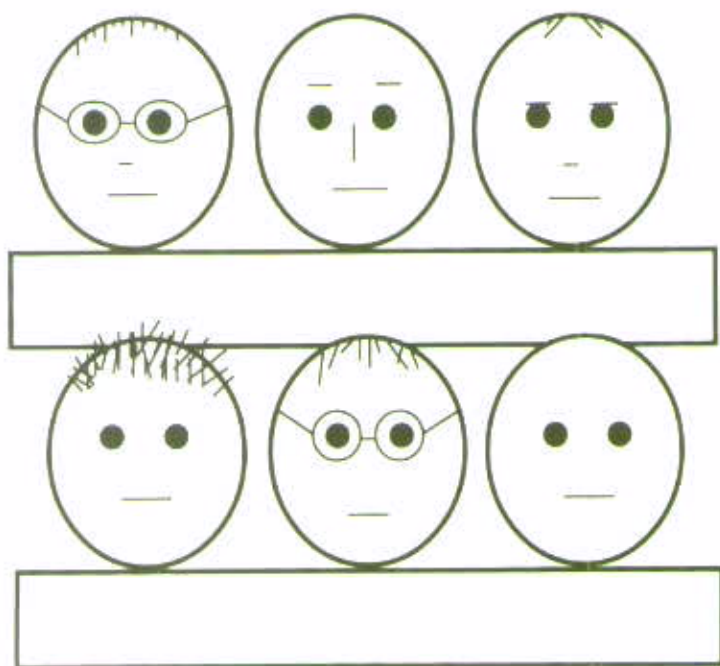
گروه‌های کوچک دانش‌آموزان در یاری کردن یکدیگر شیوه مؤثری است برای تشویق آنان به رفع اشکالات و فراهم آوردن وقت و کمکی اضافی که به آن نیاز دارند.»

همبستگی عمومی، پاسخ‌گویی فردی

خوشحانه گروه‌بندی دانش‌آموزان در کلاس‌های درس علوم جانی خود را بازی کرده است. هر چند ممکن است هنوز برای تحقیق اهداف واقعی کنار گروهی دانش‌آموزان، مواقع بسیاری وجود داشته باشد. اگر از محدودیت‌های فیزیکی کلاس‌ها

در که دیگران، سپس از همستگی یا آنان و احترام به ارزش‌های جمعی و تفاهم دو جانبه ممکن می‌شود. با چنین صورتی این اهداف در آموزش علوم تجربی مورد توجه قرار می‌گیرند. یادگیری یک فعالیت اجتماعی قلمداد می‌شود و اجرای طرح‌های مشارکتی و یادگیری از طریق همیاری، به عنوان روش‌های مورد تأکید در تدریس علوم تجربی مطرح می‌شوند.

پایزه بر اساس تجربه‌های خود بیان می‌دارد که بیش‌تر آموزه‌های مهم ما حاصل تعامل با دیگران است و بلوم پس از تحقیق‌های فراوان اعلام می‌دارد که «ایجاد فرصت برای



و فضاهای آموزشی صرف نظر کنیم درک نادرست از مفهوم گروه و یادگیری مشارکتی می تواند باعث شود که علی زغم وجود ظاهری گروه های دانش آموزی اهداف

برخی مسایل دیگر که به طور معمول با تشکیل گروه در کلاس های درس مطرح می شود چنین است:
۱- تشکیل یک گروه که اعضای آن برای

دستیابی به اهداف درسی مورد نظر لازم است پیش نیازهای لازم آموخته شده باشد، در غیر این صورت مراحل بعدی به خوبی پیش نمی رود.

علاء نوری*

تدریس با گروه های تخصصی

واقعی آن تحقق نیابد. برای کار گروهی لازم است افراد گروه، با نوعی احساس همستگی و در عین حال توانایی پاسخ گویی فردی، در کنار هم باشند.

در کارگاه های آموزشی مختلف، برخی از معلمان به نگارنده ایراد داشته اند که در کار گروهی یا مسابلی از این دست رویه رو هستند:

۱- نظارت بر انجام تکالیف معین شده برای گروه مشکل است؛ به خصوص در کلاس های پرجمعیت که تعدادی از گروه ها در فرصت های موجود به کارها و گفت و گوهای در غیر از مسیر تعیین شده می پردازند.

۲- افراد ضعیف گروه کم تر درگیر فعالیت ها می شوند و از سوی دیگر اعضا تحویل گرفته نمی شوند.

پیشنهاد تعیین وظایف معین جداگانه برای هر یک از اعضا نمی تواند راه حل مناسبی برای حل این مشکل باشد زیرا در این وضعیت دیگر همیاری و مشارکت برای یادگیری مفهوم نخواهد داشت. افراد گروه لازم است با یک همستگی عمومی مثبت به طور واقعی به هم وابسته باشند؛ یعنی هر یک از اعضای گروه موفقیت خود را در گروه موفقیت یک یک اعضا بداند. یک گروه موفق نمی شود مگر این که تمام اعضای آن موفق شوند. در عین حال هر دانش آموز باید خود را در یادگیری مؤثر موضوع درسی مسئول قلمداد نماید و از زیر وظایف گروهی شانه خالی نکند (پاسخ گویی فردی).

مدت ها با هم می مانند می تواند باعث خستگی و یک نواختی گردد و فرصت ارتباط با سایر دانش آموزانی را که عضو گروه نیستند از بین ببرد.

۲- کار گروهی وقت زیادی می خواهد. گاه ممکن است ارائه یک موضوع کوتاه با روش سخنرانی، در کار گروهی، بیش از یک جلسه درسی را به خود اختصاص دهد. برای حل چنین مسابلی ارائه طرح های اجرایی می تواند راه گشا باشد. در ادامه به نمونه ای از این طرح ها اشاره می شود. این طرح در سال های پایانی دوره ابتدایی و مقاطع بالاتر و حتی در آموزش بزرگ سالان می تواند به کار برده شود.

یادگیری از طریق همیاری و گروه های تخصصی

برای درک بهتر، مراحل اجرای این طرح را در آموزش درس «دسته بندی مواد» صفحه ۳۱ تا ۳۸ از فصل چهارم کتاب علوم تجربی اول راهنمایی- سال تحصیلی ۷۹-۸۰ پی می گیریم.

۱- پیش نیازهای یادگیری

با مراجعه به صفحه های این درس در کتاب درسی و مراجعه به مفاهیم آموخته شده در دوره ابتدایی معلوم می شود که دانش آموزان با مفاهیم اولیه دسته بندی مواد یعنی: مخلوط- مخلوط و یک نواخت- محلول، در کلاس چهارم، و عنصر و ترکیب، در کلاس پنجم، آشنا هستند. برای

۲- ایجاد آمادگی

با نمایش یک فیلم کوتاه یا بحث مختصر در ارتباط با مخلوط ها انگیزه فعالیت ایجاد می شود و هدف نهایی درس روشن می گردد. اگر هیچ یک از این کارها ممکن نباشد بیان توضیحی کوتاه و یا خواندن مقدمه ای از موضوع درس در کلاس، که نمایانگر مجموعه اطلاعات درس است، توصیه می گردد. در مثال مذکور، خواندن صفحه ۳۱ توضیح کلی در مورد مخلوط ها بیان می کند.

۳- تعیین زمینه مطالعه

در این مرحله لازم است درس با توجه به تعداد اعضای هر گروه به قسمت های متناسب و متعادلی تقسیم شود. به نظر می رسد گروه های سه نفره در عمل و کار موفق تر باشند. در مورد مثال ذکر شده، سه بخش درس عبارت اند از:

۱- صفحه ۳۲ و ۳۳، که به توضیح در مورد مخلوط ناهمگن و مخلوط همگن می پردازد.
۲- صفحه ۳۴ و ۳۵ که به توضیح ماده خالص می پردازد.

۳- صفحه ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ که به توضیح ترکیب و مفهوم ناخالصی می پردازد.
هر یک از اعضای گروه مسئول مطالعه یک قسمت است. به دانش آموزان اعلام می شود که لازم است قسمت مربوط به خود را به دقت مطالعه کنند و با تهیه یادداشت هایی از آن آماده شوند تا آن قسمت را برای دیگر



اعضای گروه درس بدهند.

۴. تعیین مسئول مطالعه هر قسمت

برای آن که معیوم شود که هر یک از اعضا کدام قسمت را باید مطالعه کنند، پیش از اعلام قسمت‌های درس، از دانش‌آموزان هر گروه بخواهید هر عضو گروه شماره‌ای را از بین سه شماره‌ای که مشخص می‌شود برای خود برگزیند (به طور مثال شماره ۱، ۲، ۳)، بعد از تعیین شماره هر عضو گروه، قسمت‌های تعیین شده به‌طور اتفاقی بین شماره‌ها تقسیم می‌شود.

۵. تشکیل گروه‌های تخصصی

بعد از مطالعه دقیق هر قسمت، گروه‌هایی از دانش‌آموزان، که یک قسمت معین را مطالعه کرده‌اند، تشکیل می‌شود. یعنی تمام دانش‌آموزانی که قسمت یک را مطالعه کرده‌اند در این قسمت متخصص شده‌اند، به همین ترتیب در مورد قسمت‌های دو و سه، بدیهی است که تعداد اعضای گروه‌های تخصصی نیز نباید زیاد باشد. پس هر گروه تخصصی به دو یا چند گروه تقسیم می‌شود.

۶. وظیفه گروه‌های تخصصی

در گروه‌های تخصصی، دانش‌آموزان قسمت مطالعه شده را مرور می‌کنند، در مورد مفاهیم درس به توافق می‌رسند و درباره موارد اختلاف گفت و گو می‌کنند. در این مرحله معلم با مراجعه به هر گروه و طرح سؤال‌های اصلی مربوط به آن قسمت، گروه‌های تخصصی را در درک درست مفاهیم و رسیدن به اهداف آموزشی بازی می‌نماید.

۷. بازگشت به گروه‌های اولیه

پس از پایان بحث و گفت‌وگو، گروه‌های تخصصی، اعضا به گروه‌های اولیه خود بازمی‌گردند و هر عضو گروه، به ترتیب موضوع درس، از قسمت

تخصصی خود گزارشی به همه گروه‌های خود ارائه می‌دهد.

در پایان معلم پرسش‌هایی را از قسمت‌های مختلف درس از اعضای هر گروه می‌پرسد و به این ترتیب از فراگیری کامل درس اطمینان پیدا می‌کند.

۸. ارزشیابی

در مورد دانش‌آموزانی که تدریس بیشتری در کار گروهی دارند و از آمادگی درسی بیشتری برخوردارند می‌توان از هر گروه خواست که امتحانکی (امتحان کوتاه چند سؤالی) طرح کنند. امتحانک می‌تواند شامل سؤال‌های مختلف از قبیل صحیح-غلط، چهارگزینه‌ای، تکمینی و... باشد. امتحانک طرح شده توسط هر گروه به‌طور اتفاقی به گروه دیگر داده می‌شود و در پایان کار طرح هر امتحانک، امتحانک را تصحیح و نمره‌زایه گروه امتحان‌دهنده اعلام می‌کند.

در این مرحله معلم بر جریان طرح سؤال نظارت می‌نماید و با اقدام‌های پیشگیرانه از اشتباه‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. لازم به یادآوری است که نمره امتحانک به عنوان نتیجه کار و ارزشیابی محسوب نخواهد شد. معلم با فهرستی از موارد ارزشیابی که از پیش تدارک دیده است مجموعه جریانات کلاس را ارزیابی می‌کند. فهرست موارد ارزشیابی شامل نحوه عمل گروه‌های تخصصی، گزارش به گروه‌های اولیه، چگونگی تهیه امتحانک‌ها و تصحیح آن‌ها و... می‌باشد.

۹. تعامل اجتماعی و یادگیری پویا

اگر باورمندارید که این روش می‌تواند محیط فعالی برای یادگیری اثربخش فراهم نماید کافی است یک بار آن را امتحان کنید. به نظر می‌رسد بتوان امتیازهای ذیل را برای این طرح برشمرد:

۱- همه اعضای گروه به هم وابسته

می‌شوند. تکمیل کار گروه با کار یک یک اعضا پیوند می‌خورد. هر یک از اعضا در برابر مسئولیتی که بر عهده گرفته است یعنی مطالعه دقیق قسمت مربوط به خود و گزارش آن پاسخگو خواهد بود.

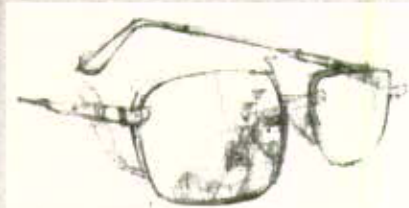
۲- نظارت حشک معلم بر جریان کار گروه‌ها جانی خود را به راهنمایی او پیوسته معلم برای دستیابی به اهداف می‌دهد. در عمل مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان چنان مشغول کار خود می‌شوند که فرصت کارهایی غیرمربوط را نخواهند داشت.

۳- افراد ضعیف گروه اینک مسئول توضیح یک قسمت از درس در گروه هستند بنابراین برای ایفای نقش خود تلاش خواهند کرد و دیگر اعضای گروه نیز به نتایج کار این افراد برای تکمیل کار خود بسیار خواهند داشت. این امر می‌تواند گامی در جهت تقویت اعتماد به نفس آن‌ها باشد.

۴- در جریان این طرح تدریس مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد و یادگیری برای باهم ریستن معنا پندامی کند. دانش‌آموزان فرصت پیدا می‌کنند تا گوش کردن به حرف دیگران، رعایت نوبت، ابراز عقیده، بیان دقیق افکار خود، اصلاح نظرهای پیشین و پذیرش نظرات جدید، انتقاد از نظرهای دیگران ضمن توجه و تأیید خود افراد، را تجربه کنند.

در پایان این کلام گفته دانش‌آموزی را به خاطر می‌آورم که به‌طور معمول در کلاس خاموش و آرام بود، کم‌تر مورد توجه دیگر دانش‌آموزان قرار می‌گرفت و دانش‌آموزی ضعیف به‌شمار می‌آمد. بعد از اولین جلسه‌ای که با این طرح تدریس کردم به من گفت: «آقا تا به حال هیچ کداه از درس‌های شما را به این خوبی نفهمیده بودم» و این در حالی بود که پیش از آن کلاس علوم ما هرگز از آزمایش و فعالیت‌های مختلف دانش‌آموزان خالی نبود.

• درشناس و دبیر علوم دبیر تهران



یکی از معضلاتی که در سال های اخیر به معضلات آموزش و پرورش افزوده شده است، انتشار بی رویه و خارج از نظارت و کنترل کتاب هایی است که به کتاب های کمک آموزشی شهرت یافته اند. اگر زمانی بود که جلال آل احمد در کتاب «سه مقاله دیگر» از «بلیشوی کتاب های درسی» سخن می گفت و زبان به شکوه می گشود، امروز باید از بلیشوی کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی، یا آموزشی، سخن گفت و فغان برآورد. زیرا در چنین بلیشویی است که بسیاری از مطالب و محتواهای کتاب های درسی تقطیع و مثله شده و اغلب آنها به نوشته هایی نه چندان بهتر از مطالب کتاب اصلی تبدیل می شوند و در مجموع، گاهی نیز از مشکل دانش آموزان نمی گشایند.

ریشه مشکل و تحلیل پدیده کتاب های کمک آموزشی را، اگرچه تا حدی، و فقط تا حدی، می توان در برنامه های آموزشی کشور و کتاب های درسی یافت، اما به نظر می رسد عوامل متعدد دیگری نیز در آن دخالت دارند که جای طرح آن ها در اینجا نیست، ولی به هر حال قابل تأمل است.

به هر حال، اکنون دو سال است که وزارت آموزش و پرورش جشنواره کتاب های آموزشی رشد را برگزار می کند تا از این طریق، کتاب های مناسب را معرفی و معیارهای تألیف و انتشار چنین کتاب هایی را به جامعه، بویژه به مؤلفان و ناشران، عرضه نماید. جشنواره امسال، که در آبان ماه ۸۰ برگزار شد به کتاب های دوره راهنمایی تحصیلی اختصاص داشت. به همین مناسبت ما ویژه نامه این شماره را به این موضوع اختصاص داده ایم که ملاحظه می فرمایید. ویژه نامه به ترتیب شامل این مطالب است. گفت و گو با آقای محبت اله همی، دبیر جشنواره؛ گفت و گو با آقای سید مرتضی خلخالی، از کارشناسان صاحب نام و صاحب نظر دفتر در تألیف کتاب های درسی و کمک درسی، فهرست کتاب های برگزیده و معرفی مشروح تعدادی از آنها و بالاخره گزیده بیانیه های هیأت های داوری در پایان جشنواره. امیدواریم مورد توجه همکاران گرامی قرار گیرد. خواهشمندیم دیدگاه های خود را درباره این موضوع برای ما ارسال فرمایید.

سردبیر



ویژه نامه جشنواره کتاب های آموزشی رشد





سراغاز*

چه بخواهیم و چه نخواهیم، دنیای امروز لحظه به لحظه تخصصی تر می شود و این تفکیک و جدایی شامل کتاب ها هم شده است. شاید دیروز چیزی به اسم کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی وجود نداشت و تنها نگاه خوانندگان بود که زاویه جدیدی برای یک کتاب باز می کرد. اما امروز وضع کمی فرق کرده است. ناشرانی پا به میدان گذاشته اند که به طور خاص دست به انتشار کتب کمک آموزشی و کمک درسی می زنند. در کتابخانه ها نیز جایگاه خاصی برای این آثار در نظر می گیرند. امروزه دانش آموز و معلم هم تا حدی ضرورت توجه به کتب کمک درسی و کمک آموزشی را احساس کرده اند.

به طور مثال خود شما به عنوان یک معلم چه جایگاهی برای این نوع کتاب ها قائل هستید و اصولاً چه تعریفی از این گونه کتاب ها دارید؟ آیا نمونه ای از این کتاب ها در کتابخانه شما یافت می شود؟ هیچ وقت مطالعه چنین کتاب هایی را به شاگردان خود توصیه کرده اید؟ چه معیاری برای انتخاب و معرفی این نوع نرم افزارهای آموزشی دارید؟ آیا اطلاع دارید که تاکنون وزارت آموزش و پرورش در بار حشواره ای به نام «حشواره کتاب های آموزشی» - کمک آموزشی - برگزار کرده تا بهترین آثار منتشر شده در دوره های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی را به دانش آموزان، معلمان، ناشران و والدین معرفی کند؟

ما به نمایندگی از سوی شما، پرسش هایی را طرح کرده و برای گرفتن پاسخ های آن سراغ آقای محبت الله همتی دبیر اولین و دومین حشواره کتاب های آموزشی رشد رفتیم. آنچه در پی می آید، ماحصل این گفت و گو است. با هم آن را می خوانیم.

شیشه عینک را

عوض کنید، بیمار شفا می گیرد

ضرورت و عدم ضرورت وجود کتاب های کمک آموزشی و کمک درسی در گفت و گو با محبت الله همتی دبیر حشواره کتاب های آموزشی رشد

گفت و گو و گزارش از: محمد حسین دبیرجی



■ جناب آقای همتی! لطفاً در آغاز تعریفی از کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی ارائه دهید.

□ کتاب‌های کمک‌آموزشی لزوماً به برنامه آموزشی دوره تحصیلی یا بهتر بگوییم پایه تحصیلی خاصی مربوط نمی‌شوند، بلکه از خود استقلال دارند. حال آن‌که کتاب‌های کمک‌درسی بر اساس اهداف و برنامه درسی دوره‌های خاص تحصیلی یا پایه خاص تحصیلی تألیف می‌شوند و وجودشان بستگی به برنامه‌های درسی دارد.

■ وزارت آموزش و پرورش اهداف خود را از طریق کتب درسی که به طور رسمی تدریس می‌شوند، پیش می‌برد. اصولاً چه ضرورتی برای وجود کتاب‌های کمک‌آموزشی در کنار کتاب‌های درسی وجود دارد؟

□ تاکنون در نظام برنامه‌ریزی درسی مدون و رسمی، این گونه کتاب‌ها جایگاهی نداشته‌اند و الآن هم ندارند. البته شیوه درست آن است که وقتی برنامه‌های درسی طراحی می‌شود، در کنار این برنامه‌ریزی، نقشی را هم برای رسانه‌های مختلف آموزشی از جمله انواع کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و کمک‌درسی قائل شویم. حال ممکن است این پریش مطرح شود که چرا باید به این نوع رسانه‌ها عنایت و توجه نماییم. در پاسخ باید گفت، چون ظرف کتاب‌های درسی محدود است و زمان اختصاص یافته جهت تدریس آن‌ها توسط معلم نیز کافی نیست، بنابراین لازم است تا از همه رسانه‌های آموزشی به ویژه رسانه‌های مکتوب که یکی از آنها کتاب است، استفاده کنیم و نقش آن‌ها را هم در برنامه‌ها بیستم، به این ترتیب، نظام آموزشی به تدریج از وابستگی محض به کتب درسی خارج می‌شود.

■ کتاب‌های کمک‌آموزشی نسبت به کتاب‌های درسی رسمی چه جایگاهی دارند؟ منظور این است که با توجه به این که کتاب‌های درسی محور آموزشی هستند، کتاب‌های کمک‌آموزشی نسبت به این محور

کجا قرار می‌گیرند؟

□ همان‌طور که عرض کردم، انواع کتاب‌های آموزشی به هیچ وجه در برنامه‌ریزی درسی ما لحاظ نشده‌اند. اما چون تمام بار آموزشی بر دوش کتاب درسی بوده، این تصور برای معلم به وجود آمده که از تمام اطلاعات مندرج در کتاب‌های درسی باید امتحان شود و همین تصور به کتاب‌های کمک‌درسی به صورتی که اکنون رایج است میدان داده است. اما درستش این است که کتاب‌های آموزشی را هم - به معنای علمی کلمه - لحاظ کنیم. در این صورت اگر برخورد درستی با مقوله این گونه کتاب‌ها داشته باشیم، خواهیم توانست جایگاه آنها را در نظام برنامه‌ریزی درسی و به ویژه در فرایند یاددهی - یادگیری تبیین کنیم. به طور مثال در برنامه جدید آموزش علوم، بخشی از نمرات تحصیلی دانش‌آموزان به فعالیت‌های خارج از کلاس اختصاص یافته است. حالا این فعالیت‌ها انواع دارد. گاهی شاگرد باید برحسب موضوعی که معلم به بچه‌ها می‌دهد به کتابخانه رجوع کند و از کتاب‌های آموزشی غیر درسی استفاده نماید. حالا اگر ما مجموعه‌ای کتاب داشته باشیم که بر اساس برنامه درسی یا فرایند یاددهی - یادگیری تقسیم‌بندی شده باشد، توانسته‌ایم محیط یادگیری را غنا ببخشیم. این قضیه درست مانند «نابلوی آچار» در کارگاه یک مکانیک است. مکانیک در نابلوی کارگاه خود انواع و اقسام آچارها را دارد و این بدان معنا نیست که باید در هر لحظه از تمام آنها استفاده کند. ولی هرچه تعداد این آچارها و تنوع آن‌ها بیش‌تر باشد، ابتکار عمل مکانیک بالا می‌رود و او برحسب نیاز می‌تواند در هر زمان از این وسایل استفاده کند. به اعتقاد من در یک نظام درسی سالم و برنامه‌ریزی شده هم باید مثل همان تابلو جایگاه هریک از این رسانه‌ها، اعم از مکتوب و غیر مکتوب،

● این که تصور کنیم کتاب درسی باید پاسخ‌گوی همه نیازهای دانش‌آموزان باشد، سخن درستی نیست. درست‌تر آن است که بگوییم باید برنامه‌های درسی به همه نیازهای درسی بچه‌ها پاسخ بدهند

● الآن بسیاری از ناشران که کتاب‌های خوب هم تولید نمی‌کنند، بازار را در دست دارند و این به خاطر نظام ارزش‌یابی غلطی است که ما در آموزش و پرورش داریم



روشن و مشخص باشد.

■ یک کتاب کمک آموزشی خوب و مناسب باید چه نیازهایی از مخاطب خود را برآورده سازد؟

۱. منظور از مخاطب در این جایگه حوزه وسیع بوده و نهاد شاگردان را در برمی گیرد. معلمان و والدین هم به نوعی مخاطب محسوب می شوند. حالا این نیازها باید در برنامه درسی تعریف شده باشد که در غیر حال نیز می تواند متفاوت باشد. یعنی نیاز معلم یا نیاز دانش آموز فرق دارد. به طور مثال در یک مقطع زمانی خاص ممکن است دانش آموزان به کتاب های فعالیت محور نیاز ویژه داشته باشند. یا معلم هم ممکن است به کتاب هایی نیاز پیدا کند که او را با مانی و فلسفه آموزش علوم به روش فعال آشنا کند. هر کدام از این دو، بسته به نقشی که در فرایند یاددهی - یادگیری دارند، می توانند در برنامه منعکس شود تا مجموعه پدید آورندگان یا مؤلفان، بر اساس آن به تألیف کتاب های مناسب اقدام کنند. الان این طور نیست. بلکه یک سیار کاذب وجود دارد که ناشی از شیوه امتحانات است. همین قضیه سبب شده که در بازار کتاب، دانش آموزان و والدین تنها به یک نوع از کتاب های آموزشی که صرفاً برای موفقیت در امتحان کاربرد دارد، رو بیاورند و بازار نیز از این نوع آثار اشباع است. حال آن که در کار آموزش، معلمان و دانش آموزان نیازهای دیگری هم دارند که به آنها توجه نشده است. به طور مثال تنوع فرهنگی و اقلیمی موجود در کشور خود سبب تنوع در نیازهای معلمان هم می شود که این خود نکته ای قابل تأمل است. همچنین تغییرات برنامه های درسی موجب تغییر در نیازهای معلمان و دانش آموزان می شود.

■ آنچه را که شما مطرح می کنید یک چیز ایده آل است. یعنی اگر آموزش و پرورش از طور باشد، کتاب های کمک درسی می توانند نقش خود را ایفا نمایند اما در شرایط فعلی که

همه جور کتابی در بازار وجود دارد، کتاب خوب را چگونه باید شناخت و انتخاب کرد؟

۱. نشریاتی را به نام «کتابنامه های رشد» منتشر می کنیم که در آن ها کتاب های مناسب، از میان کتاب های موجود در بازار، معرفی شده است. هدف این است که مخاطبان اعم از دانش آموز و معلم بتوانند از این آثار در فرایند یاددهی - یادگیری استفاده کنند. این کتاب ها با دوره مربوط به خودشان از نظر تحصیلی و درسی کاملاً منطبق هستند. از ابتدای سال تحصیلی جاری این کتابنامه را برای دوره ابتدایی منتشر کردیم و از ابتدای سال تحصیلی آینده هم برای دوره راهنمایی منتشر می شود که به مدارس نیز ارسال خواهد شد.

■ این کتابنامه چگونه می تواند پاسخ گوی نیاز معلم، شاگرد یا والدین باشد؟

۱. اصولاً کتاب های کمک درسی را معلمان به شاگردان معرفی می کنند. بنابراین در وهله اول معلمان را با این کتاب ها آشنا می کنیم.

برای مثال در مورد کتاب های تمرین ریاضی برای دانش آموزان، کتاب های موجود را توسط غده ای از معلمان انتخاب و کارشناسی کردیم تا در کتابنامه معرفی کنیم. هوش کنید تعداد ۱۰ کتاب در این زمینه معرفی می کنیم تا معلم هر کدام را که خواست، به بچه ها معرفی کند. ■ این کتاب ها از نظر دوره و سال انتشار مربوط به چه مقطعی از زمان هستند؟

۱. یک برنامه اجرایی برای این کار داریم. به طور نمونه کتاب هایی را که در سال ۱۳۸۰ منتشر شده اند در جلد دوم و کتاب هایی را که در فاصله زمانی سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ به چاپ رسیده اند در جلد اول معرفی کردیم و به همین ترتیب، برای کتاب هایی هم که پس از سال ۱۳۸۰ منتشر شوند، عمل می کنیم. در ضمن قرار است تعدادی از این کتاب ها از چند سال دیگر در کتاب های درسی و کتاب های معلم معرفی شوند. بدین ترتیب امیدواریم بتوانیم فهرست واحدی از



● اول باید نگاه کارشناسان آموزش و پرورش نسبت به طرز تلقی از کتاب های کمک آموزشی تغییر کند. در این صورت است که می توان جایگاه کتاب های کمک آموزشی را در برنامه درسی لحاظ کرد

● بحث سامان بخشی به کتاب های کمک آموزشی، در بستر زمان جواب می دهد. هدف ما از برگزاری جشنواره و تبلیغ کتاب های کمک آموزشی صحیح مانند مؤسسه استاندارد است. باید آن قدر تبلیغ کنیم تا به نتیجه برسیم

کتاب‌های مفید آموزشی را در اختیار همه معلمان و دانش‌آموزان قرار دهیم.

■ حال فرض کنیم معلمی بخواهد بداند که دیدگاه شما برای انتخاب این ۱۰ جلد کتاب از میان ۱۰۰ کتاب موجود در بازار چه بوده است، چگونه می‌تواند به این مطلب پی ببرد؟
□ برای انتخاب کتاب‌ها پرسشنامه‌هایی را تنظیم کردیم و معیارهای خود را در آنها آوردیم. برای مثال یکی از سوال‌های اساسی این بود که آیا محتوای کتب با اهداف و رویکردهای برنامه‌های درسی موجود مطابقت دارد یا خیر؟ فرض کنید کتاب‌های آموزشی مختلفی برای درس زبان انگلیسی وجود دارد که خیلی از آن‌ها ممکن است تلفظ کلمه انگلیسی را با حروف فارسی نوشته باشند، یا این که جواب تمرین‌های کتاب درسی را داده باشد. از نظر کارشناسان این‌ها کتاب‌های مفیدی نیستند، بلکه دقیقاً در جهت عکس اهداف آموزشی زبان قرار دارند. لذا این کتاب‌ها مضر تشخیص داده شده و انتخاب نمی‌شود. به همین ترتیب سایر معیارها هم در پرسشنامه لحاظ می‌شود.

■ می‌توانید به چند نمونه از این معیارها اشاره کنید؟

□ معیارها دو گونه‌اند یا عمومی هستند که در همه کتاب‌ها باید لحاظ شوند مثل زبان و نثر سالم و یا این که اختصاصی هستند.

■ نگاه آموزش و پرورش به کتاب‌های کمک آموزشی چگونه است؟ آیا مجموعه‌ای از عوامل بیرونی آموزش و پرورش را وادار کرد که این کتاب‌ها را بپذیرد یا این که خود آموزش و پرورش احساس کرد باید وارد این حوزه شود؟

□ آموزش و پرورش سابقاً به درخواست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ویژگی‌های کتاب‌های کمک درسی را اعلام می‌کرد. به این صورت که ارشاد برای صدور مجوز کتاب‌های کمک درسی آن‌ها را به دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی ارسال می‌کرد تا بررسی ورد و یا تأیید کند. آن دفتر طی دو

مرحله -یکی در سال ۶۸ و یکی سال ۷۲- معیارهای خود را به اداره کتاب وزارت ارشاد اعلام کرد. اما بعداً این کنترل برداشته شد و انتشار کتاب‌ها آزاد شد. در نتیجه بازار پر از کتاب‌های کمک درسی شد که شما نیز شاهد آن هستید. الان وضعیت به گونه‌ای است که در ایامی از سال بازار کتاب تحت تأثیر کتاب‌های کمک درسی قرار می‌گیرد. از شهریور تا آبان با اوج فروش این کتاب‌ها روبه‌رو هستیم.

■ شما فکر نمی‌کنید اگر کتاب‌های درسی می‌توانستند پاسخ‌گویی نیاز بچه‌ها باشند، دیگر نیاز به این همه کتاب‌های کمکی نداریم؟
□ این که کتاب درسی باید پاسخ‌گویی همه نیازهای بچه‌ها باشند، سخن درستی نیست. آیا بچه‌ها به خواندن داستان، شعر و امثال آن نیاز دارند یا خیر؟ اگر قرار بر این بود، دیگر این همه کتاب‌های آموزشی حتی در کشورهای پیشرفته منتشر نمی‌شد. در حالی که می‌بینیم در این کشورها انواع و اقسام کتاب‌های آموزشی به جز کتاب‌های درسی منتشر می‌شود. بنابراین کتاب درسی تنها یک رسانه آموزشی است. درست‌تر آن است که بگوییم باید برنامه‌های درسی به همه نیازهای درسی بچه‌ها پاسخ بدهند.

■ آیا آموزش و پرورش نمی‌تواند به جای کتب درسی، برنامه درسی را در اختیار معلم بگذارد و به او بگوید که کتاب درسی هم تنها یک ابزار است؟ به طور مثال سر فصل‌هایی از علوم را برای معلم تعیین کرده و بگوید با توجه به کتاب درسی و سایر کتاب‌های کمک درسی و آموزشی این مباحث را آموزش بدهید؟

□ در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست. اگر چنین باشد که خیلی خوب است. این مسئله در صورتی اتفاق می‌افتد که معلمان ما بتوانند بر اساس برنامه‌ریزی درسی، محتوای درسی تولید کنند که چنین چیزی را در حال حاضر نداریم. این فکر می‌تواند یک سیاست درازمدت باشد. امروز که ما مجبوریم یک کتاب را علی‌رغم

تنوع فرهنگی موجود برای همه کشور بنویسیم، چنین چیزی امکان ندارد.

■ هم‌اکنون انواع کتاب‌های کمک آموزشی در شکل‌ها و سبک‌های مختلف منتشر می‌شود. چه دلایلی برای این تنوع وجود دارد؟ در حالی که همه مدعی هستند ما در راستای همان اهداف کار می‌کنیم. وقتی هم که با ناشران صحبت می‌کنیم، می‌گویند ما داریم به آموزش و پرورش خدمت می‌کنیم...

□ ما باید طرز تلقی اتحاد جامعه را انواع کتاب‌های آموزشی، و به قول شما کمک‌آموزشی، تغییر بدهیم و دیدگاه مطلوب و صحیحی را در آنها ایجاد کنیم. طرز تلقی غلط فعلی این است که اغلب فکر می‌کنند کتاب آموزشی خوب آن است که صرفاً به دانش‌آموز کمک کند تا نمره خوبی بگیرد. قبول این تعریف ما را در تشخیص راه درست به اشتباه می‌اندازد. عدم پذیرش این تعریف از سوی ما در انتخاب بعضی از کتاب‌های آموزشی (جشنواره اسما) سبب شد تا حتی برای بعضی از ناشران هم توهم ایجاد شود که آیا این آثار کتاب آموزشی محسوب می‌شوند؟ به طور مثال کتاب ۳ جلدی «کارگاه انشا» کتابی برای معلم است. در حالی که کسی آن را کمک آموزشی تلقی نمی‌کند.

■ چه کسی باید این طرز تلقی را عوض کند؟
□ عرض کنم کتاب دیگری به نام «مهارت‌های زبانی» هست که برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی نوشته شده است، ولی از آن کتاب‌هایی نیست که به دانش‌آموزان کمک کند تا در درس فارسی نمره بهتری بیاورد. همچنین کتاب «نوشتن و سخن گفتن» از این نوع کتاب‌هاست که با تعریف رایج از کتاب‌های آموزشی وفق نمی‌دهد. بنابراین باید سعی کنیم در درجه اول طرز تلقی اقشار مختلف اعم از ناشران، نویسندگان، معلمان و دانش‌آموزان را تغییر دهیم و این کار نیاز به زمان دارد.

■ بالاخره نگفتید چه کسی باید این کار را

انجام بدهد؟

آموزش و پرورش. اول باید نگاه کارشناسان آموزش و پرورش نسبت به این طرز تلقی عوض شود. در آن صورت است که می‌توان جایگاه کتاب‌های آموزشی را در برنامه درسی هم لحاظ کرد.

یکی از اهداف جشنواره رشد می‌تواند همین موضوع باشد. آیا طی دو سالی که این جشنواره برگزار شد، بازتابی از تغییر این طرز تلقی در اذهان معلم، دانش‌آموز، ناشر، مؤلف و کارشناس به شما رسیده است؟

اگر بگوییم آری یا نه، جواب ما علمی نیست. زیرا در این مدت کوتاه نمی‌توان به پاسخ رسید. بحث سامان‌بخشی به کتاب‌های آموزشی، بحثی است که در یک بستر زمانی جواب می‌دهد. اما آنچه که مسلم است این است که اگر در این زمینه موفق شویم، بدون دخالت در مکانیسم‌های بازار کتاب، جواب خواهیم گرفت. هدف ما از این کار مشابه هدفی است که مؤسسه استانداردهای صنعتی با یک کار مداوم انجام می‌دهد. باید آن قدر این معیارها را به واسطه برگزاری جشنواره، تبلیغ و از کتاب‌های مفید حمایت کنیم تا به هدف برسیم. البته راه بسیار مشکلی در پیش داریم. الان بسیاری از ناشران که کتاب‌های خوب هم تولید نمی‌کنند بازار را در دست دارند و این به خاطر تسلط نظام ارزش‌یابی بر فرآیند بادهی-یادگیری است. این‌ها باید اصلاح شود. باید طرز تلقی جامعه از مدرسه و نقش آن در تربیت عوض شود و همه این‌ها به کار مستمر و مداوم نیاز دارد.

جشنواره برای رسیدن به این هدف خود یک ابزار محسوب می‌شود. به نظر شما با چه ابزارهای دیگری می‌توان طرز تلقی مردم نسبت به کتاب‌های کمک آموزشی را تغییر داد؟

برای طرح سامان‌بخشی علاوه بر جشنواره ابزارهای دیگری مثل کتابخانه‌های رشد را هم داریم. در جشنواره تعداد محدودی را فقط به عنوان نمونه با الگو مطرح می‌کنیم با این هدف

که به کار جهت داده و می‌باشند. کسی که برای جشنواره فیلم می‌سازد هدف‌های آن را مدنظر دارد. جشنواره ما هم سمت و سوی مشخص می‌کند. از سوی دیگر جامعه را حساس می‌کند که سراغ هر کتابی نرود. باید استانداردهای خودمان را برای ناشران اعلام کنیم که این کار را کردیم ولی با یک بار کافی نیست. تصمیم داریم در سطح استانداردها زاهر سال بالاتر ببریم و آن را به ناشران هم اعلام کنیم.

چه ضمانت اجرایی وجود دارد که تلاش‌های شما در عمل به ثمر بنشیند؟

آموزش و پرورش یک تجربه از برخورد با کتاب‌های کمک آموزشی دارد که همان تجربه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی است که به آن اشاره کردم. سیاست فعلی بر تشویق و حمایت و هدایت است نه بر ممانعت، و این کاری طولانی و درازمدت را می‌طلبد. ضمن آن که باید سیاست‌های داخل وزارت را در این مورد یکدست کنیم. به همین خاطر در تنظیم کتاب‌ها رشد از کارشناسان سایر واحدها مثل معاونت آموزشی هم استفاده می‌کنیم. به هر حال قصد این است که کتاب‌ها را به طور مؤثر معرفی کنیم تا در تحهیر کتابخانه‌های مدارس مفید واقع شود. در واقع با اتخاذ یک رشته سیاست‌های تشویقی، دیدگاه‌های درستی در مصرف‌کننده نه وجود می‌آوریم. الان در ابتدای راه هستیم.

چه ضرورتی دارد که متولی اصلی جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی، آموزش و پرورش باشد. اگر مرجع دیگری متولی این کار بشود چه تفاوتی خواهد کرد؟ مثلاً یک مرجع خصوصی مثل اتحادیه‌ای از ناشرانی که سوابق زیادی در انتشار این کتاب‌ها دارند.

اولاً در طرح سامان‌بخشی نماینده ناشران را هم داریم. دیگر این که خوب است این

حرکت به استان‌ها هم منتقل شود تا بیشتر تأثیر بگذارد. الان در کشورهای مختلف انجمن‌های غیر دولتی هم هستند که دست به انتخاب کتاب می‌زنند. اگر چه ممکن است جایزه ندهند، ولی می‌توانند تأثیرگذار باشند. من فکر می‌کنم نمونه این انجمن‌ها می‌تواند نقش خودشان را داشته باشند. چه بسا در آینده نه چندان دور این کار به شکل‌های غیر دولتی موزون شود. همین الان هم شما نگاه کنید که سیستم‌های دولتی دست به انتخاب کتاب سال می‌زنند. ولی چون نگاه ما از زاویه برنامه درسی است، کار ما با آنها متفاوت است. در این جا هم مثلاً انجمن‌های علمی معلمان می‌توانند وارد این کار شوند.

فرض کنیم بعضی از مؤسسات خصوصی در زمینه فیلم به جامعه جهت می‌دهند که در زمینه کتاب هم همین طور است. به نظر شما جشنواره کتاب‌های رشد با این که جوان است چگونه می‌تواند در این مسیر حرکت کند و چه کارهایی باید انجام بدهد؟ فکر نمی‌کنید چون این جشنواره دولتی است نتوانسته هنوز خط اصلی را به ناشران بدهد؟

آموزش و پرورش زمینه‌هایی را ایجاد کند تا معلمان دست به شکل‌های علمی بزنند. این شکل‌ها می‌تواند خیلی گره را انجام بدهد. ما امسال در بین اعضای داورزی در هر گروه، یک نماینده فعال از گروه‌های آموزشی دفتر آموزش عمومی داشتیم. کما این که حالا هم انجمن‌هایی وجود دارند که در حوزه کتاب نقش دارند و می‌توانند تا حدودی بازار کتاب را تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً اگر انجمن تصویرگران وجود داشته باشد، می‌تواند در این زمینه کار کند و تصویرگران را در حوزه گرافیک و تصویرگری کتاب‌های آموزشی فعال نماید. لازمه این کار آن است که جایگاه انجمن‌ها تعریف شود و آن‌ها نقش خودشان را ایفا کنند.

در چند سال اخیر از سوی معاونت آموزشی کتاب‌های استاندارد ریاضی با تیراژ بسیار زیادی

منتشر شده است. به نظر شما این اعتبار آموزش و پرورش است یا دلیل دیگری دارد؟

□ اولاً این نشان می‌دهد که اگر آموزش و پرورش کتابی را انتخاب کند، انتخاب او می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما این که چرا تیراژها بالاست؟ به دو دلیل است. یکی این که هماهنگ با نظام امتحانی و ارزشیابی خود آموزش و پرورش است. ثانیاً این که در بخشنامه‌هایی به مدارس، استفاده از آن‌ها را توصیه کرده‌اند. اصولاً این مسئله یکی از مشکلات است که بعضی از بخش‌های آموزش و پرورش دست به اعمال نفوذ در مدارس زده‌اند و بدین ترتیب کتاب‌هایی را وارد مدارس کرده‌اند، که یکی از نتایج این روش آن است که مانع می‌شود کتاب‌های بهتر به طور آزاد به مدارس راه پیدا کند.

■ بخش خصوصی تا چه اندازه با جشنواره همراهی و هم‌دلی کرده است.

□ البته ما انتظار نداریم که در همین مدت کوتاه، یعنی دو سال، ناشران با ما هم‌دلی و همراهی کنند. اما در جشنواره دوم (امسال) حضور ناشران بهتر از جشنواره اول بود.

■ اصولاً جشنواره برای این که بتواند نظر بخش خصوصی را برای همکاری جلب کند چه قدم‌هایی برداشته یا برخواهد داشت؟

□ بهتر است بگوییم ما در طرح سامان‌بخشی، که جشنواره جزئی از آن است، در حال تدوین مجدد معیارهایمان در حوزه‌های درسی هستیم و داریم سندهایی تولید می‌کنیم که در آن‌ها نیازهای آموزش و پرورش را اعلام کنیم.

■ اطلاع‌رسانی جشنواره عمدتاً تهران و مرکز استان‌ها را پوشش می‌دهد. در حالی که این موضوع خاص این مراکز نیست. باید همه مناطق کشور را در بر بگیرد. شما برای این که همه معلمان را با آن آشنا کنید چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

□ ببینید، مخاطبان اولیه جشنواره پدید آورندگان هستند. ما البته می‌توانیم بگوییم که

اطلاع‌رسانی جشنواره نسبتاً ضعیف بود که در جشنواره دوم بهتر عمل کردیم. ما باید مسئله را برای مسئولان امر در آموزش و پرورش حساس کنیم. شاید برای یک رئیس آموزش و پرورش پرداختن به بودجه و ساختمان و نظایر آن خیلی مهم‌تر باشد تا توجه به کتاب. باید روی این مسائل کار کرد و مسئولان را به موضوع توجه داد. انتشار همین گفت‌وگو، خود قدمی در راه آگاه کردن معلمان است.

■ در جشنواره کتاب‌های راهنمایی که امسال برگزار شد پیرامون کدام موضوعات درسی بیشتر کتاب ارسال شده بود؟

□ بیش‌ترین کتاب‌های رسیده به دفتر جشنواره پیرامون موضوع تعلیمات دینی بود که اغلب هم تألیفی بود. متأسفانه اکثر این کتاب‌ها آثار قابل قبولی نبودند. با این حال در همین بخش در زمینه جنبی جشنواره، یعنی گرافیک، از چهار کتابی که انتخاب شد، سه‌تای آن‌ها کتاب‌های دینی بود. این نشان می‌دهد که ناشران به مقوله تصویرسازی و کار هنری در زمینه کارهای دینی توجه کرده‌اند. اما در سایر کتاب‌ها، به مقوله گرافیک کم‌تر توجه شده است.

در حوزه علوم تجربی اغلب کتاب‌ها ترجمه و کتب تألیفی بسیار کم داریم مگر کتاب تمرین؟ به هر حال در همه حوزه‌ها، آنچه مغفول مانده است، کتاب‌های آموزشی برای معلمان است، در حالی که معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری عنصر اصلی هستند.

■ به نظر شما اگر این کتاب‌ها منتشر شوند مورد استقبال معلم‌ها قرار می‌گیرند؟

□ بستگی به نیاز معلم دارد. چون برنامه درسی چندان تغییر بنیادی نمی‌کند، معلم هم با تجربه‌ای که اندوخته طوری تدریس می‌کند که احساس نیاز به کتاب‌های آموزشی نداشته باشد. البته معلمان بسیاری هستند که دنبال کتاب‌های جدید می‌روند. عوامل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در این زمینه نیز موثر باشد.

● ما باید طرز تلقی جامعه را از کتاب‌های کمک آموزشی تغییر بدهیم و دیدگاه صحیح و مطلوبی در آنها ایجاد کنیم. طرز تلقی غلط فعلی این است که اغلب فکر می‌کنند کتاب کمک آموزشی خوب آن است که صرفاً به دانش آموز کمک کند تا نمره خوبی بگیرد

● کتاب‌های کمک آموزشی که برای معلمان منتشر می‌شود، ضعیف است و علت آن هم به سیستم ارزش‌یابی نمره محور در آموزش و پرورش برمی‌گردد





از میان کتاب های برگزیده جشنواره



نام کتاب: دستخات های کامیوتر برای نوجوانان
نویسنده: رفین، برایان، واتس، اسمیت، واتس، لیزا
مترجم: جهان بین، امیرمسعود
ناشر: انتشارات مدرسه
سال نشر: ۱۳۷۹
تعداد صفحه: ۳۲: مصور

امروزه کامپیوتر از ابزارهای مهم زندگی محسوب می شود و هر فرد علاقه مندی به آموزش، مجبور به استفاده از آن می باشد. کتاب حاضر بینشی کلی درباره کامپیوتر به خواننده می دهد. مطالب آن به زبانی ساده و علمی بیان شده است و با تصاویر متنوع آموزشی آن مطالب را ملموس تر کرده است. تعریف دستگاه قدیمی و جدید، اجزای یک کامپیوتر، انواع و طرز کار، حافظه، فرمان دادن به نرم افزارها، نقش در صنعت و تجارت و مدل ها از مطالب عمده این کتاب است و دانش آموزان علاقه مند با مطالعه این کتاب می توانند، اطلاعاتی کلی پیرامون کامپیوتر به دست آورند.



نام کتاب: چوب ها و ریشه ها
نویسنده: فرزای جلالی، عبدالرضا
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
سال نشر: ۱۳۷۳
تعداد صفحه: ۳۸: مصور

چوب ها و ریشه های درختان می تواند مواد خوبی برای تربیت باشد. کتاب حاضر، به آموزش هنر و تربیت به وسیله چوب ها و ریشه ها پرداخته است. هر صفحه کتاب شامل نمونه هایی از دست ساخته هایی از چوب ها و ریشه است تا دانش آموزان ضمن مشاهده آن ها به ساختن وسایل هنری تازه ای مشابه اقدام کنند و ضمن به کارگیری قطعات چوب و ریشه، وسایلی را برای تربیت منزل یا اتاق کار خود بسازند. نمونه های زیبایی از دست سازها و هنر های دستی در صفحه های مختلف این کتاب، طراحی و گردآوری شده است.



نام کتاب: فراگیری مهارت های زبانی (ویژه دوره راهنمایی)
نویسنده: زرغامیان، مهدی
ناشر: نی
سال نشر: ۱۳۷۵

با توجه به گستردگی روش های آموزش ریاضیات و علوم و فنون در عصر حاضر، لازم است شیوه آموزش زبان فارسی نیز متناسب با این روش ها تغییر یابد. به ویژه آن که در سایه دست آوردهای علوم انسانی، روشن شده است که تسلط بیش تر بر زبان مادری، علاوه بر افزایش پیشرفت تحصیلی، در سازمان دادن ذهن انسان و نیز جامعه پذیری و کسب موقعیت های برتر اجتماعی نقش بسزایی دارد. کتاب «فراگیری مهارت های زبانی» کوششی است در جهت به ثمر رساندن شیوه های نوین در آموزش جبهه های گوناگون زبان فارسی که در چهار جلد تألیف شده است. کتاب حاضر جلد دوم این مجموعه است که در ۹ فصل سازمان یافته است. هر فصل شامل این موارد است: متن (رامانی) است که از فرانسه به فارسی ترجمه شده، کلمات مشکل و سخت، جملات متنوع، پاراگراف ها و نکات دستوری. عناوین فصل ها عبارت اند از: لشکر کشی، راز بلای سوران، نخستین مبارزه، حیات، جنگ تکلیکی، حیات با هم حیات، فراز، بیرونی هوایی و آزادی.



نام کتاب: کارگاه آفتاب
برای دانش آموزان اول راهنمایی: جلد ۳
نویسنده: کمالی، رودابه
ناشر: قدیانی (کتاب های بنفشه)
سال نشر: ۱۳۷۹
تعداد صفحه: ۸۸

یکی از بهترین راه های ایجاد ارتباط بین امروزی و فردای جهان نوشتن است؛ و هر گویی برای این که انسان موفق فردا باشد، باید خوب نوشتن و درست نوشتن را بیاموزد. نوشتن فلسفه بسیاری از بچه های جامعه ما از نوشتن می ترسند زیرا توانایی نوشتن را ندارند.

«ترتیب انجام عملیات» را که در کتاب‌های درسی فعلی وجود ندارد، آموزش می‌دهد. دانش‌آموزان به تنهایی یا با استفاده از معلمان خویش می‌توانند تمرین‌ها را حل کنند. تعریف توان، محاسبه عبارت‌های توان‌دار، ساده کردن عبارت‌های توان‌دار، تمرین‌های دوره‌ای و پاسخ‌تمرین‌ها، مهم‌ترین موضوع‌ها و فصل‌های کتاب است.

نام کتاب: ریاضیات زیبا و دوست‌داشتنی برای نوجوانان

نویسنده: رولو، مارتین

مترجم: فاتحی، کاظم

ناشر: لوح دانش

سال نشر: ۱۳۷۹

تعداد صفحه: ۱۲۸: مصور



دانش ریاضی زیبا و دوست‌داشتنی است. اما برخی از دانش‌آموزان از آن بیزارند. علت این بیزاری را باید در نارسا بودن آموزش ریاضیات مدرسه‌ای جست‌وجو کرد. چراکه در مدارس ذهن دانش‌آموزان را با مطالب فشرده و فرمول‌های خشک و مسایل دور از واقعیت انباشته می‌کند. اکنون ریاضی‌دان‌ها تلاش می‌کنند روش‌های جدیدی برای آموزش مسایل ریاضی، در قالب معماهای تفریحی و بازی‌های فکری و ذهنی، عرضه کنند تا توجه دانش‌آموزان را به این علم برانگیخته و خلاقیت و ابتکار آنها را پرورش دهند.

کتاب ریاضیات زیبا و دوست‌داشتنی (برای نوجوانان) برای تحقق این اهداف نوشته شده است. در این کتاب با تغییر در نحوه آموزش ریاضی، مسایل کاربردی ریاضی به صورت بازی‌های فکری و سرگرمی مانند «دومینو» و معماهایی با چوب کبریت ارائه شده‌اند تا دانش‌آموز به درک بهتر و در نتیجه حل مسایل ریاضی آشنا شود. پاسخ مسایل نیز در آخر کتاب چاپ شده است.

نام کتاب: آموزش مفاهیم دینی همگام با

روان‌شناسی رشد

نویسنده: باهنر، ناصر

ناشر: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل

سال نشر: ۱۳۷۸

تعداد صفحه: ۲۷۵



امروزه در دنیای علم، تحقیقات وسیعی صورت می‌گیرد تا آموزش‌های دینی را با توجه به یافته‌های روان‌شناسی شکل دهد. یافته‌های روان‌شناسی نیز به طور مستمر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مجموع کتاب حاضر مراحل نگارش انشا، به صورت گام‌به‌گام، آموزش داده شده است. دانش‌آموزان دوره راهنمایی در این کتاب‌ها با شیوه‌های صحیح نوشتن یا انشائوبوسی آشنا می‌شوند. نمونه‌هایی از انشاهای دانش‌آموزان نیز در هر کتاب انتخاب شده تا خوانندگان با استفاده از آن‌ها نقاط ضعف و قوت خویش را شناسایی و به رفع آن‌ها اقدام نمایند. در جلد اول این مجموعه «توصیف» اساس و زیربنای نوشتن در نظر گرفته شده و کوششی شده است نحوه خوب دیدن، خوب شنیدن، ترکیب حواس و تمرین نوشتن آموزش داده شود.

نام کتاب: هشت قصه‌گزیده از شاهنامه فردوسی

نویسنده: فاتحی، حسین

سال نشر: ۱۳۷۸

تعداد صفحه: ۳۱۲



کتاب حاضر بازنویسی بخشی از شاهنامه فردوسی به نثر (همراه با پاره‌ای اشعار) است. بی‌تردید فردوسی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌سرایان در زبان فارسی است که در اثر عظیم

خود، شاهنامه، داستان‌های اسطوره‌ای و تاریخی بسیاری را به نظم درآورده است. در کتاب حاضر، حسین فاتحی هشت قصه از شاهنامه شاهنامه را بازنویسی و با این عنوان در کتاب آورده است: جنگ بزرگ ایرانیان و تورانیان، کیکاووس، هفت‌خوان رستم، سوگ سیاوش، افسانه اگوان دیو، داستان بیژن و منیژه، پایان کار کیخسرو، و پایان کار رستم. ویژگی «هشت قصه» که آن را شایسته انتخاب در جشنواره نموده است، نثر استوار و فخیم آن در عین سادگی و شیوایی بیان است.

نام کتاب: از توان بیشتر بدانیم

نویسنده: داودی، خسرو

ناشر: انتشارات مدرسه

سال نشر: ۱۳۷۷

تعداد صفحه: ۱۰۴: مصور



کتاب حاضر دومین جلد از مجموعه «کتاب‌های کوچک ریاضی دوره راهنمایی» است که با عنوان «از توان بیشتر بدانیم» به چاپ رسیده است. این کتاب تنها به موضوع درسی «توان» اختصاص دارد. مطالعه و حل تمرین‌های این کتاب به خوانندگان کمک می‌کند تا درس‌های ریاضیات عمومی را در دوره نظری و نظام جدید آموزشی بهتر یاد بگیرند و مسائل آن را با مهارت بیشتری حل کنند. این کتاب همچنین دروس «تماد علمی» و

بخچال‌های طبیعی، فصل‌ها، اقیانوس‌ها، دریاهای، هوا و گیاهان از مهم‌ترین عناوین کتاب است. از ویژگی‌های این کتاب مصور بودن (رنگی) آن است که به ساختار و درک بهتر مطالب کمک می‌کند.



نام کتاب: بیماری چگونه به وجود می‌آید؟

نویسنده: صادقی، رویا و... دیگران

ناشر: انتشارات مدرسه

سال نشر: ۱۳۷۸

تعداد صفحه: ۱۰۳: مصور

بسیار همیشه در این فکر بوده است که چگونه جلوی بیماری‌ها را بگیرد؟ زیرا می‌دانسته است که انسان‌هایی سالم، جامعه سالم و با وجود می‌آورند. کتاب «بیماری چگونه به وجود می‌آید؟» ابتدا به تاریخچه بیماری‌ها و شیوه‌های درمان آنها در گذشته پرداخته و سپس با اشاره به عوامل بیماری‌زایی زندگی، مثل میکروب‌ها و عوامل غیرزنده، مثل سرمازدگی و شوخی، حریمات مربوط به هر یک را تشریح کرده و چگونه مقابله بدن با آن‌ها را نیز توضیح داده است. برخی از مرفصل‌های این کتاب عبارت‌اند از: ارتباط محیط‌زیست با سلامتی انسان، قارچ‌ها، انگل‌ها، تأثیر آداب و رسوم در سلامت انسان‌ها، منگولسم، تالاسمی و...

نام کتاب: دیدار با فردا

نویسنده: گروگان، حمید

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

سال نشر: ۱۳۲۲

تعداد صفحه: ۲۳: مصور



«حاله ما صحرانشینان یا خانه‌های شما خیلی فرق دارد. ما فقط یک اتاق داریم» اتفاقی که آن را خودمان از موی بر یافته ایم. در خانه ما خبری از اتاق پذیرایی و ناهارخواری نیست! حتی اگر میهمان هم داشته باشیم، همان جایی می‌نشینند که ما می‌نشینیم و همان چیزی را می‌خورند که ما می‌خوریم. ما نه حمام داریم، نه سطل و نه توالتیون. اما خوشحالیم، چون حالا شاه و خان و فتودان نداریم. می‌دانیم که دوران ریخ ما رویه پایان است و آینده‌ای روشن در انتظار ماست. ما به وعده قرآن یقین داریم که می‌گوید آینده مال مستضعفین است. نوشته فوق‌العاده‌ای از کتاب «دیدار با فردا» است که نویسنده طی آن به بیان مشکلات و دردی ریخ‌های فقیر کشور ایران و سایر کشورهای، همچنین به ظلم و ستم‌هایی که در دوره شاه حکومت مستبدان بر آن رفته پرداخته است. افریقا، لبنان، فلسطین، هندوستان نقاطی است که سال‌هاست زیر سلطه حاران به سر می‌آید.

در آن‌ها اصلاحاتی صورت می‌پذیرد. تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده در مدارس نشان گر آن است که مسئله آموزش دینی از وضعیت مطلوب برخوردار نبوده، گاه حتی تأثیرات معکوس به جا می‌گذارد. کتاب موردنظر تلاش دارد تا به دو سوال مهم پاسخ دهد: ۱- درک دینی کودکان، در ضمن رشد و تکامل او، از چه مراحل عبور می‌کند و ویژگی هر مرحله چیست؟ ۲- توجه به ویژگی‌های این دوره و درک کودک از مفاهیم دین، آموزش مفاهیم دینی چگونه باید صورت گیرد؟ اثر حاضر تلاش دارد تا با تکیه بر روان‌شناسی رشد، به بررسی مراحل رشد و تکامل درک دینی کودک بپردازد و با مطالعه چگونگی درک کودکان و بوجوانان از مفاهیم دینی، شیوه‌های مناسب آموزش معارف اسلامی را در این دوره‌های می‌پیشنهاد نماید.



نام کتاب: باغ همیشه بهار

نویسنده: طاهراز، سیروس

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

سال نشر: ۱۳۲۷

تعداد صفحه: ۳۰: مصور

کهن‌ترین نمونه فرش جهان و ایران، به نام «فرش پازیریک»، پس از گذشت بیش از دو هزار سال، امروزه در دست است. این فرش که به عنوان پوشش اسب به کار می‌رفته است در سال ۱۳۲۰ شمسی در حفاری‌های کوهستان آلتای، در دهکده پازیریک واقع در سیری جنوبی به دست آمده است. فرش پازیریک که تنها نمونه بازمانده این هنر از زمان هخامنشیان است در واقع ساسانه فرش ایران است. در این کتاب همسایه توضیحات مختصر در مورد نوع، شکل، سبک و رنگ فرش ایرانی، با استفاده از تصاویر، انواع فرش‌های ایران برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راهنمای معرفی می‌شود.

نام کتاب: سیاره زمین

نویسنده: جنینگر، تری

مترجم: خواجه، غلامرضا

ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

محل نشر: تهران

سال نشر: ۱۳۷۷

تعداد صفحه: ۴۸: مصور



کتاب سیاره زمین درباره سرگذشت زمین و تغییرات و دیگر گویی‌های ایجاد شده در آن از زمان پیدایش آن تا به امروز است. ساختار درونی زمین، قاره‌های آن، جزیره‌ها، آتش‌فشان‌ها، زلزله‌ها، جو زمین، وضع هوا، شرایط آب و هوایی، آلودگی، رودخانه‌ها،

نام کتاب: امیرکبیر

نویسنده: حسن زاده، فرهاد

عنوان مجموعه: چهره های درخشان

ناشر: دفتر انتشارات کمک آموزشی

سال نشر: ۱۳۷۷

تعداد صفحه: ۸۰



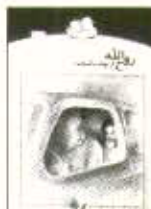
محمدتقی در سال ۱۲۲۲ هـ. ق به دنیا آمد. بعدها، مفتخر به لقب میرزا محمدتقی خان امیرکبیر شد. پدرش کریم‌الملک قربان، آشپز دربار محمدشاه قاجار در زمان وزارت قائم مقام فراهانی بود. محمدتقی مدت‌ها پشت در مکتب‌خانه می‌ایستاد و درس‌های استاد را به ذهن می‌سپرد. همین امر، هوش و استعداد فراوان وی را در نزد قائم مقام مشخص کرد و قائم مقام اجازه شرکت محمدتقی در کلاس را به وی داد. چند سال خدمت در دستگاه قائم مقام، از محمدتقی دولت‌مردی کارگشته ساخت. در سن ۲۷ سالگی به دستگاه نظام (ارتش) آذربایجان راه یافت و از منشی‌های مخصوص محمدخان زنگنه برای نوشتن نامه‌های محرمانه و حکم‌های نظامی او شد. بعد از کشته شدن قائم مقام فراهانی، او به وزارت آذربایجان رسید. در سال ۱۲۶۴ هـ. ق با به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه، به سمت وزیر اعظم منصوب شد. در سال ۱۲۶۵ با خواهر شاه ازدواج کرد. او در دوران وزارت خود، اصلاحات بسیاری انجام داد؛ از جمله: انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، اعزام دانشجویان به خارج از کشور برای تحصیلات عالی، تأسیس مدرسه دارالفنون و حذف القاب و عناوین درباریان. البته بسیاری از مغرضان درباری بر او خرده گرفتند و کمر به قتلش بستند. به این ترتیب، امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ هـ. ق از وزارت برکنار و به کاشان تبعید شد. سرانجام مدتی بعد به دستور ناصرالدین شاه، وی را در حمام قین کاشان به شهادت رساندند.

نام کتاب: روح‌الله، از تولد تا تبعید (از مجموعه تاریخ انقلاب)

ناشر: نشر تاریخ و فرهنگ

تعداد صفحه: ۴۶: مصور

سال نشر: ۱۳۷۸



مجموعه «تاریخ انقلاب» ویژه کودکان و نوجوانان با هدف بیان فرازها، قرودها و وقایع اساسی تأثیرگذار در انقلاب اسلامی تدوین شده است. کتاب «روح‌الله از تولد تا تبعید» از این مجموعه است که به تشریح زندگی و مبارزات سیاسی رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) از کودکی تا زمان تبعید ایشان به عراق می‌پردازد. در دو جلد بعدی این مجموعه نیز شکل‌گیری انقلاب در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و فراز و نشیب‌های آن تا زمان پیروزی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بیان شده است. دوران کودکی، تشکیل خانواده، کسب درجه اجتهاد، مبارزات سیاسی، حمله

به مدرسه فیضیه، واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، لایحه کاپیتولاسیون، تبعید به ترکیه و تبعید به نجف، از مباحث کلی کتاب حاضر است که به شکل قابل درکی برای نوجوانان تدوین شده است.

نام کتاب: یکصد (۱۰۰) فعالیت علمی علوم زیستی

نویسنده: واریزنگا، داریل

مترجم: توکلی، علیرضا

ناشر: محراب قلم

سال نشر: ۱۳۷۷

تعداد صفحه: ۱۲۸: مصور



زیست‌شناسان موجودات زنده را به پنج رده که هر یک دارای مشخصاتی است تقسیم کرده‌اند. کتاب «یکصد فعالیت علمی علوم زیستی» با طرح یک سری فعالیت‌های علمی و عملی، می‌کوشد خواننده را با این رده‌بندی آشنا کند؛ به این ترتیب که در هر صفحه تصاویری آورده شده و در مورد آنها سؤالاتی مطرح گردیده است. در پایین هر صفحه نیز یک جعبه لغت، شامل چندین لغت، مربوط به این تصاویر، وجود دارد که خواننده باید هر کدام از لغات را با قسمت خاصی از تصویر انطباق دهد و سپس تصویر را رنگ‌آمیزی کند. قسمت پایانی کتاب نیز به پاسخنامه این فعالیت‌ها اختصاص یافته است. از محتوای این کتاب می‌توان به عنوان فعالیت‌های کمک‌آموزشی، برای فراگیری بهتر مفاهیم کتاب‌های درسی علوم و زیست‌شناسی استفاده کرد.

نام: علم و عمل (یک مجموعه مصور)

نویسنده: کمپ بل، لس و... [دیگران]

مترجم: یغما، عادل/ دانشفر، حسین و... [دیگران]

سال نشر: ۱۳۷۹

تعداد صفحه: ۴۳: مصور



مجموعه «علم و عمل» شامل ده جلد با

عناوین زیر است: مانند دانشمندان کار کنید، مواد شیمیایی، ارتباطات، زمان، انرژی، هوا، محیط، رشد، سازه‌ها و نیروها، و مایعات. این مجموعه حاوی اطلاعات مفیدی درباره مطالب زیر است: آب و هوا، محیط‌زیست، مواد تأثیرگذار بر محیط‌زیست، انرژی‌های موجود در اطراف ما، رشد و نمو گیاهان، گل‌ها، دانه‌ها و... زمان، اندازه‌گیری زمان، تعیین سن، تغییرات در جهان و محیط اطراف در گذر زمان، اختراع، ساعت، اقسام ساعت، مایعات و انواع آن، دما و فلزات مایع و... هوا و فرود آمدن، حباب‌های هوا، اشیای برنده، گازهای موجود در هوا، ارتباطات، پیام‌ها، تلفن، سرعت صوت، ساختن رادیو و...



برگزیده ها ... در یک نگاه

رتبه‌های اول

نام اثر	حوزه درس	ناشر	تقدیر از:
زمین و فضا مهارت های جغرافیایی	آموزش جغرافیا	سازمان جغرافیایی نیروه های مسلح مدرسه	خبر و حواحه محمود معالی و [شاید روان] حسن و خدائی نیار
نقشه و نقشه کشی	آموزش جغرافیا	مدرسه	شهلا فهماسی
مجموعه ۱۵ جلدی تاریخ انقلاب	آموزش تاریخ	نشر تاریخ و فرهنگ	تاریخ و فرهنگ (ناشر)
ارزش ها و نگرش مثبت با مثبت نگری	آموزش علوم اجتماعی	مدرسه	مرتضی بهمن آزاد
فراگیری مهارت های زبانی (تاری با زبان) جلد ۲	آموزش زبان و ادبیات فارسی	بی	مهدی صبر نعمانی
کارگاه ایشا (۳ جلدی)	آموزش زبان و ادبیات فارسی	قدیانی	روهانه کمانی
راهنمای آموزش زبان انگلیسی سال دوم و سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	علوی	دکتر زامین اکبری
تعمیر زبان انگلیسی دوم و سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	امینادی	فیروزه نیکپور و همکاران
نویس انگلیسی زبان سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	مدرسه	دکتر پرویز بیرجندی و محمد رضا عجایی سراب
بیماری چگونه به وجود می آید؟	آموزش حرفه و فن	مدرسه	دکتر مجید رضایی راد، زویا صادقی و گیتی خوشه مهری
مروزی بر زخم فنی	آموزش حرفه و فن	مدرسه	حمیدرضا غلامرضایی و مهدی نوش زیاحی اصل
چوب ها و ریشه ها	آموزش هنر	کتاب نیل پرورش فکری کودکان و نوجوانان	عبدالرضا جلالی
حفظ متعلی	آموزش هنر	مدرسه	محمد مهدی هرانی
سال نهنو برای	آموزش هنر	مدرسه	محمدعلی کشاورز

طراحی جلد

نام اثر	حوزه درس	ناشر	تقدیر از:
شبی در کنار چوپان	تعلیم و تربیت دینی	قدیانی	فرشید شفیع
قصه های شیرین قابو ستاره	آموزش زبان و ادبیات فارسی	پیدایش	کریم نصر - رامین مشرفی
مجموعه ۵ جلدی آشنایی با قرآن کریم برای نوجوانان	تعلیم و تربیت دینی	تاریخ و فرهنگ	کیانوش غریب پور
گلدوزی	آموزش هنر	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	سیمیندخت مقدم

رتبه های دوم

نام اثر	حوزه درس	ناشر	تقدیر از:
مجموعه ۱۲ جلدی تغذیه و تندرستی و انرژی های جایگزین	آموزش علوم تجربی	پیدایش	محمود سالک
آموزش و ارزشیابی مهارت های یادگیری	آموزش علوم تجربی	مدرسه	طاهره رستگار و حسین دانشفر
مجموعه ده جلدی علم و عمل	آموزش علوم تجربی	مدرسه	شاهده سعیدی و همکاران
امیر کبیر [میرزائی خان]	آموزش تاریخ	دفتر انتشارات کمک آموزشی	فرهاد حسن زاده
چگونه در اردو زندگی کنیم	آموزش علوم اجتماعی	قدیانی	قاسم کریمی
دانستنی های کامپیوتر	آموزش حرفه و فن	مدرسه	امیر مسعود جهان بین
سیاره زمین	آموزش جغرافیا	مؤسسه کارنوگرافی سحاب	غلامرضا خواجه پور
باغ هدیشه بهار	آموزش هنر	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	[مرحوم] سیروس طاهباز
اولین کتاب نقاشی من	آموزش هنر	مدرسه	رزی میناسیان و ویکتور بوغوسیان
بافته های کاغذی	آموزش هنر	مدرسه	محمد مهدی هراتی
خودآزمون هدفدار زبان انگلیسی دوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	شورا	مریم رزازیان و جعفر صادق رنجی
یازدهم آموز زبان انگلیسی سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	رزمندگان اسلام	محمد اصلی پور، سیدعباس حسینی و پرویز صلاحی
نوشتن و سخن گفتن	آموزش زبان و ادبیات فارسی	مدرسه	سیما وزیریا
ابن سینا	آموزش زبان و ادبیات فارسی	دفتر انتشارات کمک آموزشی	بیژن آرقند

رتبه‌های سوم

نام اثر	حوزه درسی	ناشر	تقدیر از:
آموزش مفاهیم دینی هنگام با روانشناسی رشد	تعلیم و تربیت دینی	سازمان تبلیغات بین المللی	ناصر باهنر
مجموعه ۳ جلدی بدن انسان (علوم زمین، علوم زیست و کتاب پرورده‌های علمی)	آموزش علوم تجربی	محراب فتم	علیرضا توکلی صابری
مجموعه ۳ جلدی بلایای انسانی	آموزش علوم تجربی	پندایش	[مجموعه آرزویان درقوئی
ناد در گیسوان آتش	آموزش تاریخ	مدرسه	علی اکبر و آقای
دیدار با فردا	آموزش علوم اجتماعی	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	حمید گروگان
جنگل‌های مناطق معتدل	آموزش جغرافیا	پیام آزادی	حسین ایرانی
گلیوبامی	آموزش هنر	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	نوشین باطمان و ترانه صاحب
نقاشی با گواش	آموزش هنر	مدرسه	علی میرزاییگی
سیری در گلستان جوشنویسی	آموزش هنر	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	مهرداد الماسی
هزار و یک پرستش، هنرها	آموزش هنر	افق	شهرام رحمت زاده
آموزش زبان عربی از راه بازی و سرگرمی	آموزش زبان عربی	مدرسه	قاسم کریمی
تصحیح آزمون نمریات زبان انگلیسی سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	چهاران	حیدر جزایی و جعفر صادق رنجی
حودازمون هدفدار زبان انگلیسی سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	شورا	مریم رزازیان
تکلیف زبان انگلیسی	آموزش زبان انگلیسی	مدرسه	عبدالرضا وحدتی
از توان بیش تر بدانیم	آموزش ریاضی	بنازک	خسرو داوودی
ریاضیات زیبا و دوست داشتنی (۲ جلدی)	آموزش ریاضی	حافظ نویسنده و لوح دانش	کاظم هاشمی
مردی که می شمرد	آموزش ریاضی	محراب فتم	علیرضا توکلی صابری
۸۳ فعالیت ریاضی	آموزش ریاضی	مدرسه	مرتضی بهمن آزاد
فصل قصه گزیده از شاهنامه فردوسی	آموزش زبان و ادبیات فارسی	فدایی	حسین فتاحی
ماشین‌ها، دستگاه‌ها و ابزارها چگونه کار می کنند	آموزش حرفه و فن	پیام آزادی	مهرداد حسینی

تقدیر شده‌ها

نام اثر	حوزه درس	ناشر	تقدیر از:
مجموعه ۲۰ جلدی «نوجوانان دانش دوست تحقیق می‌کنند»	آموزش علوم	فاطمی	انتشارات فاطمی
آمادگی در برابر زلزله	آموزش علوم	مدرسه	یونسکو
هنر تکه دوزی آویزه (هنر ۲)	آموزش حرفه و فن	بین المللی حافظ	فاطمه مرسلی
دنیای هنر مکرومه بافی و آویزه ۲	آموزش حرفه و فن	بین المللی حافظ	اعظم آراسته
آفرینش	آموزش حرفه و فن	بین المللی حافظ	سیدکمال هاشمی شبستری
سازه‌ها	آموزش حرفه و فن	فاطمی	مجید ملکان
الکتروسیته و مغناطیس	آموزش حرفه و فن	فاطمی	احمد خواجه نصیر طوسی
از زمان چه می‌دانیم	جغرافیا	مرکز	رویای خویی
کتاب کار و خودآزمون جغرافیای اول راهنمایی	جغرافیا	شورا	پوران شرکاء و فریده لمسه‌چی
بافته های حضیری	هنر	مدرسه	محمد مهدی هراتی
مجموعه ۶ جلدی آموزش مفاهیم قرآن	تعلیم و تربیت دینی	مؤسسه مهد قرآن کودکان و نوجوانان	مسعود وکیل
مجموعه ۵ جلدی آشنایی با قرآن کریم	تعلیم و تربیت دینی	نشر تاریخ و فرهنگ	فرزانه زنبقی
فرهنگنامه قرآنی	تعلیم و تربیت دینی	نشر قو	مصطفی اسرار
دانستنی هایی از قرآن	تعلیم و تربیت دینی	نشر قو	مصطفی اسرار
دفتر تمرین عربی سال اول راهنمایی	عربی	شورا	قاسم کریمی
سوالات استاندارد زبان سال سوم راهنمایی	زبان انگلیسی	کیا	جمشید نوجوان
ویندوز ۹۸ برای نوجوانان	ریاضی	مؤسسه فرهنگی دیباگران	شکوفه نوری
دوره ۲ جلدی جبر + جبر مقدماتی	ریاضی	محراب قلم	علیرضا توکلی صابری
دوره ۲ جلدی آغاز جبر	ریاضی	مدرسه	علیرضا توکلی صابری
سرگرمی های ریاضی با ماشین حساب	ریاضی	مدرسه	پرویز امینی
کتاب کار دانش آموز ریاضی سوم راهنمایی	ریاضی	رجاء	هوشنگ رخ افروز، حبیب الله رضایی
دیوان پروین اعتصامی	ادبیات فارسی	قدیانی	شهرام رجب زاده
سهراب سپهری	ادبیات فارسی	دفتر انتشارات کمک آموزشی	محمدحسن حسینی
ستاره نوس	ادبیات فارسی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	حسین کیانپور
مجموعه ۱۹ جلدی تاریخ تمدن جهان	آموزش تاریخ	شرکت سهامی انتشار	محمود حکیمی
دانشنامه نوین	آموزش تاریخ	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	محمود حکیمی

تقدیر شده ها

نام اثر	حوزه درسی	ناشر	تقدیر از
راهنمای بازی های ایران	آموزش تربیت بدنی	دفتر پژوهش های فرهنگی	ثریا قزل ایلیغ
چرا و چگونه (مجموعه ۲۰ جلدی)	آموزش علوم تجربی	قدیانی	بهروز بیضایی
الفای قصه نویسی (۲ جلدی)	آموزش زبان و ادبیات فارسی	پیام آزادی	محمد رضا سرشار (رضا رهگذر)
منظومه ظهر روز دهم	تعلیم و تربیت دینی	سروش	قیصر امین پور
مسلمان فارسی	تعلیم و تربیت دینی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	عباس منکی
نصویری از بهار	تعلیم و تربیت دینی	کانون پرورش فکری کودکان و جوانان	حسین سیدی
درک مفاهیم ریاضی از طریق بازی های آموزشی	آموزش ریاضی	مدرسه	حسین نصیرپه
کتاب آزمون و آموزش عربی سال دوم راهنمایی	آموزش زبان عربی	تاجیک	عادل اشکوس
تمرینات و نمونه سؤالات سال دوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	آزمون نوین	سهراب علامپور
تمرینات و نمونه سؤالات سال سوم راهنمایی	آموزش زبان انگلیسی	آزمون نوین	سهراب علامپور
سیاره زمین	آموزش جغرافیا	پرک	سعید مدرسی قزوینی
	آموزش هنر	مدرسه	محمد علی کشاورز

تصحیح

در مقاله استاد احمد سمیعی با عنوان «خلاقیت و تمرین های برای پرورش آن در نگارش» که در شماره ۲۹ (تابستان) چاپ شد، متأسفانه چند غلط تایپی راه یافته بود. ضمن پوزش از جناب آقای سمیعی و خوانندگان عزیز، توجه شما را نسبت به اصلاح آن غلط ها جلب می کنیم:

صفحه/ستون/سطر	نا درست	درست	صفحه/ستون/سطر	نا درست	درست
۷ / ۱ / ۳	چپسا برای	چپسا	۸ / ۳ / ۲۵	استعداد	استعداد
۷ / ۲ / ۶	جهانی	زبانی	۸ / ۳ / ۱۴	آنها	او
۷ / ۳ / ۲۰	بروسیویوف	دایرولیویوف	۹ / ۳ / ۱۴	ذخاری	زخاری
۸ / ۱ / ۱۸	مهیا کردن	مهار کردن	۱۰ / ۲ / ۱۱	داستایوسکی	ماباکوفسکی
۸ / ۳ / ۲	تعارفات	متعارفات	۱۰ / ۳ / ۱۶	متوتیف	موتیف



گزیده بیانیه‌ها

کتاب‌هایی را می‌توان یافت که با دقت علمی، هدف مشخص و انگیزه‌ی خدمت تألیف و منتشر شده‌اند و بسیار مورد استفاده مخاطبان خویش قرار می‌گیرند. با این حال، باید اذعان کرد که شمار این‌گونه آثار نسبت به کل آثار منتشر شده اندک است و برای پاسخگویی به نیاز واقعی خیل عظیم دانش‌آموزان و معلمان بسنده نیست.

حوزه زبان عربی

متأسفانه بازار نشر نتوانسته است پاسخگویی نیازهای واقعی علاقه‌مندان به زبان عربی باشد. نگاهی گذرا به کارنامه ناشران در دو دهه گذشته، ما را از ارائه هرگونه دلیل و مدرکی بی‌نیاز می‌کند.

با نگاهی به وضع موجود کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی عربی، درخواهیم یافت که کارهای انجام شده به هیچ وجه با نیازهای مختلف در این عرصه همخوانی ندارد. در بخش کتاب‌های کمک‌آموزشی که تعداد آن‌ها از انگشتان دست تجاوز نمی‌کند، اساساً کتابی متناسب با سطح علمی این گروه سنی منتشر نشده است و دروغ از یک کتاب که به منظور فراگیری این زبان یا تسهیل در امر آموزش زبان عربی تألیف شده باشد!

کتاب‌های کمک‌درسی نیز، نتوانسته‌اند نقش مؤثری در آموزش زبان عربی ایفا کنند. کتاب‌های یاد شده نه تنها در علاقه‌مند کردن مخاطبان به یادگیری زبان عربی موفق نبوده‌اند، بلکه با حل تمرین‌های کتاب و ترجمه متون، عملاً راه را بر هرگونه خلاقیت، ابتکار و نوآوری دانش‌آموزان بسته و درست در جهت مقابل اهداف آموزشی گام برداشته‌اند.

اگر رسالت آموزش و پرورش را فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای ایجاد خلاقیت و افزایش مهارت‌های مختلف علمی در مخاطبان بدانیم، کتاب‌های موجود نه تنها چنین فضایی را ایجاد نمی‌کنند بلکه فرصت اندیشیدن را هم از نوجوانان و جوانان می‌گیرند.

با این توصیف، هیأت داوران به آینده چشم دوخته و امیدوار است که ناشران محترم با به کار بستن توصیه‌ها، بتوانند در جهت تحقق اهداف ترسیم شده گام بردارند و حرکتی را که با نگرش نو و بهره‌گیری از روش‌های جدید بر آستان تعلیم زبان قرآن آغاز شده است، استمرار بخشند.

از هر یک از هیأت‌های داوری جشنواره رشد خواسته شده بود که در پایان بررسی‌های خود، که به گزینش تعدادی کتاب برتر منتهی شد، در بیانیه‌ای که صادر می‌کنند، دیدگاه‌های خود را نسبت به کل جریان تألیف و انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی - در آن حوزه - اعلام کنند. توجه به این بیانیه‌ها، که هر یک به نوعی عدم رضایت خود را از وضعیت موجود اعلام کرده‌اند، می‌تواند مورد توجه دبیران محترم، خانواده‌ها و مؤلفان و ناشران قرار گیرد. توجه شما را به گزیده‌هایی از بیانیه‌ها جلب می‌کنیم.

رشد

حوزه زبان و ادب فارسی

در سال‌های اخیر، بر تعداد کتاب‌های کمک‌آموزشی در همه رشته‌ها و از جمله رشته زبان فارسی افزوده شده است و اکنون می‌توان انواع و اقسام کتاب‌هایی را که ظاهراً با هدف تسهیل جریان یاددهی - یادگیری زبان فارسی تألیف و منتشر شده‌اند، در اغلب کتاب‌فروشی‌ها مشاهده کرد. البته بعضی از این کتاب‌ها نیز با اقبال و استقبال دانش‌آموزان روبه‌رو می‌شوند. با این حال، بسیاری از آن‌ها را نمی‌توان کتاب‌هایی مفید و ضروری دانست. بسیاری از این کتاب‌ها به دلیل ارائه آموزش‌های ناقص یا نادرست و نیز غیر لازم و غیر مفید، در برداشتن انواع غلط‌های املائی، اثنایی، دستوری و نحوی، بی‌بهره بودن از مؤلفه مهم تناسب با ساختار و زبان مخاطب و بالاخره، فقدان لطافت زبانی که شرط لازم هر نوع کتاب مرتبط با زبان فارسی تلقی می‌شود، در چارچوب آثار مثبت قرار نمی‌گیرند و ضرورت نقد جدی آن‌ها احساس می‌شود. بدین لحاظ، برگزاری جشنواره رشد اقدام مثبتی در راه اصلاح وضع موجود است. امیدواریم این جشنواره با تدویم حرکت خویش بتواند راهکارها و معیارهای روشنی را برای مؤلفان و ناشران کتب کمک‌آموزشی ندادارک ببیند.

هیأت داوران انتشار کتاب‌های آموزشی را به خودی خود نقطه قوتی می‌داند که نشانگر تلاش بی‌گیر مؤلفان و ناشرانی است که با پایمردی و بذل سرمایه‌های مادی و معنوی خویش درصدد انجام خدمتی فرهنگی - آموزشی به جامعه خویش اند. بی‌شک، در گستره این آثار،

حوزه هنر

در شرایط حاضر، اقدام بعضی از نهادها برای احیای آموزش هنر، تهیه و تألیف کتب مربوط به این حوزه و متناسب با نیاز روز، مغتنم و مایه امیدواری است. لذا هیأت داوران از کسانی که به هر نحو در اعتلای آموزش هنر دستمی دارند و نیز از دست‌اندرکاران جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، به دلیل تلاش در جهت تشویق و هدایت‌ناشران و مؤلفان و تعیین ضوابط و شرایط برای کتاب‌های آموزشی قدردانی می‌کند.

امید است که مدیران و کارگزاران امر آموزش و نشر متون آموزش هنر با درایت و توجه بیش‌تر، زمینه را برای ارتقای آموزش، ایجاد مهارت، تقویت پیش‌هنگام هنری دانش‌آموزان و هنرجویان و خصوصاً معلمان هنر کشور فراهم آورند.

حوزه آموزش حرفه و فن

توسعه کیفی و کمی نیروی انسانی محور و موتور توسعه پایدار در هر کشور است. فناوری به منزله یکی از ارکان توسعه نیروی انسانی، مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی است. برنامه درسی آموزش حرفه و فن با رویکردی متفاوت با گذشته، فناوری را به منزله محور اساسی مورد توجه قرار داده و برنامه درسی دوره سه‌ساله راهنمایی نیز بر این اساس پایه‌ریزی شده است.

با وجود تلاش‌هایی که در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی جهت خروج از برنامه‌های درسی سنتی انجام گرفته، چنین به نظر می‌رسد که هنوز سترهای لازم برای بارور شدن اندیشه‌های فناوریانه در دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی فراهم نیامده است. شناساندن تعدادی ابزار کار و دیکنه کردن فعالیت‌های از پیش تعیین شده، کمی‌پردازی و... دانش‌آموزان را از پرداختن به مسایل اساسی چون مسئله‌یابی، جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها، حل مسئله و فناوری محروم می‌کند.

حوزه زبان انگلیسی

کتاب کمک‌درسی باید نکات دستوری و واژگانی متن کتاب‌های درسی را در متون جدید و به اشکال کاملاً متفاوتی به کار گیرد. در عین حال، تمرین‌هایی که در کتاب‌های آموزشی با کمک‌درسی ارائه می‌شود، به هیچ روی نباید همانند تمرین‌های کتاب‌های درسی باشد بلکه همان نکات دستوری یا واژگانی باید در تمرین‌هایی هدفمند به نوعی کاملاً متفاوت عرضه گردند تا دانش‌آموز با تولیدات و کاربردهای جدید آن‌ها در موارد تازه و خلاق آشنا شود، با تفکر و

تلاش ذهنی به کاربردهای تازه آن‌ها پی ببرد و بر کاربرد آن‌ها در عرصه‌های مختلف تسلط کافی حاصل نماید.

کتاب‌های کمک‌آموزشی نباید حاوی همان مطالب کتاب درسی با ترتیب‌های تازه، آرایش‌های جدید و تزیینات چشمگیر و جذاب و دستورالعمل‌های فارسی باشند؛ زیرا در این صورت، زبان‌آموزان سهل‌انگار با مشاهده عبارت‌های فارسی در این دام گرفتار می‌شوند که کتاب تافته‌ی جدا بافته‌ای است و در آموزش زبان خارجی معجزه می‌کند. در صورتی که ماحصل استفاده از آن، عقیم شدن ذهن و از دست رفتن قدرت تفکر در بازسازی ترکیبات ذهنی و پردازش جمله‌های تازه است و نتیجه معکوس به بار می‌آورد.

کتاب‌های آموزشی مطلوب در عرصه زبان، کتاب‌هایی هستند که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

۱- تا حد ممکن از به کارگیری زبان مادری زبان‌آموزان بپرهیزند و برای نشان دادن معانی کلمه‌ها و جمله‌ها از طرح‌های مطلوب‌تری که در متون آموزشی از آن‌ها به خوبی یاد شده است، استفاده کنند.

۲- تقویت‌کننده مطالبی باشند که زبان‌آموزان در کلاس درس یاد گرفته شده‌اند و در سطح متناسب با زبان‌آموزان باشند که آنان به تنهایی از عهده خودآموزی آن‌ها بربند.

۳- قدرت تفکر، خلاقیت در یادگیری و تولید زبان را در زبان‌آموزان برانگیزند و توان حل مسئله و جستار و کاوشگری به آن‌ها بیخشند.

۴- نکته‌های دستوری و کلمه‌های کتاب را در متن‌های کاملاً جدید به کار گیرند تا دانش‌آموزان در به کارگیری آن‌ها تسلط یابند.

۵- با تهیه نوارهای شنیداری، زمینه را برای تمرین‌های موزون نیاز تکلمی یا ارتباطی فراهم آورند و به تلفظ درست گفته‌ها به هیچ عنوان و بهانه‌ای بی‌اعتنایی نکنند. چون به جرأت می‌توان ادعای داشت که کتاب‌های کمک‌درسی به مهارت گفت و شنود- آن‌طور که شاید و باید- پرداخته‌اند و نوارهای شنیداری، ویدیویی و سی‌دی می‌توانند بهترین چاره‌مشکل باشند.

۶- مؤلفان این کتاب‌ها از آوردن آزمون‌ها و تست‌های تکراری که قبلاً به کار برده شده است، برای پر کردن صفحه‌های کتاب خود استفاده نکنند؛ زیرا امتیاز آزمون‌ها با مؤسسات یا افرادی است که آن‌ها را ساخته و پرداخته‌اند. این افراد باید خود به تهیه آزمون‌های ضروری مبادرت ورزند و از کتاب‌های خارجی یا کتاب‌های درسی برداشت مستقیم و رونویسی ساده نکنند.

حوزه آموزش علوم تجربی

بیش‌ترین کتاب‌های رسیده مربوط به کتاب‌های تکمیلی و

دانش افزایی دانش آموزان است که عمده آن‌ها را کتاب‌های ترجمه تشکیل می‌دهد. کتاب‌های تألیفی این حوزه در رده کتاب‌های «کار و تمرین» و مواردی از این دست قرار می‌گیرند که عموماً ویژگی‌های لازم را ندارند. کم‌ترین تعداد در میان این کتاب‌ها، به آموزش معلمان در زمینه‌هایی مانند دانش، روش و پیش‌های لازم برای آموزش علوم مربوط می‌شود. با توجه به تغییرات پیش آمده در برنامه‌های درسی و لزوم آشنایی بیش تر معلمان و مسایل و دشواری‌های آموزش حضوری آنان، این نوع کتاب‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

حوزه آموزش ریاضی

از بین ۱۲۲ عنوان کتاب رسیده به دبیرخانه، حتی یک جلد کتاب برای معلمان ریاضی دوره راهنمایی منتشر نشده است. ولی در مقابل ۸۷ عنوان از این کتاب‌ها مربوط به کتاب‌های تمرین و کتاب‌های کار بودند که تنها یک عنوان به مرحله دوم راه یافت. عمده این کتاب‌ها تألیفی بودند. با توجه به این که برنامه آموزش ریاضی کشور در آستانه تغییر و تحول است، ضرورت انتشار چنین کتاب‌هایی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

حوزه آموزش تاریخ

آشنایی با تاریخ سیاسی-اجتماعی، میهن دوستی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به میراث‌های فرهنگی و تقویت هویت ملی، از جمله اهداف درس تاریخ است. در این حوزه، اصلاً به انتشار کتاب‌های آموزش، از نوع کتاب‌های کار، متناسب با اهداف برنامه درسی توجهی نشده و این مسئله با توجه به محدودیت درس تاریخ، ضرورتی جدی است. بسیاری از آثار دریافت شده به قصد پشتیبانی از برنامه درسی نگارش نیافته‌اند که این مسئله نشان دهنده خلأ مذکور و بی‌خبری نویسندگان و ناشران از اهداف برنامه درسی تاریخ است و باید زمینه مناسب این آشنایی فراهم شود. عمده کتاب‌های رسیده به دبیرخانه جشنواره، به تاریخ طولانی و درخشان ایران توجه نداشته‌اند. از ۹۲ عنوان کتاب رسیده، تنها ۲ عنوان کتاب به جریان‌های تاریخی قبل از دوران معاصر مربوط می‌شود.

حوزه آموزش تربیت دینی

در این حوزه کمبود اصلی در زمینه موضوعات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شود. تألیف آثاری که بتوانند به نیازهای دانش آموزان در این زمینه‌ها کمک کنند، ضروری است؛ بخصوص تولید کتاب‌های مرجع که نیازمند سرمایه‌گذاری و استفاده از

نویسندگان متخصص است.

بخش عمده کتاب‌های رسیده، نوعی بازنویسی ساده از سیره شخصیت‌های دینی محسوب می‌شود که از نظر مخاطب، جذابیت کافی ندارند. در مجموع، در این حوزه نیز برای دبیران کار قابل توجهی صورت نگرفته است.

حوزه آموزش علوم اجتماعی

هدف اصلی در حوزه آموزش علوم اجتماعی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، جامعه‌پذیر کردن نوجوانان و تربیت آن‌ها به عنوان شهروندانی مسؤول برای زندگی در یک جامعه اسلامی است. از بین ۴ عنوان کتاب برگزیده در این حوزه، ۳ عنوان ترجمه و تنها یک عنوان کتاب تألیفی است. ۲۰ عنوان رسیده در مرحله اول، حاکی از بی‌توجهی جدی به این حوزه است. آشنایی بیش تر ناشران، مؤلفان و مترجمان با نیازهای برنامه درسی علوم اجتماعی می‌تواند گام مؤثری در انتشار کتاب‌های مناسب برای دانش آموزان در این حوزه باشد.

حوزه آموزش جغرافیا

در زمینه وسیعی همچون جغرافیای ایران، هیچ‌گونه کتاب آموزشی به دبیرخانه جشنواره نرسیده و این، با توجه به تنوع طبیعی، فرهنگی و اجتماعی کشورمان، خلأ بسیار بزرگی است. در اکثر کتاب‌های ترجمه نیز، غلبه با مطالبی همچون پدیده‌های طبیعی نظیر آتش‌فشان، زلزله و مسائلی از این دست است و به جغرافیای انسانی کم‌تر توجه شده است. لزوم توجه به کتاب‌های تألیفی در حوزه آموزش جغرافیای ایران، یک ضرورت انکارناپذیر است.

حوزه آموزش تربیت بدنی

در جشنواره امسال، بخش تربیت بدنی برای اولین بار مطرح شده است. از دست‌اندرکاران تألیف، ترجمه و نشر کتاب‌های این حوزه، تنها ۲۵ عنوان کتاب با تنوع موضوعی گسترده به دبیرخانه جشنواره رسید که شرایط انتخاب را دشوار می‌کرد. لذا هیأت داوران بحث و بررسی جشنواره‌ای را منتفی دانست و تنها کتاب «راهنمای بازی‌های ایران»، با وجود آن که در زمینه فرهنگ و مردم‌شناسی است و با موضوع تربیت بدنی ارتباط مستقیم ندارد، به دلیل استفاده از آن به عنوان اثری مرجع برای کارشناسان و معلمان ورزش و توجه به بازی و ورزش از بعد فرهنگی، مورد تقدیر قرار گرفت. به نظر می‌رسد که در این حوزه، با توجه به جمعیت جوان کشور، نیازمند یک تلاش بسیار جدی و برنامه‌ریزی شده هستیم.



گفت وگو با سید مرتضی خلخالی، پژوهشگر در برنامه ریزی درسی و آموزش علوم

نظام سنجش کتاب محور و بحران کتاب‌های درسی و کمک درسی

محمد شمخانی

اشاره

آقای سید مرتضی خلخالی متولد سال ۱۳۰۸، لیسانس دبیری شیمی از دانشسرای عالی و کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی و آموزش علوم از دانشگاه تهران است و دو ترم تحصیلی را نیز در دانشگاه ایالتی اورینگن آمریکا، در همین رشته گذرانده است.

ایشان حدود ۲۵ سال، به تدریس برنامه ریزی درسی، آموزش علوم و روش‌ها در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های مختلف اشتغال داشته و بیش از ۶۰ مقاله نیز در فصلنامه‌ها و مجله‌های تخصصی تعلیم و تربیت به چاپ رسانده است. علاوه بر این در طول این سال‌ها، طرح‌های متعددی در زمینه اصلاح نظام آموزشی از طریق ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی درسی، پیشنهاد الگوهای علمی برای برنامه ریزی درسی، ایجاد رشته‌های برنامه ریزی درسی و روش‌های آموزش درس‌های اختصاصی در سطح کارشناسی ارشد، اصلاح نظام سنجش و... ارائه داده است.

گفت وگویی حاضر گزیده‌ای از یک گفت وگویی طولانی با آقای خلخالی است که پیش از این در نشریه جوانه (۱۳۷۹) به چاپ رسیده است.

نقد

● جناب آقای خلخالی ما، همه روزه، شاهد انبوه برنامه‌های تبلیغاتی از جعبه جادویی سیما هستیم و با داری خانه‌ها و پیاده‌روهای خیابان‌ها را، پر از برگه‌ها و اوراق ریز و درشت تبلیغ برای کتاب‌ها و جزوات بازاری موسوم به مواد کمک درسی و کمک آموزشی و با آموزش‌های تست زنی می بینیم. همه این‌ها به میلیون‌ها دانش آموز وعده آموزش بهتر

کتاب‌های درسی و کامیابی در مراحل گوناگون آموزش و سنجش را توید می دهند. در این میان، تلاش‌ها و دست‌ها و پا زدن‌های بنگاه‌های نشر نیمه دولتی و خصوصی نسبتاً معتبر را نیز می بینیم که آگاهانه و صادقانه کار می کنند، اما در مجموع متقاضی کمتری دارند و نقش آن‌ها در اصلاح نظام آموزش کم رنگ تر است. شما چه تحلیلی برای این پدیده دارید؟

هم اکنون بیش از دو دهه است که مسئولان و کارشناسان نهادهای برنامه ریزی، تلاش همه جانبه‌ای جهت اصلاح نظام آموزشی به عمل می آورند. تمامی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی تغییر کرده اند و در بسیاری موارد، از نظر محتوای دانشی و تا حدودی روشی، روزآمد شده اند. فصلنامه‌ها، مجله‌های حرفه‌ای تخصصی رشد و انواع کتاب‌ها و انتشارات کمک آموزشی منتشر شده و می شود. دهه هزار معلم، به برکت سرمایه گذاری‌های فراوان تربیت نیروی انسانی، تحصیلات تکمیلی خود را طی می کنند. با تمامی این احوال، می بینم که مسئولان آموزشی، معلمان، دانش آموزان و اولیای آن‌ها، همواره از انواع ناراحتی‌های آموزشی رنج می برند و

به نظر بنده، چنانچه مسأله را با ژرف نگری و دیدی کل نگر از منظر برنامه ریزی درسی، نظریه‌های تعلیم و تربیت و نحارب جهان بررسی کنیم و به تلفیق تمامی تحلیل‌ها بپردازیم، به دو عامل بنیادی و ریشه‌ای می رسیم که نقش «المسائل» نظام برنامه ریزی درسی را در این زمینه تعیین می کند. این دو عامل عبارتند از:

۱- نبود انبوه نیروی انسانی متخصص برنامه ریزی درسی و روش‌های آموزش درس‌های اختصاصی که تحصیلات ابتدایی

۲- نبود سیستمی هماهنگ کننده و فراگیر که نقش سیاستگذاری علمی را برای کل نظام برنامه‌ریزی درسی در سطح ملی ایفا نماید.

نخستین واقعیت تلخ آن است که گرچه تمامی فعالیت‌های طراحی برنامه‌ها، تدوین کتاب‌های درسی، تربیت معلم و سنجش، در قلمرو درس‌های اختصاصی انجام می‌گیرد (مانند آموزش علوم، ریاضی، مطالعات اجتماعی و...)، اما هیچ‌گونه درس و برنامه‌ای در قلمرو این گونه دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی و روش‌های درس‌های اختصاصی در آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور ارائه نمی‌شود! به عبارت دیگر، همگام با تغییرات متوالی نظام آموزشی، هیچ‌گونه اقدامی برای تربیت آکادمیک کارشناسان و متخصصان برنامه‌ریزی، تألیف کتاب و آموزش درس‌های اختصاصی در ایران تدارک نشده است! به همین دلیل نمی‌توان با هیچ طرح و نقشه علمی اصلاح سیستماتیک نظام آموزشی را به مرحله اجرا درآورد.

دومین واقعیت تلخ آن است که مؤلفه‌ها یا عناصر گوناگون برنامه درسی و به عبارت دیگر، چرخ‌های متعدد ماشین برنامه، همسنگ و همسو حرکت نمی‌کنند و اثر یک‌دیگر را خنثی می‌کنند. چرا؟ چون ساخت و پرداخت آن‌ها مطابق اندازه‌ها و استانداردهای ناهمگون در شاخه‌های گوناگون معاونت‌ها و نهادهای یک وزارتخانه و یا وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگون صورت می‌گیرد. یعنی، هیچ‌گونه نهاد علمی و تخصصی فعال فرامعوانتی و فراوزارنی وجود ندارد که چارچوب و خط سیر کلی برنامه ملی را برای تمامی نهادهای ستادی و اجرایی مشخص کند و استانداردهای لازم را برای هماهنگی و همسویی حرکت تمامی چرخ‌های برنامه پیگیری و تضمین نماید. تجارب ده‌ها سال گذشته نشان داده است که تغییر چارت‌های سازمانی، تغییر آیین‌نامه‌ها و ارائه توصیه‌ها و بخشنامه‌های متوالی، هرگز مشکلی را حل نکرده است، زیرا چنین اقداماتی با عوامل بازدارنده و «علت‌العلل»‌های نامبرده فوق برخورد ریشه‌ای نمی‌کند.

● استاد خلخال، بهتر است از یک زمینه کلی در ارتباط مستقیم با مواد آموزشی شروع کنیم تا مقدمه‌ای باشد برای تمام گفته‌های دیگر، به نظر شما، چه تفاوتی میان کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی وجود دارد؟

○ بجاست کتاب کمک‌درسی را نوع خاصی از کتاب‌های آموزشی معرفی کنیم که بیش‌تر به برنامه درسی یک سال و یک مقطع تحصیلی می‌پردازد. می‌دانیم که کتاب درسی دانش‌آموزان، کتاب راهنمای معلم و سایر انتشارات نرم‌افزاری و حتی سخت‌افزاری مربوط به یک طرح آموزشی که برحسب برنامه و اهداف مشخصی برای یک گروه از دانش‌آموزان، در مقطع تحصیلی معین طراحی شده است، مواد

استقبال از کتاب‌های کمک‌درسی از نوع خلاصه‌معلومات و تست‌ها پرشور است، اما گرایش به کتاب‌های کمک‌آموزشی مربوط به پرورش فکر و سواد علمی و رشد همه‌جانبه، خیلی کم است.



آموزشی آن طرح نامیده می‌شود. از آن‌جا که اغلب تجارب ما در زمینه طراحی کتاب‌ها و انتشارات کمک‌آموزشی، الهام گرفته از پژوهش‌ها و اقدامات کشورهای خارجی است، بجاست ابتدا چگونگی تولید این گونه طرح‌های آموزشی خارجی را در دو مقوله بررسی کنیم:

الف) طرح‌های آموزشی تهیه شده در نهادهای پژوهشی پشتیبانی شده به وسیله دولت:

این‌ها بهترین و معتبرترین طرح‌های آموزشی هستند که توسط گروه‌هایی از متخصصان تعلیم و تربیت و کارشناسان برنامه‌ریزی و روش‌های آموزشی خاص، همراه با متخصصان علمی موضوعی طراحی و تدوین می‌شوند. معمولاً چنین طرح‌هایی تحت نظر دانشکده‌های علوم تربیتی یا نهادهای پژوهشی خاص و با همکاری تعداد قابل توجهی معلم و مدرسه در سراسر کشور، تدوین، امتحان و ارزیابی می‌شوند. آن‌گاه، طرح تفصیلی نهایی که دارای «سناریو»‌های کاملی است، از طریق عقد قرارداد با ناشران معتبر، به صورت مواد آموزشی گوناگون یک طرح، وارد بازار می‌شود.

مواد آموزشی یک طرح معتبر خارجی، افزون بر کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم، ممکن است شامل بسیاری کتاب‌ها و انتشارات کمک‌آموزشی تکمیلی باشد که برای غنی‌سازی و تقویت آموخته‌های دانش‌آموزان «تندآموز» و یا جبران دشواری‌های یادگیری دانش‌آموزان «کندآموز» همچنین انجام انواع تکالیف عملی، پروژه‌ای و پرورش مهارت‌های تفکر نقاد و حل مسأله است.

فرض بر این است که در یک نظام آموزشی متمرکز، مانند نظام آموزشی ایران، مواد آموزشی هر یک از درس‌ها این چنین طرح‌ریزی شوند. گرچه در حال حاضر، تولید کتاب‌های درسی و برخی مواد آموزشی تکمیلی، بویژه کتاب راهنمای معلم، توسط نهادهای رسمی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، به همین صورت انجام می‌گیرد.

ب) کتاب‌های درسی و کمک‌درسی طراحی شده در بنگاه‌های نشر خارجی (خصوصی)

اغلب کتاب‌های درسی و کمک‌درسی در کشورهای توسعه یافته، در چهارچوب املاک‌های برنامه‌مندی آموزش یک کشور و برنامه‌مندی مشخص آن طراحی و تولید می‌شوند. کیفیت، تنوع و تعداد این مواد آموزشی به امکانات و شهرت نگاه‌نشر بستگی دارد. گرچه در برخی موارد نادر، یک نگاه بشر بزرگ با استفاده از متخصصان روش‌ها، طرح پیشرفته و کاملی را تولید می‌کند. اما هرگز این کار به سطح و کیفیت مواد آموزشی گروه الف نمی‌رسد. زیرا در این جا انگیزه‌بخاری و فروش حداکثر ممکن از مواد مطرح است. در صورتی که در آن جا، هزینه‌ها و اعتبارات بحث پژوهش و طراحی، با پشتیبانی و هدایت نهادهای ویرانی و دانشگاهی تأمین می‌شود.

ناشران معمولی خارجی نیز، اغلب به طراحی کتاب درسی، و به ندرت کتاب، راهنمای معلم آن، دست می‌زنند که در چهارچوب برنامه ملی است.

حال اگر یک نگاه‌نشر ایرانی چنین کتابی را ترجمه کند، آن را تحت عنوان کتاب کمک‌درسی و دانش‌افزایی منتشر می‌کند؛ زیرا با برنامه‌های درسی ایران مطابقت کامل ندارد. به همین دلیل، انجام چنین امری به ندرت در ایران اتفاق می‌افتد، زیرا هزینه‌پرداز است و به سختی فروش می‌رود.

معمولاً، ناشران ایرانی از برخی مفاهیم بنیادی و تعداد محدودی از شکل‌های این‌گونه کتاب‌های خارجی استفاده می‌کنند و بحث اعظم صفحات باقی‌مانده کتاب را با پرستش و تمرین و تست پر می‌کنند و آن را به عنوان کتاب کمک‌درسی یا کتاب کار و راهنمای مطالعه، به چاپ می‌رسانند.

● حال که مقایسه‌ای میان مواد کمک‌درسی و کمک‌آموزشی کشورهای توسعه یافته با ایران انجام دادید، لطفاً چگونگی استفاده از این کتاب‌ها را نیز در نظام‌های آموزشی مقایسه بفرمایید.

(۱) در ایران، به علت نظام سنتی مشخص که گویی هر آنچه زائد کتاب درسی آمده، در حکم نوشته‌های مقدسی می‌پندارد، و فقط از اطلاعات عمومی و داده‌های کتاب می‌پرند، شرایط کاملاً متفاوت است. در این جا نظام آموزشی امتحان‌محور است؛ آن هم امتحان کتبی و اغلب سنتی. این‌گونه مشخص‌های سنتی حاکم، بی‌تردید آموزش را به فراگیری اطلاعات عمومی کتاب و کسب مهارت در پاسخگویی به تست‌های معارف به حداکثر می‌رساند، اما بی‌تردید آن‌ها را به عمق و اندیشیدن، داده‌پردازی و ارزیابی تحلیلی و تفکر نقاد به حداقل می‌رساند. بنابراین، دانش‌آموزان ایران به انگیزه و فرصت کافی برای دانش‌افزایی و عمق بخشیدن به یادگیری‌ها و کسب مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر دارند و به احساس نیاز به آن‌ها را نمی‌کنند. و این خود مهم‌ترین عامل جهت‌دهنده به ناشران بازاری، جهت دعوت به فراگیری خلاصه‌دانش در محدوده‌تست‌ها و مهارت‌های تست‌زنی و چاپ کتاب‌های کم‌مایه

وقتی درک کتاب درسی دشوار است و مطالب آن برای همه قابل فهم نیست، آموزش و پرورش طبقاتی می‌شود. به طوری که فقط افراد متمکن و پولدار فرزندان خود را به یاری معلم خصوصی و کلاس‌های کنکوری و... آماده می‌کنند

و سودآور است. نتیجه آن که استقبال از کتاب‌های کمک‌درسی از نوع خلاصه‌معلومات و تست‌ها پرشور است، اما گرایش به کتاب‌های کمک‌آموزشی مربوط به پرورش فکر و مواد علمی و رشد همه‌جانبه، خیلی کم است.

● چند جا اشاره کرده‌اید به «برنامه ملی». می‌شود تعریفی از آن ارائه بدهید؟ (برنامه ملی، برنامه‌های درسی است که در سطح کشوری و در پایتخت یک کشور فدرال پی‌ریزی می‌شود. در این برنامه، چهارچوب کلی نظام آموزشی کشور، از نظر اهداف و استانداردهای آموزشی و همچنین محتوای مفاهیم بنیادی که باید در هر یک از مقاطع تحصیلی آموخته شود و اصول و راهکارهای مشخص، که خیلی به آن اهمیت می‌دهند، طراحی و تعیین می‌شود.)

از آن جا که نظام مشخص نقش تعیین‌کننده‌ای در آموزش و استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی دارد، بحاست که آن را تا تفصیل بیش‌تر بررسی کنیم.

به عنوان مثال، برنامه ملی مشخص در انگلستان، که به وسیله وزارت آموزش و پرورش آن کشور تهیه می‌شود، چند اصل و مقصد ویژه دارد. یکی از آن اصول املاک‌محوری است. که باید با آن براساس اهداف تعیین شده، دانش‌آموزان را ارزیابی کنند. در این اصل، پیشرفت یک دانش‌آموز به‌طور مستمر، نسبت به خودش ارزیابی می‌شود و نه نسبت به دیگر دانش‌آموزان. در ایران عکس این روش به کار می‌رود. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز فقط نسبت به کل دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود و به عبارت دیگر، این جا «امتحان‌محوری» حاکم است. در انگلیس، ضمن توجه به هنجار محوری برای نمره دادن و رتبه‌بندی، به میزان تحفظ یافتن اهداف و املاک‌محوری توجه فراوانی می‌شود.

اصل دیگر و بسیار مهمی که در سراسر جهان به‌دشال آن هستند، تنوع در شیوه‌های مشخص است؛ به صورتی که هم سؤال‌های کوتاه پاسخ و چندگزینه‌ای و عینی وجود دارد و هم سؤال‌های باز پاسخ و «واگرا» و از نوع «تشریحی»، افزون بر این، باید فعالیت‌های عملی و نگرش‌های علمی و مهارت‌های فرآیندی و یادگیری را هم، با اعمال اصل تنوع در شیوه‌های مشخص، در نظر داشت. اکنون در سال است که تست زدن از نظام سنجش انگلستان حذف شده است. چرا؟ چون می‌گویند، مشخص ماشینی نقش بسیار ناچیزی در ارزیابی مجدد همه

توانایی‌ها دارد و نمی‌تواند تفکر «واگرا» و خلاقیت فردی یا مهارت‌های یادگیری را بسنجد. بنابراین، روش‌های تحقیقی، تشریحی، مقاله‌نویسی و غیره را حتی در کنکور لحاظ می‌کنند.

یکی دیگر از مقاصد برنامه ملی سنجش در انگلیس، این است که نظام سنجش باید ارزیاب نظام آموزشی، مدرسه و معلم باشد. اما انجام این کار در نظام آموزشی غیرمتمرکز که اغلب ارزیابی‌ها و سنجش‌های دانش‌آموزان آن، به وسیله معلم شخصی انجام می‌گیرد، چگونه ممکن است؟ او حتماً باید روشی را به کار ببرد که مقبول عامه باشد و اعتماد آن‌ها را برانگیزد. به همین خاطر، همگان به ملاک‌های مشترک و یافته‌های تعلیم و تربیت احتیاج دارند. برای همسان کردن فعالیت‌های تدریس و یادگیری مراکز آموزشی در یک کشور، حتماً باید از یک وسیله همسان‌کننده استفاده شود. معمولاً به این وسیله یا راهکار «نظام تعدیل» می‌گویند؛ یعنی نظامی که بر شیوه‌های سنجش مدارس مختلف و دانش‌آموزان متفاوت نظارت می‌کند تا میزان توجه آن‌ها را به ملاک‌ها و استانداردهای آموزشی برنامه ملی همسنگ کند.

برای این کار هر محصل یک پرونده تحصیلی مخصوص دارد که کیسه مانند است. در این پرونده گزارش تکالیف دانش‌آموز و ابتکارات او و گزارش پروژه‌های چند هفتگی و نقطه‌نظرهای معلم در مورد این تکالیف و بالاخره فعالیت‌های حضوری دانش‌آموز در کلاس، نگهداری می‌شود. سازمان‌های سنجش و مسؤولان امتحانات نهایی هم افراد ورزیده‌ای به نام «تعدیل‌کننده» (مشاور و بازرس) دارند که هر از چندی، در حدود ده درصد پرونده‌های تحصیلی دانش‌آموزان را به طور تصادفی در مدارس مختلف انتخاب و بررسی می‌کنند تا ببینند، آیا کار مطابق ملاک‌های سنجش ملی انجام گرفته است یا نه؟ به طوری که گاهی، معلم را احضار می‌کنند و از او توضیح می‌خواهند یا آنان را راهنمایی می‌کنند و نمره دانش‌آموز را کم و زیاد می‌نمایند. بدین ترتیب، نوعی اعتماد و همسان کردن فعالیت‌های آموزشی مدارس مختلف در نظام غیرمتمرکز آن‌ها به وجود می‌آید. نتیجه آن که پنج نمره از نمره امتحانات نهایی و سنجش سراسری بر مبنای پرونده تحصیلی دانش‌آموزان منظور می‌شود.

● چرا معلمان دبستان‌های کشورمان در سال‌های اخیر، از کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی بیش‌تر استفاده می‌کنند؟ پیش‌تر، با چنین پدیده‌ای مواجه نبودیم. فکر نمی‌کنید محدودیت محتوای کتاب‌های درسی یکی از دلایل روی آوردن معلمان به کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی باشد؟

○ بله، ام‌المسائل مادر ایران، کوچک بودن کتاب درسی است و کمبود صفحه‌های آن. زیرا، نظام سنجش که همه محتویات کتاب را مورد سؤال قرار می‌دهد، دانش‌آموزان را برای حفظ کردن و دانستن تمامی مطالب کتاب به زحمت می‌اندازد. در نتیجه، فشار افکار عمومی روی

مسؤولان وزارتی باعث می‌شود که مؤلفان حجم کتاب را کاهش دهند. از سوی دیگر، محتوای دانشی کتاب‌ها، در هر یک از مقاطع تحصیلی، باید مطابق استانداردهای بین‌المللی باشد. چرا؟ برای این که کتاب‌های دانشگاهی ما از سال نخست دانشگاه، بر مبنای استانداردهای بین‌المللی است و دیپلمه‌های ما باید از عهده آن‌ها برآیند. نتیجه آن که حجم زیادی از مفاهیم و مهارت‌های لازم باید در تعداد کمی از صفحات کتاب‌های درسی مقاطع پیش از دانشگاه گنجانده شود. به همین خاطر، محتوای کتاب درسی در ایران سنگین، خشک و انتزاعی است. برانگیزنده نیست و ناخودزیادی، غیر قابل فهم از آب درمی‌آید. همچون شیرۀ غلیظی می‌شود که به آسانی قابل نوشیدن نیست. و یا به زبان علمی، «چگالی مفاهیم» آن زیاد است.

راه حل این مشکل، افزایش حجم کتاب‌های درسی، بدون افزایش تعداد مفاهیم آن است، تا بتوان با ذکر مثال‌ها، مصداق‌ها، شکل‌ها، جدول‌ها و کاربرد مطالب آن را عامه فهم، برانگیزنده، کاربردی و جالب کرد. یعنی دست مانند کاری که در کشورهای خارجی انجام می‌گیرد. به عنوان مثال، حجم کتاب‌هایی چون علوم یا مطالعات اجتماعی پنجم دبستان در آمریکا، انگلیس و استرالیا حداقل ۳ برابر حجم آن در ایران است. تفاوت مهم در این است که در کشورهای خارجی، تمام محتوا و داده‌های کتاب را در سنجش یا امتحان نمی‌پرسند، بلکه محتوای کتاب و کتاب‌های کمک‌آموزشی را، به عنوان وسیله و زمینه‌ای برای داده‌پردازی و پرورش مهارت‌های ذهنی در نظر می‌گیرند و در نتیجه، نظام سنجش آن‌ها، نظام «سنجش عملی» نامیده می‌شود. یعنی عملکرد ذهنی و عملی دانش‌آموزان و همچنین، توانایی تحلیل داده‌ها را توسط آن‌ها، می‌سنجند؛ نه این که محتوای کتاب را پرسند. دقیقاً چون کتاب درسی در ایران کم حجم و مترکم است و عامه فهم نیست، بنگاه‌های تجاری-بازاری از موقعیت سوءاستفاده می‌کنند و خلاصه کتاب و چکیده محفوظاتی مفاهیم و تست و پرسش تهیه می‌کنند تا آن‌ها را ابزار عبور از امتحان و رسیدن به اهداف آموزشی نظام سنجش سستی قرار دهند.

یکی از پیامدهای مهم کمبود حجم کتاب‌های درسی در ایران، غیرعادلانه شدن نظام آموزشی است. زیرا وقتی درک کتاب درسی دشوار است و مطالب آن برای همه قابل فهم نیست، آموزش و پرورش طبقاتی می‌شود. به طوری که فقط افراد متمکن و پولدار فرزندان خود را به یاری معلم خصوصی و کلاس‌های کنکوری و... آماده می‌کنند و شاید در حدود ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که از استعداد خدادادی بهره‌مند هستند، اما توان عبور از فیلتر کنکور را ندارند، چوب ناتوانی فراگیری کتاب‌های درسی و فقدان امکانات مالی خود را می‌خورند و به همین دلیل، به آرزوی خود و خانواده‌شان نمی‌رسند.

آموزش علوم با کیفیت برتر (۲)

چگونه می توانیم به آموزش علوم با کیفیتی برتر دست یابیم؟

تهیه و تنظیم: سعید قریشی



سؤال پرسیدن آنان و نیز نحوه شرکت آنها در بحث و گفت و گوهایی کلاسی تشخیص داد. پس معلم باید با ایجاد فرصت‌های مناسب برای درگیر شدن شاگردان با موضوع و بحث و گفت و گو و مطرح نمودن آنها را نشاناند.

و اما بحث اصلی ما: آموزش علوم با کیفیت برتر چیست؟ چرا باید آموزش علوم با کیفیت برتر داشته باشیم؟ چگونه می توان به آن دست یافت؟ این سؤالات از طرف استادان دوره مطرح شد. سپس با هدایت شیوه‌ای که توصیف می شود درس علوم آموزش داده شود. این جا هم با گروه‌های چهره‌ای در بحث و گفت و گوهایی گروهی کار آغاز شد. پرداختن و حاصل نظرات هر گروه توسط یکی از آنان در جمع حاضران مطرح شد و استادان نیز، در هر جا لازم بود، نکته‌ای را توضیح داده یا مطلبی را تکمیل و اصلاح می کردند. در اینجا حاصل نظرات تعدادی از گروه‌ها را در پاسخ سؤال اول می آوریم.

گروه شماره (۱): آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی است که دانش آموز در چرخه آموزش حضور مؤثر داشته باشد و معطوبه نباشد.

تغییرات حاصل در دانش آموزان معنی دار و ماندگار باشد.
موضوع پرورش افرادی شود که در شرایط مختلف

گزارشی از دومین روز برگزاری کارگاه آموزش علوم با کیفیت برتر (تیرماه ۱۳۷۹)

در شماره قبلی محله گزارش نخستین روز برگزاری کارگاه آموزش علوم با کیفیت برتر را خواندید. اینک گزارش دومین روز به شما تقدیم می شود.

در ابتدای جلسه و قبل از شروع بحث اصلی آقای جبلی - یکی از استادان نکته‌ای را یادآوری کرد که به جای خود اهمیت دارد و آن این که «آموزش مطلق علوم وقتی حاصل می شود که برای همه دانش آموزان صورت گیرد» به عبارت دیگر آموزش باید به گونه‌ای باشد که همه شاگردان کلاس به حد مناسبی مطلب را یاد بگیرند و آموزش خاص شاگردان زرنگ و باهوش نباشد. لازمه موفقیت در این امر بر توجه به تفاوت‌های فردی است. معلم موفق کسی است که متناسب با توان یادگیری دانش آموزان مختلف بتواند تدریس خود را سازماندهی کند. به عبارت دیگر نمی توان برای همه شاگردان یکسان تدریس کرد. زیرا همه شاگردان آن طور که معلم تدریس می کند یاد نمی گیرند بلکه معلم باید آن طور که آنها یاد می گیرند تدریس کند. استاد نام برده اشاره کرد که در امر یکا عبارتی مصطلح است که می گوید «هیچ چیز غیر عادلانه در این نیست که با افراد غیر یکسان، یکسان رفتار شود». تفاوت‌های فردی دانش آموزان را می توان از نحوه درگیر شدن آنها با موضوع، نحوه

عکس العمل های منطقی و خردمندانه بروز دهند .
- افرادی را تربیت کند که نسبت به جامعه ، انسان ها و محیط زیست احساس مسئولیت کنند .
گروه شماره (۲) : آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی است که در نتیجه آن :

- دانش آموز بتواند خود را ارزیابی کند .
- دانش آموز توانایی حل مسئله را در شرایط مختلف پیدا کند .
- دانش آموز به خلاقیت برسد .
- دانش آموز به علوم و دانشمندان احترام بگذارد .
- گروه شماره (۳) : آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی است که :
- برای همه شاگردان فراگیر باشد .
- علاقه دانش آموزان را به یادگیری برانگیزد .
- دانش آموز محور باشد .
- با امکانات محدود قابل اجرا باشد .
- مسائل واقعی زندگی را دربرگیرد .
- آموخته های آن در عمل به کار آید .
- شیوه ارزشیابی مناسب داشته باشد .

گروه شماره (۴) : آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی است که :
- متناسب با سن ، خواسته ها و علایق دانش آموزان باشد .
- واقع بینانه و قابل درک برای دانش آموزان باشد .
- دانش آموزان را برای زندگی آینده آماده کند .
- کنجکاوی و خلاقیت دانش آموزان را تحریک کند .
- ارزشیابی آن متناسب با هدف های پیش بینی شده باشد .
- کار گروهی و مسئولیت پذیری را تقویت کند .
- توانایی حل مسائل اجتماعی و محیطی و فردی را در دانش آموزان پرورش دهد .

- توانایی استدلال کردن ، ارتباط برقرار کردن و همکاری با دیگران را پرورش دهد .

گروه شماره (۵) : آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی این است که :
- به همه استانداردها ، به طور همه جانبه ، توجه کند (دانشی ها ، مهارت ها ، نگرش ها)

- دانش آموزان بتوانند بین اصول ، واقعیت ها ، پدیده ها و اعمال ارتباط برقرار کنند .

- دانش آموزان توانایی ارزیابی شواهد و مدارک را در هر پدیده و موضوع پیدا کنند و بتوانند موارد مرتبط و مناسب را برگزینند .

گروه شماره (۶) : آموزش علوم با کیفیت برتر آموزشی این است که :
- مهارت های ذهنی ، عملی و اجتماعی را تقویت کند .

- مرتبط با زندگی روزمره باشد .
- به تغییر رفتار در دانش آموزان منجر شود و قابل مشاهده باشد .
- به یادگیری مادام العمر منجر شود .

- دانش آموز بتواند آموخته ها را در موقعیت جدید به کار گیرد .
- موجب شود دانش آموز در برقراری ارتباط ، کار گروهی و مشورت پیش قدم شود .

- سبب شود معلم ، در ارزشیابی ، قبل از همه به خودسنجی توجه کند .

پس از این که گروه ها دیدگاه های خود را بیان کردند استادان دوره ضمن تأیید آنها و اظهار خوشحالی از این که بین نظرات کارشناسان و معلمان ایرانی و آنچه کارشناسان و معلمان علوم در کشورهای پیشرفته می اندیشند تا این حد شباهت و نزدیکی وجود دارد ، به تذکر برخی نکات و درنهایت جمع بندی و اظهارنظر خود پرداختند .

نکاتی که قبل از جمع بندی به آنها اشاره شد عبارت بودند از موارد زیر :

● میان «گفت و گو» و «بحث» تفاوت وجود دارد و هرکدام در جای خود کاربرد دارند ؛ در هنگام بحث هرکس سعی می کند از نظر خود دفاع کند و هیچ مطلب تازه ای به وجود نمی آید . اما در هنگام گفت و گو هرکس درصدد شنیدن و یاد گرفتن از دیگران است و قصد فخرفروشی به موقعیت و مقام خود را ندارد . این گفت و گو باید در کلاس های درس هم اتفاق بیفتد . شاگردان باید یاد بگیرند که از دیگران بیاموزند و دانسته های خود را با افزودن دانسته های دیگران بر آن ، تکمیل کنند .

● یکی از بزرگ ترین وظایف ما به عنوان معلم این است که شاگردان را ترغیب کنیم که خودشان یاد بگیرند و خودشان خودشان را ارتقاء بخشند . باید به آنها شهامت تغییر کردن و پیش رفتن بدهیم . همه انسان ها از بازخورد مثبت دیگران نسبت به خود خوششان می آید . معلم باید کاری کند که شاگردان این بازخورد مثبت را احساس کنند . او باید به شاگرد کمک کند که طعم موفقیت و پیشرفت را بچشد . در چنین شرایطی دانش آموز از درون متحول می شود و به یادگیری و پیشرفت خود علاقمند می گردد .

● همه ما به روش حل مسئله معتقدیم ، زیرا حل مسئله از روش های مهم آموزشی نه تنها در علوم بلکه در سایر دروس نیز هست . شاگردان باید یاد بگیرند که چگونه با یک مسئله روبرو شوند ، چگونه با آن درگیر شوند و چگونه آن را حل کنند . مسائل همیشه درسی و مدرسه ای نیست . مسائل زندگی نیز همین گونه است . معلم باید در تدریس شرایطی را به وجود آورد که شاگردان با «یک مسئله» روبرو شوند ، با آن درگیر شوند و بالاخره آن را حل کنند تا در این زمینه به مهارت دست یابند . تأکید بر روش حل مسئله نگاه جدیدی را به یاددهی - یادگیری طلب می کند که با روش های سنتی متفاوت است . به هر حال همواره باید توجه داشت که در امر تعلیم و تربیت این شاگرد است که مهم است . به عبارت دیگر ، ما همواره با یک فرد به نام شاگرد سر و کار داریم و در مقابل او مسئول هستیم . پس از ذکر نکات فوق ، استادان به

جمع بندی موعود پرداخته و نظرات خود را در مورد سؤال اول یعنی این سؤال که «آموزش علوم با کیفیت برتر چه ویژگی هایی دارد؟» به شرح زیر بیان داشتند:

■ شاگردان را با کارهای عملی، تحقیق و جست و جو و آزمایش درگیر می کند و آنها از این طریق آموزش می بینند.

■ با سایر موضوعات درسی مانند ریاضی، تکنولوژی و علوم اجتماعی مرتبط است.

■ به جای تکیه بر محفوظات خشک، بر کاربرد آموخته ها در عمل تأکید دارد.

■ متعهد به مرتبط ساختن مطالب درسی با زندگی است و به چیزهایی اهمیت می دهد که برای انسان مهم باشد و در عمل به کار آید.

■ از ابزارهای تکنولوژی در آموزش بهره می گیرد و به کمک آن یک شبکه یادگیری بین دانش آموزان ایجاد می کند.

■ از ارزشیابی به عنوان ابزاری برای تشخیص و درمان استفاده می کند نه به عنوان یک هدف.

■ در ارزشیابی از ابزارهای مختلف سنجش استفاده می کند (کتابی، شفاهی، چک لیست، کار عملی، پرونده تحصیلی).

■ برای همه شاگردان قابل دسترسی است (عدالت آموزشی).

■ به معلمان ارجح می دهد و از آنان حمایت می کند.

پس از اتمام گفت و گو پیرامون سؤال اول، سؤال دوم مورد بحث قرار گرفت - چرا باید آموزش علوم با کیفیت برتر داشته باشیم؟

باز هم به شیوه گفت و گو گروه های مختلف موضوع را مورد بحث قرار داده و جمع بندی نظرات خود را به شرح زیر بیان کردند:

گروه شماره (۱): باید آموزش علوم با کیفیت برتر داشته باشیم زیرا در نتیجه آن،

- دانش آموز آسان تر یاد می گیرد.

- دانش آموز به عنوان یک شهروند کارآمد تربیت می شود.

- دانش آموز برای شرایط حال و آینده تربیت می شود.

گروه شماره (۲): باید آموزش علوم با کیفیت برتر داشته باشیم زیرا - برای تربیت شهروند متعادل باید کودکان را رشد داد

- توجه به انگیزه سازی، توجه به حل مسئله و توجه به ساخت گرای

در یادگیری با فطرت کودک مناسب است.

- آمادگی برای شرایط متغیر و آموزش مادام العمر برای دانش آموزان ضروری است.

و اینها همه در نتیجه آموزش علوم با کیفیت برتر حاصل می شود.

گروه شماره (۳): داشتن آموزش علوم با کیفیت برتر ضروری

است زیرا:

- شاگردان باید برای جهان آینده تربیت شوند.

- دنیای کنونی دنیای اطلاعات است و دانش آموزان باید چگونگی

دسترسی به اطلاعات و استفاده از آن را به خوبی بیاموزند.

- دانش آموز باید بتواند مشکلات زندگی خود را حل کند.

گروه های ۴ و ۵ و ۶ در این مورد نظری ندادند. سپس یکی از استادان، ضمن تأیید نظرات اظهار شده از سوی گروه ها، سه دلیل

دیگر نیز، به شرح زیر، در مورد ضرورت داشتن آموزش علوم با کیفیت برتر بیان داشتند:

● امروزه اقتصاد ما به علوم وابسته است و هر اندازه در فراگیری و استفاده از علوم توانا تر باشیم وضعیت اقتصادی بهتری خواهیم داشت.

● امروزه رقابت در سراسر دنیا رو به افزایش است و کسی در این رقابت پیروز می شود که از نظر علم و تکنولوژی از دیگران جلوتر باشد.

● اطراف ما را محصولات مختلف علم و تکنولوژی پر کرده و شناخت و استفاده از آنها ضروری است.

پس از پایان بحث و گفت و گو در مورد سؤال دوم، نوبت به سؤال سوم رسید:

چگونه می توان به آموزش علوم با کیفیت برتر دست یافت؟

هریک از گروه ها پس از تبادل نظر با افراد خود، نظراتی را بیان کردند که در اینجا نظرات سه گروه را می آوریم.

گروه شماره (۱): برای دستیابی به آموزش علوم با کیفیت برتر باید:

- مسئولین برنامه ریزی به این موضوع اهمیت بیشتری بدهند.

- گروه های آموزش دهنده ورزیده تربیت شوند.

- دانشجو معلمان مراکز تربیت معلم با این شیوه ها آموزش ببینند.

- از رسانه های گروهی بیشتر استفاده شود.

- والدین نسبت به اهمیت موضوع توجه شوند.

- حمایت مادی و معنوی از معلمان به عمل آید.

- مدیران، معلمان راهنما و سایر دست اندرکاران همکاری کنند.

- معلمان کوشا و دلسور مورد تشویق قرار گیرند.

- ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با روش های جدید هماهنگ شود.

گروه شماره (۲): دستیابی به آموزش علوم با کیفیت برتر، با استفاده از این شیوه ها امکان پذیر است:

- فراهم کردن فرصت های متنوع برای کودکان؛

- حرکت از برنامه ریزی متمرکز به سمت غیرمتمرکز؛

- سرمایه گذاری مادی و معنوی برای تربیت معلمان ورزیده؛

گروه شماره (۳): برای دستیابی به آموزش علوم با کیفیت برتر باید - برنامه ریزی دقیق صورت گیرد و تمام اجزای آموزش به طرف

روش های جدید هدایت شود.

- اهداف روشن باشند.

- برنامه ها یا نیازهای دانش آموزان هماهنگ باشد.

- به نقش معلم و تجربه و توانایی او اهمیت لازم داده شود.

- نظام تربیت معلم به سمت تربیت معلمانی آشنا با روش های

جدید حرکت کند.

پس از اظهار نظر گروه ها، استادان مباحث را جمع بندی کرده و

نظرات خود را به شرح زیر به آنها اضافه کردند:

■ دسترسی به کیفیت برتر مستلزم پیشرفت دائمی است. اگر

پیشرفت دائمی و مستمر نباشد به کیفیت مطلوب نمی رسد. یکی از

عوامل مهمی که در پیشرفت دائمی نقش اصلی را دارد رهبری است.

رهبر نقش هدایت آموز را دارد و او است که به کارها جهت صحیح

می دهد. فرق رهبری و مدیریت این است که رهبر انسان ها را رهبری

می کند اما مدیر، مدیریت خود را بر اشیاء و عوامل دخیل در کار،

اعمال می کند. رهبری در همه سطوح مهم است؛ از سطح وزارت

گرفته تا سطح کلاس درس. مردم بر سه نوع اند: بعضی از آنها کار را

انجام می دهند، بعضی تماشا می کنند و بعضی از انجام کار تعجب

می کنند. ما باید از نوع اول باشیم.

■ برای ایجاد تحول باید سقف را پایین آورد و کف را بالا برد؛

یعنی باید بین سطوح بالای مدیریت و سطوح پایین اجرا رهبری

مشارکتی به وجود آورد. ما از بالای نوع رهبری را نیاز داریم و از پایین

هم به نوع دیگری از رهبری نیازمندیم. ما در سطوح پایین انسان های را

می خواهیم که بدون نظارت مافوق کار کنند. ارتباط نزدیک بین رهبران



سطح بالا و سطح پایین در پیشرفت امور بسیار مؤثر است. در همکاری

گروهی، یک به علاوه یک برابر دو نیست، بلکه بسیار بیشتر است،

زیرا آثار کار جمعی خیلی زیاد است و سود آن به همه می رسد.

■ عامل مهم دیگر در ایجاد تحول برای رسیدن به کیفیت مطلوب،

سرمایه گذاری درازمدت و داشتن صبر و حوصله و پشتکار است.

فعالیت های مختلف باید برنامه ریزی و زمان بندی شوند و انجام کارها

بر طبق برنامه زمان بندی و به ترتیب اولویت انجام گیرد. منابع را باید به

سمت هدف های اصلی هدایت کنیم تا حداکثر بهره وری را داشته

باشیم. البته محدودیت منابع به طور طبیعی ما را به این سمت

می کشاند، اما توجه آگاهانه خیلی مهم تر است.

■ یکی دیگر از عوامل مهم در جهت تحول و پیشرفت، ایجاد

ارتباطات مناسب بین دست اندرکاران تمام سطوح است. باید از همه

وسایل برای ایجاد ارتباط بین همه عوامل به خوبی استفاده کرد. ارتباط

مدیر با معلم، معلم با معلم، معلم با شاگرد، معلم با خانواده و ...

بی اطلاعی دست اندرکاران از جریان کلی امور و کار کردن به صورت

پراکنده و بدون هماهنگی و ارتباط با دیگران زحمات و تلاش ها را بی ثمر

می گذارد.

■ عامل مهم دیگر در دستیابی به موفقیت حمایت سازمانی از

معلمان و مجریان است. اگر معلمان و مجریان احساس کنند که کسی

پشتیبان آنها نیست و در مشکلات تنها خواهند ماند، انگیزه لازم را

برای پذیرش بار سنگین ایجاد تحول نخواهند داشت و کار به ثمر نخواهد

رسید. سیستم تشویق و حمایت باید به گونه ای باشد که همه را در حد

خود به کارشان دلگرم و امیدوار سازد و تحمل سختی ها را بر آنان راحت

و هموار نماید.

■ تربیت نیروی انسانی توانا و آماده کردن آن همگام با تحولات،

یکی دیگر از عناصر مهم در ایجاد تحول است. بی اطلاعی و ناتوانی

مجموعه عوامل دست اندر کار نسبت به نقش و وظیفه خود، آنها را با

نوعی دلهره و بی اعتمادی نسبت به خود روبه رو می کند و چنین کسانی

قادر نخواهند بود تحول را پیش ببرند، بلکه خود به عنوان مانعی بر

سر راه آن قرار خواهند گرفت. همواره تحولات باید به طور

سیستماتیک و هماهنگ انجام گیرد. وقتی کتاب و برنامه تغییر می کند

باید به موازات آن روش تدریس، امکانات محیط آموزشی، تجهیزات

و وسایل، شیوه ارزشیابی و ... نیز تغییر یابد و همه با هم هماهنگ

عمل کنند.

■ و بالاخره این که، برای رسیدن به هدف باید تلاش کرد؛ نباید

هدف را پایین آورد، بلکه باید موانع را از سر راه برداشت. بعضی ها

به جای تلاش، هدف را تنزل می دهند. ما اصطلاحی داریم که می گوید

سعی کنید موانع بزرگ را به مسائل جزئی تبدیل کنید. امید است شما

هم بتوانید چنین کنید.

تجربه‌ای کوچک ... نتیجه‌ای ماندگار

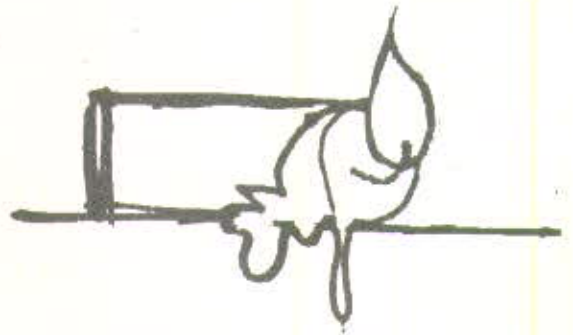
به کوشش: سهیلا نیک نژاد با همکاری شیبا ملک



آماده نبودم. شمع را روشن کردم و از دانش آموزان پرسیدم: اگر یک قطعه یخ را در ظرفی در این اتاق بگذاریم چه پدیده‌ای رخ می‌دهد؟ همگی پاسخ دادند: یخ ذوب می‌شود. سپس پرسیدم: اگر یک قطره شمع مایع در ظرف بریزد، چه می‌شود؟ این بار همگی پاسخ دادند که جامد می‌شود (پدیده انجماد) پرسیدم فکر کنید در یک پدیده گرماگیر است یا گرماده؟ انجماد چطور؟

معمولاً وقتی دانش آموزان کلاس دوم راهمایی به موضوع پدیده‌های گرماده و گرماگیر می‌رسند نیاز دارند که آزمایش‌های متعددی در این زمینه انجام دهند تا مسئله برایشان ملموس و به تجربه اثبات شود. من برای آن که به این نیاز آنها، در این موضوع پاسخ مثبت داده باشم، تصمیم گرفتم آزمایش زیر را انجام دهم:

ابتدا قطعات کوچک زیادی یخ تهیه کردم و یک عدد شمع هم



آن‌گاه از آنها خواستم منتظر و آماده مشاهده و انجام آزمایش باشند. همین‌که آنها مشغول فکر کردن شدند، با همکاری بر سر میزهای بچه‌ها حاضر شدیم، او در کف دست راست هر دانش‌آموز یک قطعه کوچک یخ می‌گذاشت و من، هم‌زمان، در کف دست چپ همان دانش‌آموز یک قطعه شمع مذاب می‌چکاندم. ابتدا بچه‌ها از این آزمایش تعجب کردند، حتی بعضی‌ها حاضر نبودند شمع مذاب در دستشان ریخته شود و هیجان‌زده بودند. اما بعد از چند دقیقه، تقاضای بچه‌ها برای تکرار آزمایش شمع مرتباً بیشتر می‌شد که البته ما هم به درخواست‌های آنها پاسخ می‌دادیم.

من معمولاً بعد از هر مشاهده و آزمایشی، از بچه‌ها می‌خواهم که آن تجربه را با انشا و قلم خودشان و با تکیه بر تجربه شخصی خود، در دفتر علوم ثبت کنند. با توجه به این سابقه بعضی از آنها که بیشتر اهل ذوق و ابتکار بودند، خواستار فطرات اضافی شمع بودند تا آن‌ها را پس از انجماد، در دفتر خود به عنوان شاهد آزمایش بچسبانند. به زودی این ابتکار، طرفداران بیشتری پیدا کرد و کلاس غرق در شادی و هیجان تجربه و آزمایش شد.

چند دقیقه دیگر هم صبر کردم و وقتی مطمئن شدم که همه بچه‌ها تجربه ذوب یخ و انجماد شمع مذاب را در دست‌های خود احساس کرده‌اند، خواستم که احساس و تجربه خود را درباره گرماده یا گرماگیر بودن آن پدیده‌ها بیان کنند. نتیجه آزمایش برای همه بچه‌ها روشن و یکسان بود. گویی همه آنها یک صدا این جملات را بر زبان می‌آوردند: «وقتی یخ در دست من ذوب می‌شود، احساس سرما می‌کنم. یعنی پدیده ذوب، یک پدیده گرماگیر است و وقتی شمع مذاب در دست من منجمد می‌شود، احساس گرمای نسبتاً زیاد می‌کنم، یعنی پدیده انجماد یک پدیده گرماده است.»

این آزمایش‌ها، آن قدر برای همه بچه‌ها جالب و هیجان‌انگیز شده بود که حتی بعد از آن‌که نوشتن گزارش خود را به پایان رساندند، باز مشغول صحبت درباره آن بودند، البته این تجربه برای خود ما هم خیلی جالب و به یادماندنی شده بود، مطمئنم که دانش‌آموزانم هم هرگز این خاطره و این موضوع علمی را فراموش نخواهند کرد!



گالیله، پدر عصر جدید!

کشمکش بین گالیله و محکمه تفتیش عقاید، صرفاً کشمکش بین اندیشه آزاد و تعصب یا بین علم و دین نبود. بلکه کشمکش بین روح استقرآء و روح قیاس بود. حصول دانش مشکل است، زیرا که با پنداره‌های آرزومندانه سرناسازگاری دارد. آشنایی اندکی که با دانش راستین حاصل آید، از میزان قابل حصول بودن پندارها می‌کاهد. در واقع تحصیل دانش، حتی مشکل‌تر از آن است که گالیله تصور می‌کرد. با این حال، در راه تحصیل دانش که هم تا حد امکان مصون از خطا و هم کلی باشد، گالیله نخستین گام بزرگ را برداشت. از این رو باید او را پدر عصر جدید دانست. همه پدیده‌های عصری که حیات ما را بر گرفته است، چه بخواهیم و چه نخواهیم، اعم از افزایش جمعیت، پیشرفت، بهداشت، وجود ترن‌ها و اتومبیل‌ها، رادیو و سیاست و آگهی‌های تبلیغاتی صابون‌فروشان، همه از گالیله ناشی می‌شوند. اگر محکمه تفتیش عقاید موفق می‌شد که او را نشکفته بریر کند ما امروز نه از موهبت! جنگ‌های هوایی و بمب‌های اتمی بهره‌مند بودیم و نه از کاهش فقر و مرض که از خصال بارز عصر ما هستند.

شبهه برخی از مکاتب جامعه‌شناسی بر این جاری است که اهمیت ذکاوت فرد (نقش شخصیت در روند پویایی جامعه) را به حداقل کاهش دهند و همه رویدادهای بزرگ را به عوامل وسیع و رای فرد منسوب دارند؛ ولی من اعتقاد دارم که این طرز فکر کاملاً خطاست. به نظر من اگر یکصد تن از مردان قرن هفدهم در کودکی کشته می‌شدند، دنیای جدیدی وجود نداشت؛ و گالیله سرآمد این یک صد تن است.

برتراند راسل (جهان‌بینی علمی)

شود کسی است که از میدان امام خمینی به آن میدان بر چاه آب عبور کند و نظرش به میراث دانشگاه خلیفۃ احمد که در این میدان است جلبش فرود می‌آید. واقع است حسب مشهور آن که به ورود به داخل دانشگاه و دیدن آن فضای آسایش و محبت و آغوش خیرت و شفقت می‌گردد. این دانشگاه که اکنون ۵۵ سال از تأسیس آن می‌گذرد، محله‌های آنرا استاد سید علی اکبر صنعی است. هم‌زمانی که به نهاد در عرصه‌های تخصصی و بلخ در عرصه‌های انسانی بود تا به امروز است. در این مقاله کوشش شده است برای اصلاح جوانان عزیز مجتهد، بویژه ذی‌ربانان عزیز، با نگاهی کوتاه به سده شرح داده شود از سیر گذشتہ زندگی سید علی اکبر صنعی. ذی‌ربانان رشته‌های دیگر هم می‌توانند به فراخور ذوق خود استفاده ببرند.

قبل از پرداختن به زندگی استاد علی اکبر صنعی، باید از یک حجاج علی اکبر صنعی دیگر یاد شود. چون سر نوشت خدایه به طور اجتناب‌ناپذیری به زندگی آن مرده بسته است. حجاج علی اکبر صنعی مردی خیرالعین و روشن کرد و با ذکاوت از اهالی کربلا بود که کارگاه باطنی داشت و از این طریق جمعی از خاندان‌ها را به کار می‌گرفت و زندگی آنها را تأمین می‌کرد. از او نقل شده اند که در مسیر بازگشت از سفر حج و ایستادن در استناب، به توصیه و همراهی میراث‌داران کربلا و سید جمال الدین سیدانلی می‌رود. در این دیدار، سیدانلی و آژاده که در شور و هیولانی می‌بردند با دستگاه مملکت نامبری بوده، در پاسخ حاجی، که از طریق چگونه ایستادند و اسباب رسیدن و عبادت خدا را پندارده است، می‌گوید: چون

تو در عالم هستی، به ولایت (کربلا) برگرد و کعبه به یاری محرومان و سبویان بساز. یادت باشد که اعدادت، به جر خدمت خلق بست *

به این ترتیب حجاج علی اکبر بعد از بازگشت به کربلا، برای عمل به وظیفه دینی خود با یاری چند نفر از افراد بیکوکار، شروع به ساختن پیر و رشکده می‌کند. از آن وقت، تک قطعه ایسی ده هزار متری در کربلا وجود داشت که قصد داشتند در آن میدان بسازند. او به مسئولین شهر می‌گوید این زمین را به من بدهند. در عرض قول می‌دهم کاری نکنم که اصلاً یاری به زندان نباشد. چون عهده همین طفلان پیشه و بی سرپرست هستند که نزد و جانیگار می‌شوند. مسئولان شهر می‌پذیرند و سرانجام به همت آن مرده بزرگ، پیر و رشکده‌ها در آن زمین ساخته می‌شود.

سید علی اکبر صنعی

نقاش، مجسمه‌ساز، انسان

شهباز واقعی نژاد



حاجی در کنار پرورشگاه یک کارگاه پارچه بافی هم درست می‌کند تا بچه‌ها، نصف روز درس بخوانند و نصف روز کار کنند. او چون دست‌اندرکار صنعت پارچه بافی بود، نام خانوادگی خودش را هم «صنعتی» انتخاب کرده بود.

استاد سیدعلی اکبر صنعتی از پرورش یافتگان همان پرورشگاه است. وی در سال ۱۲۹۵ در کرمان متولد شد. پدرش که در اثر ظلم زورمندان منطقه سیرجان زمین خود را از دست داده بود، از کرمان به بندرعباس می‌رفت و با آوردن اجناسی از آنجا و فروش آنها به مردم، روزگار را می‌گذراند. اما در همین مسیر دچار بیماری طاعون شد و درگذشت و سیدعلی اکبر شش ساله را با مادرش «بی بی» تنها گذاشت. بی بی ناچار شد از آن پس خودش کار کند و از راه نخ رسی با چرخ دستی، روزگار را بگذراند. فشار زندگی چنان بود که او مجبور شد فرزند دلپندش - علی اکبر - را در هشت سالگی به یتیم‌خانه یا پرورشگاه حاج علی اکبر بسپارد و چنین کرد. این کودک یتیم از همان آغاز تحت تأثیر ملاحظت‌ها و روحیه انسانی حاج علی اکبر قرار گرفت و رشد کرد، به طوری که در اندک مدتی توانست شخصیتی پیدا کند و روی پای خود بایستد.

سیدعلی اکبر، در نقاشی استعدادی داشت که در پرورشگاه و با هدایت و راهنمایی حاج علی اکبر صنعتی آغاز به شکفتن کرد و در سال‌های بعد در مدرسه صنایع مستظرفه کمال الملک، در تهران، به شکوفایی کامل رسید. نقطه آغاز این شکوفایی روزی بود که وی با زغال روی دیوار سفید پرورشگاه تصویر چند گل لاله عباسی کشید. این کار او نخست سرزنش و توبیخ سرپرست پرورشگاه را به دنبال داشت، ولی چون خبر به حاج علی اکبر رسید، او نه تنها وی را توبیخ نکرد بلکه تشویق هم کرد و برایش قلم و کاغذ و مداد رنگی خرید و او را به کشیدن نقاشی‌های بیشتر ترغیب کرد. از آن



موقع، دیگر بچه‌ها او را «سیدعلی اکبر نقاش» صدا زدند.

علی اکبر و دیگر بچه‌های پرورشگاه نام خانوادگی نداشتند. اما چون حاج علی اکبر می‌خواست چند نفر از آنها را به مدرسه بفرستد تا باسواد شوند، نام خانوادگی خود را روی آنها گذاشت تا بتوانند در مدرسه ثبت نام کنند. بدین ترتیب بود که «سیدعلی اکبر نقاش»، در مدرسه با نام «سیدعلی اکبر صنعتی» ثبت نام کرد و مشغول درس شد. در مدرسه، معلمان استعداد و ذوق هنری کودک را درک نکردند و دائماً او را سرزنش می‌کردند که چرا به جای درس خواندن، نقاشی می‌کشد. اما حمایت‌های حاج علی اکبر از او سبب شدوی در هنرآفرینی خود دل‌سرد نشود و کار را ادامه دهد. به هر حال، دوره ابتدایی را به پایان رسانده بود که بر حسب اتفاق عکسی از نقاشی «تالار آینه» اثر کمال الملک را دید و نام این هنرمند پرآوازه را برای اولین بار شنید، و چون عکاس شهر کرمان به او گفت که «در تهران مدرسه صنایع مستظرفه‌ای وجود دارد که کمال الملک آن را سرپرستی و اداره می‌کند» تصمیم گرفت خود را به تهران برساند و در آن مدرسه در رشته نقاشی تحصیل کند. در این زمان حاج علی اکبر هم به او مساعدت کرد تا به تهران برود و بدین منظور، سیدعلی اکبر را

به فرزند خود عبدالحسین صنعتی؛ که در تهران بود، معرفی کرد. سیدعلی اکبر خود را به تهران رساند و با عبدالحسین صنعتی به مدرسه کمال الملک رفت. اما چون شنید که دو سال است کمال الملک مدرسه را رها کرده و به نیشابور رفته است و دیگر کار نمی‌کند، بسیار تأسف خورد و ناچار شد نزد استاد حسین طاهرزاده بهزاد، یکی از استادان آن مدرسه، نقاشی مینیاتور بیاموزد. مشغول کار شد ولی پیش از آن که به مینیاتور علاقه نشان دهد، به نقاشی واقع‌گرا و نیز مجسمه‌سازی رغبت نشان می‌داد و این موضوع را با بهزاد در میان گذاشت. بهزاد او را درک کرد و به او گفت که پس بهتر است نزد ابوالحسن خان صدیقی، که به تازگی از اروپا برگشته و در فن مجسمه‌سازی استاده شده بود، مجسمه‌سازی بیاموزد. بهزاد خودش دست سیدعلی اکبر را در دست ابوالحسن خان گذاشت و سفارش او را نیز کرد.

شاگردی در محضر ابوالحسن صدیقی، جنبه دیگری از استعداد خارق‌العاده سیدعلی اکبر را شکوفا کرد و آن مجسمه‌سازی بود. در همین ایام سیدعلی اکبر در مدرسه، دوستانی نیز یافت که هر یک از آنها بعداً در کار خود استادی نام‌آور شدند: علی محمد حیدریان، حسین شیخ، اسماعیل آشتیانی، حسنعلی وزیری، علی رخساز و... حضور در جمع این دوستان به شکوفایی بیشتر وی انجامید، چنان‌که هنر موزاییک را از علی رخساز یاد گرفت.

با رونق گرفتن کارش در تهران، علی اکبر مادر خود را نیز به تهران آورد و از آن پس مادر و پسر در کنار یکدیگر به زندگی ادامه دادند. یک سال او تصمیم گرفت با مادرش سفری به مشهد بکند و در ضمن زیارت حضرت رضا(ع)، در نیشابور به دیدار کمال الملک برود. توصیفی که او از استاد استادان نقاشی ایران یعنی کمال الملک، در این دیدار، کرده، شنیدنی است: «... وقت خوردن ناهار که

رسید، پیش خدمت سفره‌ای مقابل استاد، کف اتاق پهن کرد. یک سیبی گرد پلو و یک ظرف آبگوشت و کاسه‌ای هم‌مسالت و مقداری نان محلی. استاد مرا به خوردن ناهار دعوت کردند و با خنده گفتند: امروز را غذای ساده بخورید. این جاده است اما امکان پذیرایی مختصر است. عرض کردم: از سر من هم زیاد است استاد. بعد از ناهار گفتند: دوست داری با هم کمی در باغ قدم بزنیم؟ گوشه باغ چند درخت انگور نشانده‌ام. امسال حسایی به ثمر رسیده؛ به یک سار دیدایش می‌آرد. پای درختان انگور که رسیدیم، استاد در هر چند قدم با خوشحالی خوشه‌های سبکی از انگور به دست می‌گرفتند و بعد شروع به تعریف از انگورهای می‌کردند. می‌گفتند: هر کدام از این خوشه‌های انگور مثل یک نابول نقاشی من برایم عزیز است. پای آن‌ها خیلی زحمت کشیده‌ام. آدم وقتی دیگر قادر نباشد نقاشی کند، باید موشل به نمایش نقاشی‌های عالم حقت شود. هر طرف را که نگاه کنی، بی‌شمار تنبوه‌های زیبای اعجاز را بگیر می‌بینی.

سیدعلی اکبر چندان در کرمان ماند و باز دیگر به تهران بازگشت و به کار ادامه داد. در تهران نیز عبدالحسین صنعتی، بنیم‌خانه‌ای دایر کرده بود و سیدعلی اکبر را به کمک خواست و او نیز پذیرفت. وی در تهران مجسمه‌های بسیاری ساخت: امردیگاز و خانه‌ها و... از زمان در سنه ۱۳۱۹ پس از پنج ریس او... مجسمه‌هایی که همگی بنا بر نمایی گوشه‌ای از زندگی فقرا و محرومین اجتماع بود. این توجه‌ای بود که وی از مریی خود خارج نمی‌کرد. به یاد داشت که هنگام فرستادن او به تهران گفته بود: استاد، اکبر، تو باید با نقاشی هیت به افشای درد محرومان و ستمدیدگان جامعه ات پی‌داری. نباید دنبال ذوق و سرگرمی خودت باشی! یک نقاش می‌تواند، مثل یک خطیب نتواند، تنها نقاشی هایش جامعه را اندازد کند.

سیدعلی اکبر در سال ۱۳۱۹ بنیاس نقاشی خود را با درجه ممتاز از مدرسه کمال‌الملک گرفت و به کرمان بازگشت تا به کودکان بنیم‌خانه‌ای که خود در آن پرورش یافته بود، خدمتی بکند. او در بنیم‌خانه برای چهل نفر از بچه‌ها کلاس آموزش نقاشی دایر کرد و در کم‌تر از یک سال توانست از نقاشی‌های بچه‌ها نمایشگاهی برپا کند و مردم را به دیدن آن دعوت کند. و همچنین مجسمه‌هایی، و از جمله مجسمه‌ای از حاج علی اکبر صنعتی، که در این زمان فوت شده بود، ساخت و در محوطه بنیم‌خانه گذاشت که مردم را بسیار تحت تأثیر قرار داد. تا جایی که عده‌ای می‌آمدند و در کنار مجسمه برای حاجی فاتحه می‌خواندند و بعضی خانواده‌ها نیز در کنار آن ساطع ناهار پهن می‌کردند.



استاد علی اکبر صنعتی

است که با سستی آن را سرده‌می‌تیرین و تأثیرگذارترین نمایشگاه ایران به شمار آورد. نمایشگاهی که به تنها اثر اعجاز مورد استقبال وسیع و پرشور مردم در آن گرفت بلکه هنوز هم مایه‌ی یکی از دیدنی‌ترین موزه‌ها و نمایشگاه‌ها باشد از اسناد نمایشگاه دیگری نیز در میدان راه‌آهن تهران برپا شده بود که تا سال ۱۳۲۵ عبدالحسین صنعتی دایر بود و بعد به دلیلی که خواهریه گفت، از سر رفت. در آن نمایشگاه مجسمه‌هایی از ملک‌شعبان بهار، عارف فروبی، شامه‌آجر (حضرت عیسی)، صحنه قتل امیر کبیر و آثاری دیگر به

استاد سیدعلی اکبر صنعتی در سال ۱۳۲۵ مجموعه‌ای از نقاشی‌های و مجسمه‌های خود را در حب همان بنیم‌خانه که زیر نظر سیرمان شیر و خورشید سرخ ایران (هلال‌احمر کنونی) قرار گرفته بود، به نمایش گذاشت. آن همان است که گفته‌ام، امروز در میدان امام خمینی تهران، توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند؛ و این نمایشگاهی

نمایش درآمده بود، ولی امروز اثری از آنها باقی نیست. ماجرا از این قرار بود که استاد به اقتضای شرایط زمانه و نیز تحمیل مسئولان امر مجسمه‌هایی هم از رضاشاه، محمدرضا شاه و دکتر مصدق ساخته بود که در کنار سایر آثارش در معرض دید مردم قرار داشت. هنگامی که در سال ۱۳۳۲ وقایع منجر به کودتای ۲۸ مرداد پیش آمد و محمدرضا به اروپا گریخت، مخالفان او به نمایشگاه ریخته و مجسمه او و پدرش را شکستند و از بین بردند. چند روز بعد که ورق برگشت و دولت ملی دکتر مصدق سرنگون شد، این بار مخالفان دکتر مصدق بودند که به



نمایشگاه آمدند و مجسمه او را از بین بردند و به دیگر مجسمه‌ها نیز آسیب رساندند. و اما ماجرای نمایشگاه راه‌آهن این بود که چون در سال ۱۳۵۲ عبدالحسین صنعتی درگذشت، ورثه او، ساختمان نمایشگاه را که متعلق به عبدالحسین بود، تعطیل کردند و در آن را قفل زدند و بدون توجه به نظر استاد، مجسمه‌ها را زندانی کردند. چند سال گذشت تا این که در شلوغی‌های دوره انقلاب، عده‌ای نادان و سوجو، به طمع تصرف ساختمان، قفل آن را شکستند و با تیشه و تبر به جان مجسمه‌ها افتادند و آن‌ها را خرد کردند و بیرون ریختند و بدین ترتیب قسمت مهمی از آثار ارزشمند استاد را نابود کردند. با این کار نه تنها آثار ذقیمتی از بین رفت بلکه بر روح استاد هنرمند نیز ضربه‌ای کوبنده وارد آورد.

یکی از ویژگی‌های استاد این است که وی هنر خود را نه تنها به دیگران بلکه به سه پسرش محمد، احمد و محمود نیز آموزش داده است. به طوری که این سه فرزند برومند نیز آثار نقاشی در خور توجهی آفریده‌اند و بدین ترتیب پا در جای پای پدر گذاشته‌اند. سخن آخر این که استاد علی اکبر صنعتی، در سه زمینه نقاشی، مجسمه‌سازی و موزاییک، به بازآفرینی چهره‌های متعددی از شخصیت‌های تاریخی ایران و جهان اقدام



کرده است. چهره‌هایی چون فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، امیرکبیر، قائم مقام فراهانی، ستارخان، بافرخان، سیدحسن مدرس، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله سیدرضا فیروزآبادی، حاج ملاهادی سبزواری، ملک الشعرای بهار، علی‌اکبر دهخدا، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، محمد زکریای رازی، بوعلی سینا، گاندی، نهری، پاستور، ویکتور هوگو، آلبرت شوایتزر، جلال آل‌احمد، دکتر مصدق، نیما یوشیج، دکتر حسینی، کمال‌الملک، شاه‌عباس، نادرشاه، عارف قزوینی و فیاض همدانی.

ناگفته نگذاریم که در سال ۱۳۵۶ به کوشش همایون صنعتی‌زاده، نوه حاج علی اکبر، یتیم‌خانه یا پرورشگاه کرمان را به موزه‌ای تبدیل کردند و نام آن را «موزه صنعتی» گذاشتند. در این موزه، تعدادی از مجسمه‌ها و تابلوهای استاد و نیز نمونه‌هایی از نقاشی‌های کمال‌الملک و شاگردان او به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه یا موزه اکنون در کرمان برجاست.

آنچه خواندید گزارشی کوتاه از زندگی مردی است که اکنون نهمین دهه زندگی خود را می‌گذراند؛ زندگی‌ای که می‌تواند برای هرکس درس آموز و شنیدنی باشد، بویژه برای کودکانی که از نعمت پدر محروم‌اند و نیاز به اسوه‌ها یا الگوهای دارند که آنها را سرمشق راه زندگی خود قرار دهند. سلام بر او و بر مری بزرگوار او حاج علی اکبر صنعتی و سلام بر همه هنرمندانی که هنر خود را جان‌مایه خدمت به انسان‌ها قرار می‌دهند.

زیرنویس

* این مقاله با استفاده از کتاب شور عشق (از انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۷۶، با پیش‌گفتار هادی سیف) و کتاب علی اکبر صنعتی (نوشته حبیب یوسف‌زاده، از انتشارات دفتر انتشارات کمک‌آموزشی) تهیه شده است. عکس‌ها نیز از کتاب شور عشق انتخاب گردیده است.



اساره: در شماره ۱۳ این مجله (بهار ۱۳۷۶) مقاله‌ای به جاب رساندیم با عنوان «یادانش آموزان مصری در کلاس تاریخ» که ترجمه‌ای بود از درس سوم کتاب «وطنی مصر». کتاب تاریخ دانش آموزان سال اول راهنمایی در کشور مصر، اخیراً مقاله دیگری در همان موضوع به دستمان رسید، البته با رویکردی متفاوت، که لازم دیدیم آن را نیز چاپ کنیم. مقاله را آقای اکبر حسامی - دبیر تاریخ زرین شهر - از استان اصفهان - فرستاده و اظهار داشته‌اند که در طی مأموریت دوساله در کشور قطر، کتاب «وطنی مصر الزمان والمکان» [جاب حیدر وطنی مصر] را دیده و آن را در این مقاله با کتاب تاریخ اول راهنمایی کشورمان مقایسه کرده‌اند. مقاله انسان ارزشمند است و می‌تواند برای معلمان و مؤلفان ما، یوبه‌د برای

هیچ درسی به اندازه «درس تاریخ» محقق و عمده کاربندی به دست متهم نشده است؛ اگر چه این اتهام عمدتاً از سوی افراد ناآشنا با موهبت فرهنگی و بی‌اطلاع از جایگاه «درس تاریخ» مطرح می‌شود. با این حال نباید فراموش کرد که شیوه تاریخ نگاری و تدوین کتاب‌های درسی و عوامل پیدا و پنهان بی‌شمار آن در ایجاد این ذهنیت بی‌تأثیر نبوده است. در مورد اهمیت مطالعه تاریخ و روش تارخ سوبسی برای دانش آموزان گفته‌ها و نظریات متعددی ارائه شده است، از آن جمله دکتر عسی صدیق عقیده دارد:

«برای پرورش قوای روحی دانش آموز و تهذیب اخلاق و تقویت وجدان او و نیز ایجاد حس وطن دوستی در وی، آموختن تاریخ نه تنها سودمند بلکه لازم است. تاریخ علم یا درسی است که حس کنجکاوی

درس تاریخ در مصر

اکبر حسامی

را فرو می‌نشاند و منشأ پیدایش نهادها و مؤسسات اجتماعی و طرز زندگی و آداب و رسوم ملت با ملت‌ها را روشن می‌سازد. در آموزش تاریخ باید بیشتر به آن حسه پرداخت که سیمای واقعی مردم و کشور را در زمان گذشته نشان می‌دهد؛ از قبیل طرز زندگی مردم، وسایل گذران و آداب و رسوم آن‌ها، سازمان آموزش و پرورش، علوم و ادبیات، هنرهای زیبا، راه‌ها و پیشه‌ها و کارها و آسایش یا ناآراحتی ملت، آزادی و میزان امنیت و عدالت. طبقات خلق و حدود آن‌ها» مؤلفین محترم کتاب تاریخ سال اول راهنمایی نیز درباره اهمیت دادن به مباحث تاریخی چنین اظهار نظر کرده‌اند:

«در مطالعه تاریخ «باید» به وضع زندگی اجتماعی و تغییرات جامعه انسانی بیشتر توجه داشته باشند، زیرا آشنایی با زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ، شناخت بهتر و بیشتر جامعه کنونی را ممکن می‌سازد» اما این «باید» فقط در ابتدای کتاب مطرح شده و هر چند بسط بر اکتله مطلب قابل توجه دیگری در این باره دیده می‌شود.

سیاستگزاران تألیف کتب درسی، قابل استفاده باشد. ضمناً مقاله، به نظر ما، مقاله این پیام پنهان را هم دربردارد که «اگر دبیران ما که هرساله جمعی از آنان به کشورهای مختلف جهان اعزام می‌شوند، همت کنند و تجربه‌های غنی و آموزشی خود را از آموزش و پرورش کشور مقصد به هر نحو ممکن - و ترجیحاً به صورت مقالاتی مشابه این مقاله - برای هم و مضامین خود به ارمغان بیاورند تا چه اندازه به آموزش و پرورش کشور خود خدمت کرده‌اند.»

لازم به یادآوری است که دانش آموزان مصری در دوره راهنمایی تحصیلی سه رنگ ۴۵ دقیقه‌ای (سه ساعت) درس تاریخ و جغرافیا دارند و مطالب کتاب درسی آنها، در دو بخش مجزا، در یک کتاب تألیف شده است؛ آنها تعلیمات اجتماعی را فقط در دوره متوسطه و با نام «تربیت منی و قومی» می‌خوانند. باتشکر از آقای حسامی توجه شما را به مطالعه مقاله جلب می‌کنیم.

رشید

تاریخ سال اول راهنمایی کشور مصر - همانند بخشی از تاریخ سال اول راهنمایی کشور ایران - مربوط به تمدن مصر باستان است. نویسندگان این کتاب که به نظر می‌رسد تألیف مطلوبی را ایجاد کرده‌اند توانسته‌اند روح و وطن‌دوستی، خداپرستی و تلاش برای توسعه و پیشرفت کشور را در دانش‌آموزان تقویت کنند.

درس تاریخ دانش‌آموزان مصری با توضیح عصر ماقبل تاریخ و دوره‌های آن، به صورت مختصر، آغاز می‌شود. در این درس دانش‌آموزان با عصر حجر قدیم، عصر حجر جدید، عصر آهن و پیشرفت‌های انسان در این دوران آشنا می‌شوند؛ درحالی‌که در کتاب تاریخ سال اول راهنمایی ما به یکباره انسان کوچ‌نشین روستانشین شده و مشخص نیست که چگونه و از چه زمانی به پیشرفت‌های بزرگ و اختراع وسایل نایل آمده است.

در کتاب تاریخ مصر، از همان درس اول، روند تکاملی پرستش که نهایتاً به یکتاپرستی منجر می‌شود دنبال شده و دانش‌آموز ضمن دریافت مفاهیم ارائه شده، دلیل یکتاپرستی مصریان را درمی‌یابد درحالی‌که در کتاب‌های ما، با وجود نزدیک‌تر بودن دین زردشتی به ادیان توحیدی، اصولاً بانگاهی تردیدآمیز به این آیین نگریسته و در این کتاب‌ها روند مذکور در کتاب مصر به هیچ عنوان دنبال نمی‌شود.

توجه به شرایط اقلیمی مصر و کم‌آبی این کشور از دید مؤلفان مخفی نمانده، و آنان، ضمن بیان متنی از متون کهن، جایگاه رود نیل را برای فراگیران بدین شرح تشریح می‌کنند:

«سلام بر تو ای نیل، ای که با آبت زمین مصر و مخلوقات و گیاهان آن زنده‌اند و سلام بر تو ای خدای خیر و ای خدایی که صحرا را با آبت آبیاری می‌کنی. اگر آب را از ما دریغ کنی دل‌ها پریشان و ارواح هلاک می‌شوند اما اگر نه، ارواح در آسایش و گل‌ها می‌شکفند»

اما با توجه به کم‌آبی و خشکی ایران و مشابهت آن با مصر، در تاریخ سال اول راهنمایی و سایر کتاب‌های تاریخ به این نکات توجهی نشده است.

در فصل سوم کتاب تاریخ مصر، ضمن بیان بخشی از یک کتیبه تاریخی درباره سنوسرت (یکی از پادشاهان مصری) آمده است:

«این مرز کشور من است که هیچ انسانی از آن عبور نکند. هر کس جانشین من شد و این مرزها را بدون نگهداشتن حق ندارید او را به من نسبت دهید - من نشان خود را در این جا قرار دادم نه برای این که آن را پرستش کنید بلکه به آن دلیل که برای آن بجنگید و از آن دفاع کنید»

سپس در زیر این متن سؤالانی بدین شرح طرح شده است:
الف) نظر شما درباره شخصیت سنوسرت چیست؟
ب) درباره این که حمایت و دفاع از مرزهای کشور کاری مقدس است نتیجه‌گیری کنید.

درباره حمله بیگانگان و تصرف وطن که ممکن است برای هر کشوری اتفاق افتد در کتاب مصر و در رابطه با جنگ مصریان و



آنچه در بخش اول این نوشتار قابل توجه است، جایگاه کتاب‌های درسی تاریخ در ادراک دانش‌آموزان از مباحث تاریخی است. ناسپاسی است اگر اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر را که برای بهبود کتاب‌های درسی صورت گرفته است نادیده انگاریم، اما این هم هست که میان آنچه هست و آنچه باید باشد فاصله زیادی مشاهده می‌شود.

برای بررسی کتاب‌های تاریخ بهتر است، به عنوان نمونه، کتاب تاریخ سال اول راهنمایی چاپ ۱۳۸۰ را با کتاب تاریخ سال اول راهنمایی کشور مصر مربوط به سال تحصیلی ۱۹۹۹-۲۰۰۰م مقایسه کنیم. بدیهی است این مقایسه بیشتر بر جنبه‌های ادراکی دانش‌آموزان از متن کتاب‌های درسی و سؤالات مطرح شده توجه دارد. دلیل انتخاب کتاب درسی کشور مصر اشتراک ما و مصریان در گذشته‌ای سرلشست‌ساز و برخوردار از جایگاهی ممتاز در تاریخ تمدن جهان است.

ناگفته پیداست که روش تألیف کتاب تاریخ و آموزش آن، خود مبحث جداگانه‌ای است که چندان به سابقه تاریخی کشورها مربوط نمی‌شود؛ بسا کشورهای جدید با نوا استقلال که سابقه تاریخی طولانی ندارند اما توانسته‌اند شیوه‌های توبنی در تألیف کتاب، در تربیت معلمان، در آموزش مطالب تاریخی و سرانجام ارزشیابی از آن مطالب ابداع کنند که بعضی از کشورهای دارای سابقه تاریخی و تمدن‌ساز از آن نکات غافل مانده باشند.

چ آرایش

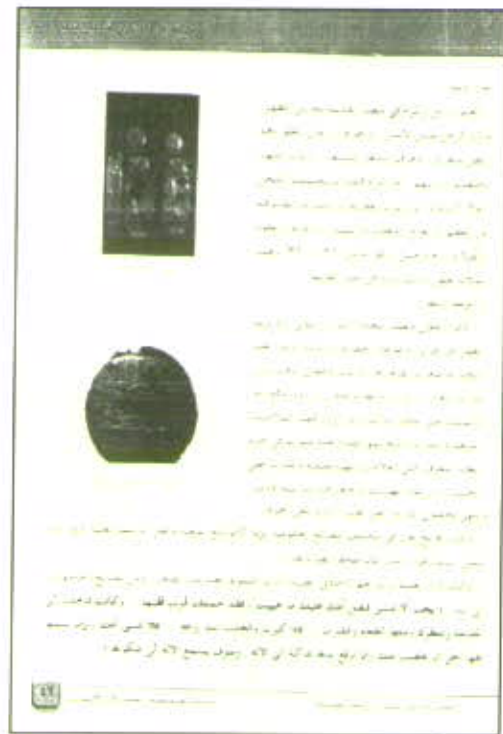
زبان و مردان مصر قدیم به آراستگی ظاهر توجه داشتند. مردان دست‌بند و انگشتر در دست می‌کردند و به اصلاح سر و صورت خود اهمیت می‌دادند. در معاش از کلاه‌گشس یا موی مصنوعی هم استفاده می‌کردند. کاهن‌ان نیز سر خود را می‌تراشیدند. اما ریش از سوریه و سوختن و عتیقات و از شاه‌های دست‌ساز که از استخوان یا عاج ساخته می‌شد، استفاده می‌کردند. آثار خود را با النگو و گوشواره و گردن‌بند و خنجر برای پاهای می‌آراستند.

د. تربیت کودکان

کودک منبع خوشحالی خانواده مصری به‌شمار می‌آمد، و مادر تربیت او را از شیرخوارگی و کودکی به‌عهده داشت. خانواده‌های ثروتمند برای فرزندانشان خانه می‌گرفتند و کودکان به مدرسه معبد می‌رفتند و مادران هر روزه اجرت معلم‌ان را به‌صورت خوراکی پرداخت می‌کردند. کودکان اگر استعدادی برای دروس خواندن از خود نشان می‌دادند، اجازه می‌رفتند چند سالی را نیز در معبد بگذرانند تا در خلال آن با خط میروگلف آشنا شوند و حساب هندسه جغرافیه و انسان‌شناسی بیاموزند. و چون این دوره را به پایان می‌رساندند، لقب کاتب یا دبیر به آنان داده می‌شد. این کاتبان یا دانش‌آموختگان معابد در سمت‌های دولتی به‌کار مشغول می‌شدند و اگر برجستگی خاصی از آنان به‌ظهور می‌رسید، اجازه می‌یافتند مدارج عالی بر تحصیل یا نیز تربیت اخلاقی که در حصار معبد و دانسته به آن بود، طی کنند.

مردان اخلاق و آداب و رفتارهای اجتماعی پسندیده را از همان کودکی به فرزندانشان خود می‌آموختند. از تصاویر حکیم‌انی، از حکیمان مصر قدیم، به فرزندانشان این‌است که نباید ناراده‌ای حق مادرش را فراموش کنی. اوست که تو را در کنار قلب خود پرورید. تو را به مدرسه می‌برد و انتظار می‌گشاید تا به خانه برگردی در حالی که خوراکی و پوشندنی برای تو آماده داشته. چون بزرگ شدی، برایت زن گرفت. پس مادرت را فراموش مکن که اگر او را فراموش کنی حق دارد از دستت خشمگین شود و دستش را به شگافت از تو به‌سوی خدا به آسمان بردارد. و خدا هم قطعاً شکایت او را خواهد شنید.

بندان هم، فرزندانش خود را اندرز می‌دادند که به بزرگترها احترام بگذارند، فروتن باشند، با بزرگستان و افراد مهربانی کنند. امانت‌دار باشند، از بزرگویی بپرهیز کنند. زاریار باشند، و آداب سر سفره را پاس بدارند. آنان همچنین فرزندانش خود را از دروغ‌گویی و شهادت دروغ و ندادن گرفتار حقوق دیگران بوجذر می‌داشتند.



تصویری از صفحه ۲۳ کتاب «وطنی مصر، الزمان و المکان» و ترجمه آن.

این ترجمه توسط آقای علی چراغی انجام گرفته است.

فرزندان آزاد شده

مؤلفان پس از بیان این واقعه با طرح سؤالاتی جذاب و اثرگذار بدین گونه به ارزشیابی پرداخته‌اند.

• احساس خود را در زمان سقوط هکسوس‌ها و بیرون‌راندن آن‌ها از مصر بیان کنید.

• نظر شما درباره احسن چیست؟

• اگر حکومت هکسوس‌ها بر مصر ادامه می‌یافت چه می‌شد؟ حتی اگر دانش‌آموزان به این سؤالات جواب ندهند حواله‌اند آن‌ها در بسیاری از آنان تأثیر خواهد گذاشت و این خود یکی از اهداف مطالعه تاریخ است.

جالب این است که در کتاب تاریخ سال اول راهنمایی به مؤلفان محترم درباره مقاومت آریوبرزن در برابر اسکندر مقدونی چیزی نشده‌اند.

«سرانجام اسکندر به ایران حمله کرد و داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی را شکست داد. در این هنگام یک فرمانده شجاع ایرانی به نام آریوبرزن در فارس به همراه یارانش در برابر اسکندر ایستادگی کرد و

هکسوس‌ها چسب آمده است!

«اسقن رع» پادشاه طیبه و مردمانش خواسته‌های نامعقول هکسوس‌ها را رد کردند و جنگ در گرفت. در این میان پادشاه طیبه شهید شد. او

اولین حاکم مصری بود که در راه آزاد ساختن کشورش شهید می‌شد. همسر او «ایاح حنب» پسرش کاموزه را به ادامه جنگ برضد

هکسوس‌ها تشویق نمود و او تلاش برای دفاع از خاک و وطنش را ادامه داد تا جایی که او نیز در جنگ آزادسازی وطن به شهادت رسید، ولی

ایاح حنب با وجود نداشتن شوهر و پسرش نه تنها ناامید نشد بلکه پسر دوم خود «احسن» را به فرماندهی و ادامه جنگ در راه آزادی فراخواند.

مصریان به دور احسن گرد آمدند و او سپاهی قوی جمع‌آوری کرد و به آنان فنون رزمی و استفاده از ارابه‌های جنگی را یاد داد. احسن

با سپاهیانش به طرف شمال رفت و پایتخت هکسوس‌ها (اسمش چیست؟) را گرفت، ولی به این پیروزی بزرگ اکتفا نکرد بلکه آن‌ها

را تار و مار نمود و سپس دیگر نامی از هکسوس‌ها در تاریخ نیامد. قهرمان آزادی‌ساز سالم به کشورش بازگشت و مصر به دلیل اراده

عده‌ای از یونانیان را از بین برد، اما به دلیل کمی تعداد سپاهیان سرانجام در صحنه نبرد کشته شد.

تاریخ سال اول راهنمایی مبارزه اشکاتیان با یونانی‌ها را نیز، که با همکاری خاندان‌های ایرانی انجام شده، بسیار سرد و بی‌روح معرفی می‌کند و مشخص است که این متن در دانش‌آموز سال اول راهنمایی اثرگذار نیست.

ادامه کتاب تاریخ مصر درباره تمدن مصر باستان است. در این درس درباره جایگاه خانواده و زن در مصر باستان، اهمیت دادن پدران به تربیت فرزندان و یاد دادن اخلاق خوب به آنان، تنوع وسایل سرگرمی و تفریح در مصر قدیم، نكوهش تبعیض علیه زنان و... مطالبی بیان گردیده، همچنین طبقات جامعه مصر قدیم برای دانش‌آموزان مصری معرفی شده است.

در بخش زندگی خانوادگی درباره مسکن مردم و تغییرات آن، لباس مردم، حاکمان، امیران، کاهنان، کارمندان بزرگ، چوپانان، کشاورزان و تفاوت آن‌ها با هم، زینت آلات مردان و زنان و تربیت فرزندان، شعر و سرود، رقص و موسیقی، جشن‌ها و اعیاد مطالبی آمده است که جذابیت لازم را دارا بوده و تصویری روشن از زندگی گذشته را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

در این بخش آمده است:

پدران به فرزندان خود احترام به بزرگ‌تر، ساده بودن، مهربانی به خدمتکاران و فقیران، امانتداری، رازداری، رعایت آداب غذا خوردن و دوری از دروغ و ضایع نکردن حق مردم را می‌آموختند.

سپس این سؤال مطرح شده است که:

آیا شما نیز این کارها را انجام می‌دهید؟ چرا؟

بخش بعدی کتاب تاریخ مصر درباره زندگی فکری و فرهنگی مصریان و شامل موارد زیر است:

پیشرفت و تکامل نوشتن و خط مصریان قدیم، وسایل نوشتن، انواع ادبیات مصریان قدیم شامل ادبیات دینی، ادبیات داستانی، ادبیات اخلاقی؛

علوم، شامل فلک و محاسبه زمان و تقویم، حساب و هندسه، طب، مؤیسی، شیمی؛

پیشرفت و ساختن مقبره‌ها و فنون هنری (مجسمه‌سازی) نقاشی، حجاری و...؛

فصل بعدی کتاب به بیان رابطه متقابل تمدن مصر قدیم و تمدن‌های هم‌زمان خود می‌پردازد و در فصل آخر، نظام حکومت و اداره کشور در مصر باستان، زندگی دینی و تحولات آن و تشکیلات اقتصادی مطرح شده است. یکی از تفاوت‌های آشکار تاریخ مصر با تاریخ اول راهنمایی ما آن است که مؤلفان سعی کرده‌اند دانش‌آموز را هنگام خواندن متن درس ناخواسته به مطالب درس‌های قبل یا سال قبل ارجاع دهند در حالی که این روند اصلاً جایگاهی در کتاب‌های

درسی ایران ندارد. برای نمونه به این موارد توجه کنید:

۱- احسن با سپاهیان به طرف شمال رفت و پایتخت هکسوس‌ها (اسمش چیست؟) را گرفت.

۲- بعضی از پادشاهان زن توانسته بودند بر تخت شاهی تکیه بزنند و در این امر لیاقت خود را نشان بدهند (آیا می‌توانی یکی از آن‌ها را نام ببری؟)

۳- صنایع سنگی یکی از قدیمی‌ترین صنایعی است که مصریان قدیم آن را به کار برده‌اند (به چه زمانی بازمی‌گردد؟)

۴- مؤلفان کتاب تاریخ مصر از بیان تاریخ سیاسی این کشور نیز غافل نمانده‌اند، اما شالوده اصلی کتاب بر مبنای تاریخ اجتماعی بنا شده است. آنچه لازم است دانش‌آموزان درباره نام پادشاهان و اقدامات آن‌ها بدانند در جدولی تنظیم شده و مهم‌ترین پادشاهان معرفی و کارهای آنها طرح گردیده است.

چنان‌که مرسوم است در پایان هر درس از کتاب‌های درسی سؤالاتی برای نمونه توسط مؤلفان طرح و چاپ می‌شود. همین تعداد سؤال اندک، انتظار مؤلفان از دانش‌آموزان و معلمان را بیان می‌کند. بد نیست به عنوان مثال به مواردی از سؤالات کتاب مصر توجه کرده و مطالعه سؤالات تاریخ سال اول راهنمایی را بر عهده خواننده محترم گذاریم:

۱- فرض کن تو یکی از شخصیت‌های زیر هستی:

زوسر - خوفو - خفرع؛ سپس چند سطر درباره خودت بنویس که: تو چه کسی هستی؟ چه کارهایی برای مصر انجام دادی؟

۲- حوادث زیر را از قدیم به جدید مرتب کنید:

هیئت نخاو دوم دور آفریقا - پیدایش معبد دیرالبحری - جنگ مجدو - جنگ قادش

۳- درباره اعیاد مردم مصر قدیم و امروز مطلبی در ۱۰ سطر بنویسید.

۴- وسایل تفریح در مصر قدیم را با وسایل تفریح امروزی مقایسه کنید.

۵- خیال کن که تو در زمان اختاتون زندگی می‌کنی. نامه‌ای در حدود ۱۰ سطر بنویس که در آن دعوت دینی او را قبول داری.

۶- در پرانتز برای جملات صحیح علامت ✓ و برای جملات غلط علامت ✗ بگذارید.

() مردم مصر قدیم کشاورزی را در عصر حجر شروع کردند.

() تشکیل دولت‌های مستقل قبل از ظهور کشاورزی صورت گرفت.

۷- معنی این کلمات چیست؟ الف) دوران ماقبل تاریخ ب) تمدن

۸- از وجود خدایان متعدد در مصر قدیم چه می‌دانید؟^۲ توضیح دهید. از آنجا که آوردن همه مطالب کتاب تاریخ مصر در این نوشته امکان‌پذیر نیست ولی به دلیل امتیازات کتاب موصوف بهتر است

همکاران ارجمند، خود، مطالب این کتاب را [در صورت دسترسی به آن] مطالعه کنند و ضمن مقایسه آن با تاریخ سال اول راهنمایی و کتاب های مشابه به قضاوت بپردازند.

معلم تاریخ تا زمانی که مطالب خشک و خسته کننده ای را، که عمدتاً در مبحث تاریخ سیاسی قرار می گیرد، تدریس می کند نمی تواند انسانی فرهیخته، هدفدار، مسئول، تأثیرگذار و اخلاقی باشد؛ چرا که وی باید اطلاعات بی روح کتاب درسی را در دسترس بدهد و اگر خلاف آن را بگوید می گویند لاطائلات می گوید!

تا اینجا نکته اصلی درک سنجید دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی از مطالب کتاب های تاریخ منوجه کتاب های درسی شد. اما در این عرصه عوامل پنهانی دیگری هم دخالت دارند.

مثلاً معلمی که در تدریس تاریخ با کمبود شدید وقت مواجه است مجبور می شود پس کسب نتیجه آموزشی (در صد قبولی) و انتقال مفاهیم اصلی درس و درک مطلب یکی را انتخاب کند و معلوم است که در این سواد چه چیزی انتخاب خواهد شد. شگفت است که مؤلفان محترم کتاب های درسی تاریخ، شورای عالی آموزش و پرورش، وزیر، معاونان و سایر مسئولان آموزشی این وزارتخانه همواره از جایگاه درس و منزلت معلم سخن می رانند اما در این میدان کارزار کسی به فکر دبیران علوم اجتماعی که مدرس تاریخ نیز هستند نیست. کلاه مقرر حجم کاری دبیران علوم اجتماعی را در دوره راهنمایی بوجه می کند؟ براساس ۴۵ دقیقه فرصت تدریس تاریخ در هفته چه عمل مفیدی می توان انجام داد؟

از سوی دیگر دیدگاه مدیران و مسئولان آموزشی در کیفیت تدریس و اثربخشی آن تأثیر مستقیم دارد. آنچه مسلم است، به دلایل متعدد، بسیاری از مدیران فقط به کمیت کار معلم و سطح نمرات توجه داشته و بین معلمانی که در تدریس تسلط داشته و آن درک دانش آموزان توجه دارند و معلمانی که فقط به نتیجه پایان سال می اندیشند که و به دوم راضی هستند، طبیعی است دانش آموزانی که با این روش تدریس عادت کرده و نتیجه کسب کرده اند در کلاس های بالاتر دل به درس معلم نداده و دبیران علاقمند و فعال را به سخت گیری، بی توجهی به خواسته های دانش آموزان، ناتوانی در برقراری ارتباط و... متهم می سازند. آیا بهتر نیست این را که از سر چشمه زلال است با اقدامات حساب شده گل آلود نکند؟

شیوه های نادرست ارزشیابی از مطالب تدریس شده که الهام گرفته از روش های غلط طراحی سوالات سال سوم راهنمایی و بالاتر است نیز در پایه یازدهم تدریس فشرده ای که منجر به کسب نمره توسط دانش آموز و کاهش درک فراگیران از مطالب تاریخی شود مؤثر بوده است.

در پیدایش این روش عوامل مختلفی دخالت دارند، عواملی

همچون کمبود وقت تدریس، جدات بودن مطالب درسی، عدم اطلاع کافی مدیران واحدهای آموزشی از تلاش مؤثر معلمان، ناآشنایی معلمان با روش های جدید تدریس و...

تبدیل کتاب های تاریخ به مجموعه ای از سؤال و جواب که مورد استقبال بعضی مدیران و بسیاری از خانواده ها است و به تدریس معلمان این درس هم به جمع موافقان این روش پیوسته. درسی روح شادان مطالب تاریخی و برداشت سطحی فراگیران از مطالب بی تأثیر نبوده است.

تا این نامه امتحانات دولتی ناهمه محاسنی که دارد می تواند کمبود وقت تدریس تاریخ و فشار جسمی و روحی حاکم بر معلم این درس را چنان کند تا او تا فرج ایال به تدریس تاریخش توانمندی در این دانش آموزان برده دارد؟ عضدت ناشیانت.

۱- تاریخ ایران، دکتر حسن حبیبی، مجله تدریس و روش، فصلی تحصیلی، شماره ۲۸، فصل ۵۸، ۵۶.

۲- تاریخ سال اول راهنمایی چاپ ۱۳۸۰، ص ۴.

۳- وقتی معلم با دانش آموزان در کلاس درس تاریخ سر و سر همی ندارد، فصل چاپ ۱۹۹۹.

۴- مسئولیت و منزلت معلم تاریخ، رشد آموزش تاریخ، شماره ۳، ص ۳.

۵- مصاحبه با دکتر عبدالمجید افروز، شد تا تاریخ، شماره ۳، ص ۱۰.

غروب نیل





اتاق جغرافیا در مدرسه



فضای کلاس بسیار کوچک است و فقط می‌توان ۱۵ تا ۲۰ نفر را در آن جای داد. اگر بشود کلاس بزرگ‌تری تهیه نمود می‌توانیم کلاس خود را همیشه در اتاق جغرافیا برگزار کنیم و امکانات خود را وسعت دهیم. اما تاکنون کمک دیگری به این کلاس نشده است. ضمناً تصاویری در حین تدریس تهیه نمودم که تقدیم می‌نمایم. البته هنوز در ابتدای کار هستم و از تلاش و کوشش خود دریغ ندارم. و سعی می‌کنم توجه اداره را درباره کمک به برگزاری این کلاس با امکانات بیشتر و فضای بیشتر جلب کنم.

طرح‌هایی برای تهیه تمامی وسایل کمک آموزشی و ساخت انواع ماکت و... در نظر دارم که خواهشمندم از راهنمایی‌های خود بنده را محروم نفرمایید.

در پایان لازم می‌دانم از همکاری‌های مدیر محترم مدرسه شهید نواب صفوی جناب آقای نسیمی تشکر و قدردانی نمایم. میرفتاح رضاطبع

نقشه (و نشو آلمانی) و تصاویری از سیارات منظومه شمسی و چند پوستر - کره یادی - چند نقشه برجسته، اطلس گنگ و گویا و نقشه دیواری از سازمان نقشه برداری کشور، مؤسسه سحاب و گیتاشناسی تهیه نمودم. نقشه‌های آلمانی از کیفیت خوبی برخوردار است اما قیمت آن بسیار بالا است. تصمیم داشتم یک پروژکتور اسلاید هم تهیه نمایم ولی بودجه مدرسه توان آن را ندارد. به سازمان صنایع آموزشی مراجعه نمودم که آنها نیز اعلام کردند قیمت این دستگاه بالای صد هزار تومان است؛ به هر حال تاکنون موفق به تهیه آن نشده‌ام. البته پروژکتور آورده در مدرسه موجود است ولی قابل استفاده نیست. چون تصاویر و اسلاید مربوطه را ندارد. با این همه در سال گذشته چند بار در محیط اتاق جغرافیا اقدام به برقراری کلاس کردم تا دانش‌آموزان در محیط مناسب آموزشی بهتر مفاهیم را یاد بگیرند. اما از آنجا که تعداد دانش‌آموزان بیش از ۴۰ نفر است و

اینجانب میرفتاح رضاطبع دبیر علوم اجتماعی دوره راهنمایی مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهریار، در سال ۷۹ مقاله‌ای با عنوان «اتاق جغرافیا در مدرسه» از گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی که توسط جناب آقای ملک عباسی تنظیم و تهیه شده بود مطالعه کردم که مورد توجه قرار گرفت و تصمیم گرفتم با توجه به آن مقاله در یکی از مدارس ناحیه (مدرسه شهید نواب صفوی) چنین اتاقی را تأسیس کنم. پیشنهاد خود را ابتدا با مدیر محترم مدرسه در میان گذاشتم. ایشان موافقت نمود که یکی از کلاس‌های طبقه سوم مدرسه را در اختیارم بگذارند که یک اتاق دو متر در سه متر (۳×۲) بود. سپس از دانش‌آموزان کمک‌هایی نقدی به هر اندازه که خودشان مایل بودند دریافت کردم. بعد یک میز و چند صندلی و یک قفسه در این اتاق قرار دادم. با پول‌هایی که از دانش‌آموزان دریافت نمودم کوه‌ی جغرافیایی افلاک‌نما -



insulation on old wires is often broken; then the copper of the two wires can touch. A large current may flow: and if this happens, the wires will get very hot. Then the house may catch fire.

Fuses can stop this trouble. A fuse is only a thin wire which easily melts. It is fixed in a fuse-holder. The fuse-holder is made of some material which cannot burn. A large current makes the fuse hot and then it melts away. We say that the fuse "blows". The wire is broken, and no current can flow. So the house does not catch fire: but all the lights and electric fires go out because there is no current.

When a fuse blows, something is wrong. We must find the fault first. Perhaps two wires are touching. We must cover them with new insulation of some kind. Then we must find the blown fuse and repair it. We put a new piece of fuse-wire in the holder. (Sometimes we can find the right fuse-holder because it is rather warm; but the others are cold.) If we do not repair the fault first, the new fuse will blow immediately.

Some men get angry when a fuse blows. So they put a thick copper wire in the fuse-holder! Of course this does not easily melt; if the current rises suddenly, nothing stops it. The thick wire easily carries it. Then the wires of the house may get very hot, and the house may catch fire. Some of the people in it may not be able to escape. They may lose their lives. So it is always best to use proper fuse-wire. This will keep everyone and everything in the house safe.

EXERCISES

1. Put one of the given words in each space:

switch; controls; spark; insulation; fuse.

(a) Peter opened the switch too slowly, and a ___ appeared.

(b) All the lights have gone out! Have we any ___ wire?

(c) The ___ on this old wire is in a terrible condition.

(d) There was one ___ for the light at the bottom of the stairs; but there was another at the top.

(e) This big switch ___ the electric fire.

2. Put the right word in each space:

(a) Some of the people ___ the house ran out.

(b) The man fixed the new switch ___ the wall.

(c) Those wires lead ___ an electric motor.

(d) The spark jumped ___ the space between the wires.

(e) The wires were covered ___ insulation.

(f) The fuse-wire is fixed ___ a fuse-holder.

(g) He turned the telescope ___ one star to another.

(h) Is the fuse-holder made ___ pot?

(i) The switch was ___ the door.

(j) There was only air ___ the two ends of the wire.

3. Notice: *If they move slowly, an electric spark appears.*

Complete these sentences:

(a) If I take a photograph,...

(b) If the insulation is bad,...

(c) If the sun's disc is completely covered,...

(d) The train will stop if...

(e) The balloon will fall if it contains no ___.

4. Notice: *Very big switches are placed in oil.*

This means: we place very big switches in oil.

Write these sentences again. Begin each of them with We, They or some word like those given at the end.

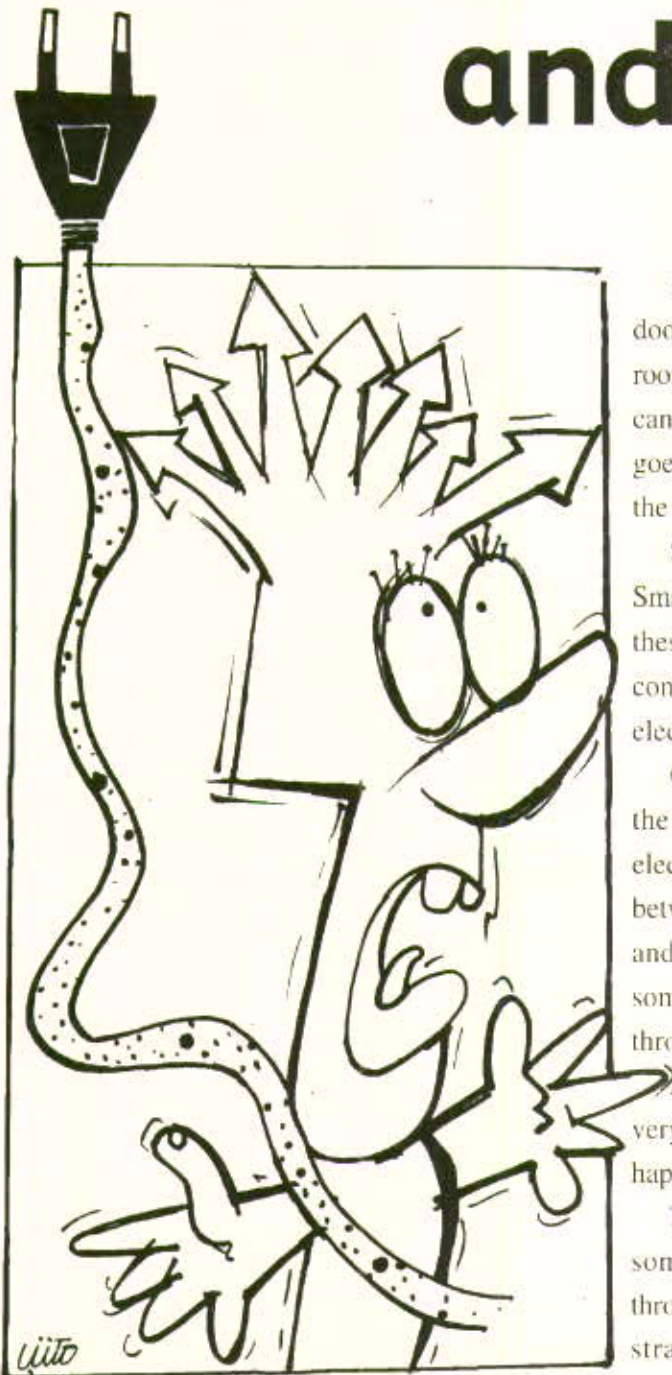
(a) The switch will be fixed on the wall. (We shall...)

(b) The thin wire is heated. (A large current...)

(c) The fault was soon found. (They...)

(d) Many lives were lost. (Many people...)

Switches and Fuses



An electric switch is often on a wall near the door of a room. Two wires lead to the lamp in the room. The switch is fixed in one of them. The switch can cause a break in this wire, and then the light goes out. The switch can also join the two parts of the wire again; then we get a light.

Switches can control many different things. Small switches control lamps and radio sets because these do not take a large current. Larger switches control electric fires. Other switches can control electric motors.

Good switches move quickly. They have to stop the current suddenly. If they move slowly, an electric spark appears. It jumps across the space between the two ends of the wire. This is unsafe and it heats the switch. Very big switches are sometimes placed in oil. Sparks do not easily jump through oil, and so the oil makes the switch safer.

A large current makes a wire hot. If the wire is very thin, even a small current makes it hot. This happens in an electric lamp.

The electric wires in a house are covered with some kind of insulation. No current can flow through the insulation; so the current can never flow straight from one wire to the other. But the

محصولات گیاهی جهان

ترجمه: منصور ملک عباسی
WORLD ATLAS FOR YOUNG PEOPLE منبع:

▼ چوب هم از نظر سوخت و هم از نظر ماده قابل ساخت دارای ارزش است. می توان آن را به منظور ساخت تختخواب، قایق و... تراشید و شکل داد. چوب را می توان خرد کرد و خمیری از آن به دست آورد و نیز تحت فشار آن را برای ساخت کاغذ و یا مقواسازی به کار گرفت.



▼ کانوجو از شیرۀ درخت کانوجو به دست می آید. کانوجو نوعی شیرۀ خاص «لاتکس» است که لاستیک نامیده می شود. این ماده جامد و قابل ارتجاع بوده و ضد آب نیز هست و از آن کالاهای ارزنده ای چون لاستیک ماشین، پارچه های ضد آب و نوارهای لاستیکی ساخته می شود.



▼ بوته پنبه (کتان) مانند یک درختچه در آب و هوای گرم، در گوشه و کنار جهان، رشد می کند. از زمان های بسیار قدیم مردم از الیاف پنبه، نخ به دست می آوردند (نخ رسی) و از آن پارچه ها و لباس های نخی می بافتند.



بسیاری از مواد خام و انواع غذاها از گیاهان به دست می آید. از زمان های بسیار قدیم مردم به منظور تهیه غذا دست به جمع آوری میوه درختان همچون گردو، توت، و غیره می زدند. پوست درخت و ریشه های آن برای ساختن رنگ و بادارو، و الیاف و برگ های آن برای ساختن خانه ها و لباس مردم به کار گرفته می شد. چوب بهترین تولید درختان است. مردم از چوب برای خانه سازی، ابزارسازی، اسباب بازی و کاغذ نیز استفاده می کردند. جنگل ها حدود $\frac{1}{4}$ سطح زمین را می پوشانند. امروزه ۲ نوع جنگل وجود دارد.

بخش جنگل های مخروطی که در نواحی شمالی و جنوبی زمین و دوام جنگل های برگ ریز (خزان دار) که در نواحی معتدل و سرزمین های حاره یافت می شود. چوب حاصل از جنگل های مخروطی در شمال اروپا و آسیا برای ساخت کاغذ، میل و ضدلی به کار می رود. و چوب جنگل های حاره که به چوب سخت مشهور است شامل چوب درختان «ماهون» آمریکایی به رنگ قهوه ای متمایل به قرمز و نیز درختان «آبنوس» و «ساج» است.

علف ها نیز در بسیاری از موارد کاربرد دارند. برخی از مردم هنوز لباس هایی که با گیاه (علف) درست می کنند می پوشند. برخی دیگر در نواحی جهان از علف ها (ساقه های بلند) در ساختن دیوار و سقف خانه هایشان بهره می برند. «پامپو» یا «حیزران» (نخ هندی) نوع چوبی است که در جنگلهای مناطق حاره به دست می آید. از ساقه های این گیاه در ساختن میل و ضدلی و ابزار کار سود می جویند، الیاف آن را در تولید کاغذ و پانوعی پارچه بافته شده به کار می گیرند. کانوجو شکل دیگری از محصولات اصلی نوعی از درختان است. این درخت به طور طبیعی در جنگل های جنوب آمریکا رشد می کند. مزارع بزرگ جنوب شرق آسیا نوع توسعه یافته این درختان از منطقه آمازون (در قاره آمریکا) است.

● گندم یکی از غلات است که بذر آن بعنوان دانه خوراکی رشد داده می شود. گندم اولین دانه ای است که انسان یاد گرفت چگونه آن را کشت و چطور درو کند. دانه های گندم جهت آرد خرد می شوند (آسیاب) و آرد نیز ماده اصلی نان است.





« برنج از بذر گیاه علف‌مانندی به دست می‌آید. برنج نخستین بار در مناطق باتلاقی وسیع اطراف رودهای بزرگ آسیا به دست آمد. مردم چین باستان پیش از ۴۰۰۰ سال قبل چگونگی کشت این گیاه را فراگرفتند. این گیاه به آب و هوای گرم و مرطوب نیاز دارد.

▼ نارگیل میوه‌ای از درخت نخل روغن است. این گیاه در منطقه حاره می‌روید. از نارگیل هم نوعی غذا و هم روغن نارگیل بدست می‌آید. با تراش دادن پوست نارگیل می‌توان فنجان یا کاسه درست کرد. از الیاف آن نوعی حصیر می‌بافند.



▲ دانه‌های قهوه از گیاهی به دست می‌آید که تنها در خاک‌های غنی مناطق آب و هوایی گرم و مرطوب رشد می‌کند. اعراب اولین کسانی بودند که قهوه را به عنوان یک نوشیدنی مورد استفاده قرار دادند. اما در قرن هفدهم این محصول در اروپا و شمال آمریکا گسترش یافت.



▼ گیاه چای به شکل بوته‌ای رشد می‌کند. چینی‌ها اولین کسانی بودند که از برگ‌های آن یک نوشیدنی ساختند. طعم و مزه چای سبب شد که این گیاه به ژاپن و هند هم سرایت کند. و بالاخره در قرن هفدهم میلادی کشت این گیاه به اروپا و شمال آمریکا گسترش یافت.



▲ «کاساوا» یا سیب‌زمینی شیرین نوعی گیاه است که حاوی ماده‌ای شیرین به همراه ریشه‌های مملو از نشاسته است. قرن‌ها مردم بومی برزیل این گیاه را کشت نمودند. امروزه این گیاه در جاهای دیگر مناطق حاره نیز به دست می‌آید. «کاساوا» هم ارزش غذایی دارد و هم برای ساخت مواد شوینده در رخت‌شویی از آن استفاده می‌شود.



زیردریایی‌ها چگونه ساخته می‌شوند؟

به موشک‌های دریایی هم از شاسایی کند و رانار هم و سینه برقراری

از بیادفات بی سوز و فراهم می سازد

باید دانست که زیردریایی فقط یک ابزار یا سلاح جنگی نیست بلکه

استفاده‌های صلح آمیز هم از آن می‌شود. مثلاً از نوعی از زیردریایی‌ها

برای شناخت اقیانوس‌ها، یا اقیانوس‌شناسی، استفاده می‌شود که

خود علمی است بسیار مهم و وسیع. ضمناً هر زیردریایی

منجه به امکاناتی است که می‌تواند به هنگام حضور برای نجات

سرنشینان آن مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه در همین سال‌ها دیدیم

که زیردریایی کو رانک، در عمق آب‌های قطب شمال دچار سانحه‌ای

شد که حتی یک نفر از سرنشینانش امکان نجات نیافتند.

زیردریایی را در واقع باید بگویم سوزیسته به حساب آورد که

می‌تواند به آسانی در زیر باروتی آب شناور شود و بیاین که تا اعماق

آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها پایین برود. آب می‌ماند زیردریایی چگونه

اختراع شد؟

بشر، از زمان‌های بسیار دور، برای رسیدن به اعماق دریا و یافتن

الماس و مروارید تلاش‌های بسیاری به کار بسته و همیشه به دنبال

اختراع وسیله‌ای بود که بتواند با آن به این هدف برسد و سرانجام تیر

موفق شد. اولین قایق زیردریایی که قادر به غور و رفتن در زیر آب بود

به وسیله یک هلندی شاه کارتلیموس وان در بیل، در سال ۱۶۶۰ ساخته

شد. این زیردریایی از جنس چوب بود که بدنه آن از چرم پوشیده

شده بود و می‌توانست تا سه چهار متری عمق آب فرو برود. این

مقدمه‌ای بود برای کوشش‌های بعدی و ساختن انواع دیگری از

زیردریایی‌ها. به طوری که تا پایان قرن هجدهم، زیردریایی‌هایی

در انواع مختلف ساخته شده بود؛ مثلاً در انگلستان چهارده نوع

زیردریایی ساخته بودند.

در سال ۱۸۸۰ یک زیردریایی ساخته شد که می‌توانست

باموتور بخار حرکت کند، بعد از آن نیز زیردریایی‌های بی‌قدرت‌تری

که با باتری و نیروی برق حرکت می‌کردند ساخته شد.

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۸) از زیردریایی به نحو کارآمدی

استفاده شد و بیش از آن در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۴۵)

زیردریایی‌هایی که باموتورهای دیزلی کار می‌کردند به وفور مورد

استفاده قرار گرفتند. در حال حاضر نیز زیردریایی‌های اتومی

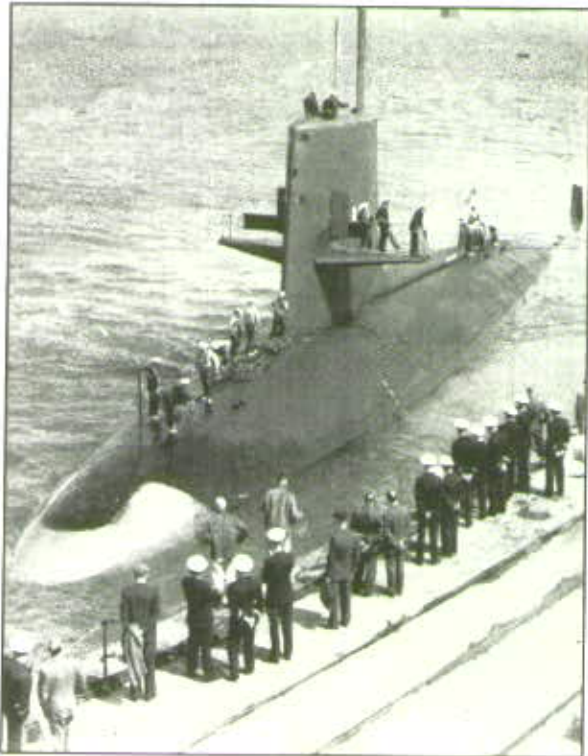
در زیر آب‌های اقیانوس‌ها، در سراسر جهان، در حال گشت‌زدن

هستند. این زیردریایی‌ها به دقیق‌ترین وسایل از جمله پرسکوپ،

سونار و رادار مجهزند. پرسکوپ دستگاهی است که با آن می‌توان

سطح آب را از داخل زیردریایی مشاهده کرد. سونار وسیله‌ای است

که می‌تواند محل توقف یا حرکت زیردریایی‌های دشمن



علمی

دانشگاهی‌های

ترجمه و اقتباس محمود معاش



ویژگی های فوق العاده ای داشت. اما تولید لاستیک از ماده طبیعی، یعنی شیره درختان، به فراوانی امکان نداشت. از این رو دانشمندان به فکر تولید لاستیک های مصنوعی افتادند و اولین بار آلمانی ها توانستند آن را اختراع و تولید کنند و آن هم در دوره جنگ جهانی اول بود. از آن پس تولید لاستیک مصنوعی رواج گرفت تا جایی که امروزه کارخانه های عظیم لاستیک سازی در همه دنیا مشغول به کارند.

لاستیک، که پلاستیک ها را هم باید نوعی از آن دانست، امروزه کاربرد بسیار دارد. همان طور که می دانید بسیاری از مواد و وسایلی که ما روزانه به کار می بریم از جنس لاستیک یا پلاستیک است. تایرها، تیوب ها، لوله ها، لباس های بازاری، قالیچه ها، لباس های ضدآب و... همه از لاستیک ساخته شده اند. لاستیک در بعضی از حلال های آلی حل می شود از این رو می توان آن را به قالب های دلخواه درآورد.

در جهان امروز مصرف این ماده به قدری بالا رفته است که در یک سال بیش از ده میلیون تن لاستیک، چه طبیعی و چه مصنوعی، تولید می شود.

چون منبع ترجمه این مطلب کتابی است که در هند چاپ شده از این رو بر هندوستان تأکید دارد.

منظور از روسیه، اتحاد جماهیر شوروی قبل از فروپاشی است.



قدمت پیدایش لاستیک به قدمت عمر طبیعت است به طوری که سنگواره هایی از آن که حدود سه میلیون سال عمر دارد نیز یافت شده است. ماده اولیه لاستیک از درختی به نام درخت کائوچو - که اغلب در مناطق استوایی کره زمین بخصوص در امریکای جنوبی می روید - به دست می آید.

لاستیک ماده ای است با قابلیت ارتجاع زیاد به طوری که یک رشته از آن می تواند تا هشت برابر طول خود کش پیدا کند. از درخت کائوچو شیره سفید رنگی خارج می شود که آن را خارج می کنند و می گذارند تا خشک شود و این همان لاستیک طبیعی است که در کارخانه های لاستیک سازی مصرف فراوان دارد. لاستیک طبیعی فقط از یک نوع درخت گرفته نمی شود بلکه، بیش از چهار صد نوع درخت وجود دارد که هر یک «لانکس» یا شیره خاص خود را دارد؛ بنابراین می توان با لانکس های درخت های مختلف لاستیک هایی با قابلیت های ارتجاع متفاوت ساخت. البته بیشترین قابلیت ارتجاع مربوط به شیره درختان هه و آبرازیلین لیس است که در امریکای جنوبی می رویند و تا ۳۵ متر طول دارند. گیاه دیگری هم هست که قابلیت ارتجاع خوبی دارد و آن درخت کاسئیلا است.

پیشرفت جدی در تولید لاستیک در قرن هجدهم صورت گرفت و آن زمانی بود که نمونه هایی از لاستیک های ساخته شده از درختان کائوچو، به ایالات متحده امریکا رسید. از آن زمان شاهد تولید انواع و اقسام لاستیک ها از جمله «پاک کن» هستیم. اگر شما چند کلمه ای هم انگلیسی بدانید دیده اید که روی مدامپاک کن ها کلمه Rubber را نوشته اند. این کلمه در واقع معادل انگلیسی کلمه لاستیک است. می دانید چرا؟ ماجرا این است که زمانی که کریستف کلمب دومین سفر دریایی خود را به امریکا آغاز کرد وقتی به جزایر هائیتی در دریای کارائیب رسید، بچه های بومی این جزیره را دید که با یک توپ جهنده، در واقع توپ لاستیکی، بازی می کردند. همراهان کریستف کلمب این توپ را به اروپا بردند و نشان مردم دادند. اتفاقاً بعدها یک دانشمند انگلیسی به نام جوزف گستلی قطعه ای از این ماده (توپ جهنده) را روی خط های نوشته شده با مدام کشید و با تعجب دید که نوشته ها به آسانی پاک می شود. بنابراین این ماده را که تا آن زمان اسم مشخصی نداشت پاک کن Rubber نامید، از این رو امروزه در زبان انگلیسی به لاستیک را بر پاک کن نیز می گویند.

لاستیک موارد استفاده فراوانی دارد. کافی است تصور کنید که اگر لاستیک نبود ماشین ها چگونه می توانستند روی زمین حرکت کنند. در قرن نوزدهم استفاده از لاستیک بسیار افزایش یافت. برای این که

جیش مقاومت اسلامی حماس و حرکت مقاومت فلسطین است. کلمه حماس برگرفته از حرف اول کلمات حرکت (ح) و مقاومت (م) و دو حرف اول اسلامیه (اس) است و کلاً به معنی شهامت و عزم و اراده می باشد.

جیش حماس در اواخر سال ۱۹۸۷ میلادی اعلام موجودیت کرد. البته پیش از اعلام رسمی، حماس دارای پیشینه و زمینه ای وسیع و سابقه ای چنددهه ای در فلسطین بود. در طول این مدت جمعیت های حریبه، مراکز بهداشتی، تربیتی و ورزشی ایجاد شده و مساجد و مراکز فرهنگی متعددی به منظور آماده سازی جوانان و سازماندهی سیاسی، امنیتی و مبارزاتی آنان در راه مقاومت و پایداری و روبرویی با اشغالگران صهیونیست دنیار شده بودند که در این سال، در جیش حماس اتحالی کرد.

زهیری حماس را شیخ احمدیاسین به عهده داد و از شخصیت های دیگر آن می توان از خالد مشعل، مؤسس ابو مریوق، دکتر عبدالعزیز رنتیسی، محمد حسن شمععه و نام برد. جیش حماس، زهران خود را از حماس اصیل شورا و انتخابات آزاد می گیرند. بدین ترتیب که یک هیئت، شورای جیش، رئیس و اعضای دفتر سیاسی را انتخاب و خط مشی ها و سیاست ها و موضع گیری های جیش را بررسی می کنند. شاخه نظامی حماس با عنوان «گردان های عزالدین قسام» مسئول اجرای عملیات جهادی و شهادت طلبانه است و جیش فرهنگی آن نیز دارای مجله ماهانه ای است که با نام «فلسطین المسلمه» انتشار می یابد. علاوه بر این حماس دو سایت بر روی اینترنت دارد؛ یکی به زبان عربی و انگلیسی با نام www.palestine-info.net و دیگری به نام صابرون - که از زندانیان، مجاهدان و شهدای این جیش و شهدای مردم فلسطین حمایت می کند - و نشانی آن چنین است: www.sabiroom.org

برای آشنایی بیشتر شما با رهبر جیش حماس و شیخ احمدیاسین، شرح زندگی و مبارزات او را به اختصار در اینجا می آوریم.

احمدیاسین در سال ۱۹۳۸ در شهرک المجدل متولد شد. سه ساله بود که پدرش را از دست داد و بیوه شد. او فرزند سوم دکتور بود. با شروع جنگ ۱۹۴۸ او آواره شده و سه عزه رفت و با حال آواره خود، ۲۵ سال در اردوگاه الشاطی گذراند. در این مدت تشکیل خانواده داد و صاحب فرزندانی شد.

شیخ در سال سوم ابتدایی درس می خواند، که فاجعه ۱۹۴۸ فلسطین رخ داد. این سالی بود که فلسطین تقسیم شد و یهودیان صهیونیست شروع به تصرف سرزمین های فلسطینی و آواره کردن مردم آن کردند. احمدیاسین تحصیلات دیرینه ای را در سال ۱۹۵۸ به پایان رساند و از سوی دانشگاه قاهره پذیرفته شد. اما وضع مزاحمی و مادی او از یک سو و مخالفت مقامات مصری از ورودش به آن کشور، به دلیل داشتن گرایش های اسلامی، مانع از راه تحصیلات او شدند. دلی او این محرومیت و استقامت غیررسمی در زمینه های علمی و اسلامی و مبارزاتی حران کرد. چندی که می گذشت شیخ احمدیاسین از نظر بدنی قوی و متحرک و روی مستحکم چهره دار حرکت می کند. این مشکل مربوط به سال های جوانی اوست. حرکت اسلامی فلسطین در اوایل دهه یجاه میلادی برنامه های کامل تربیتی، فرهنگی و ورزشی داشت و شیخ احمد از جمله فعالان در آن حرکت ها بود. وی یک بار در جریان آموزش و تمرین دچار حادثه شد که منجر به فلج قسمتی از بدن وی گردید و در ادامه بدن او به طور کامل فلج شد.

شیخ احمدیاسین، در همان سال ۱۹۵۸ که دینام گرفت داد و طلب شغل معینی شد و درخواست خود را به مقامات محلی آموزش و پرورش تحویل داد تا استناداً وقت نظر نهایی خود را



نسبت به آن اعلام نمایند. در مقابل اسم او نوشته بود: «نمرات عالی، خلّاقیت عالی، ولی فلاح است». این عبارت در روحیه استنادار که خود نیز فرزندی فلاح داشت تأثیری فراموش ناشدنی گذاشت و در اظهار نظر خود نوشت: «استخدام شود».

احمد یاسین، پس از استخدام و آغاز به کار با دختری از خویشان خود ازدواج کرد که نمره آن چهار پسر و هفت دختر است.

فعالیت‌ها و مبارزات

شیخ احمد یاسین فعالیت خود را با حرکت اسلامی در غزه آغاز کرد و بعدها دایره فعالیت خود را به کرانه باختری و مناطق اشغالی ۱۹۴۸ گسترش داد. او نقش بسزایی در تربیت جهادی نسل جوان ایفا کرد و بارها و بارها جوانان را به مناطق حایل با منطقه اشغالی ۱۹۴۸ می برد تا یادیدن دیار خود پیوسته در اندیشه چگونگی رهایی و آزادسازی سرزمین خود باشند. در این راه، او به جذب دانش آموزان و هدایت آنان به مساجد همت کرد، پس به ایجاد هسته های دانش آموزی در مساجد روی آورد و برای آنها گردش های علمی، فرهنگی و مسابقات ورزشی دایر کرد.

در سال ۱۹۶۶ احمد یاسین و جمعی از همفکران جوانش به اتهام مخالفت با رژیم حاکم بر مصر بازداشت شدند. مقامات مصری احمد یاسین را به دلیل معلولیت و بیماری ژنتیکی نکردند ولی در خانه اش تحت نظر قرار دادند و چندی بعد وی را آزاد گذاشتند. قابل ذکر است که سرویس های امنیتی مصر قبل از آزاد ساختن شیخ از او برای عدم سخنرانی و موعظه در مساجد تعهد گرفته بودند. اما در اولین جمعه پس از آزادی او، هنگامی که برای ادای فریضه نماز وارد مسجد شد، مردم به سوی وی هجوم آوردند و او را به بالای منبر رساندند تا خطبه جمعه را برایشان بخواند. شیخ هم، پس از حمد و ثنای پروردگار، سخنان خود را با این آیات شروع کرد:

ان الله يذفع عن الذين آمنوا، ان الله لا يحب كل خوان كفور. اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير. الذين اخرجوا من ديارهم بغير الحق. صدق الله العظيم.

مردم از شدت تأثر گریستند و سخت به هیجان آمدند و هنگامی که افسر اداره امنیت از سرباز خود خواست تا شیخ احمد یاسین را جلب کند، سرباز امتناع کرد و گفت: به خدا سوگند اگر دستور اخراج مرا هم بدهی نخواهم رفت. می خواهی با نفرین و ناسزای مردم مواجه شوم؟

بدینسان شیخ فرزانه به رغم مبارزه همه جانبه دولت مصر با او همچنان پاسدار اسلام و مجاهد در راه آن باقی ماند. این شیخ گرانبه و نستوه پس از اشغال کامل فلسطین از سوی صهیونیست ها در سال ۱۹۶۷، به دلیل جسارت در بیان حق و استدلال قوی، یکی از مشهورترین خطیبانی شد که کرانه

باختری به خود دیده بود. او به جذب نمازگزاران بسنده نکرد، بلکه به هر مسجدی که می رفت، صندوق خیریه جهت کمک به مستمندان و خانواده های بی سرپرست تأسیس می کرد. وی همچنین کار و فعالیت در مساجد را منحول و کلاس های را برای زنان، مردان و کودکان دایر ساخت. در اواسط دهه هفتاد، شیخ احمد یاسین از شغل معلمی بازنشسته شد که این در واقع موهبتی برای او بود، زیرا باعث شد برای پی گیری فعالیت های اسلامی فرصت بیشتری پیدا کند، لذا به حرکت های خود بعد و وسیع تری، در سراسر فلسطین، داد. در همین دهه، او با کمک جوانان دیگر، در صدد تأسیس بنیاد فرهنگی، مذهبی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی بانام جامعه اسلامی برآمد و به فضل پروردگار و تلاش شبانه روزی این مهم جامه عمل پوشید.

سرانجام این که شیخ احمد یاسین، در مقام مدیر بنیاد جامعه اسلامی، در اعزام جوانان فلسطینی برای تحصیل در دانشگاه های خارج فلسطین، نقش مهمی ایفا کرده است. بسیاری از این جوانان پس از اتمام تحصیلات خود به فلسطین بازگشتند و از خدمتگزاران ملت و سنگر های تربیت و مبارزه شدند.

دادگاه رسمی است

نقدیم به انتفاضة

علیرضا قزوه

درخت سیب را می آورند، با دست بند

به جرم این که چرا

سیب هایش را چون سنگ پرتاب کرده است.

درخت پرتقال را می آورند

به جرم این که چرا

میوه های امسالش خونین است.

درخت زیتون را می آورند

به جرم این که چرا

یک درمیان گلوله به دنیا آورده است.

دادگاه رسمی است!

متهم، موجی است که به او ایست داده اند و نایستاد.

متهم، کیبوتری است که از قبه الصخره نرفت.

متهم، گنجشکی است که زبان عبری نمی داند.

دادگاه رسمی است!

متهم، سورة المنتهی است

و جاده ای که به معراج می رود.

متهم، تمام سنگ قبرهایند

که بسم الله دارند.

و تمام مادران، که در بطنشان

فرزندانی دارند سنگ در مشت.



رشت

امور بانکی

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرخه حصار، کد ۳۹۵ در وجه شرکت افسس و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی:	تاریخ تولد:
میزان تحصیلات:	تلفن:
نشانی کامل پستی:	شهرستان:
استان:	کوچه:
خیابان:	کد پستی:
پلاک:	شماره و تاریخ رسید بانکی:
مبلغ واریز شده:		

امضا:

دبیران محترم و دیگر خوانندگان عزیزی که مقالات و نوشته های خود را برای مجله می فرستند فرم زیر را نیز کامل کرده و ضمیمه نوشته خود به نشانی تهران، صندوق پستی ۶۵۸۵ - ۱۵۸۷۵ ارسال نمایند.

عنوان مقاله یا نوشته:

نام و نام خانوادگی نویسنده:

نشانی دقیق محل کار:

نشانی دقیق منزل:

شماره تلفن و کد شهرستان:

شماره حساب بانکی:

ایران شناسی استان لرستان

از کتاب، لرستان در گذر تاریخ



سنگ نوشته به خط کوفی



چهره دختری از عشایر



زن ریسند



کله نقر لرستان



بزرگ لرستان، دهنه اسب معروف به هراوه



قلعه فلک الإزدای



تواختن سرنا و دهل در مرگ عزیزی از دست رفته، منطقه چاواری نورآباد

کوچ عشایر



پل کار بهشتان



دریاچه گهر



کعبه امامزاده قاسم آریا محصور در قلل اشترانکوه بر روی رودخانه سبهره

تربیت بدنی که بخشی از نظام آموزش و پرورش هر کشور نیز هست، در چند دهه گذشته دچار تغییر و تحولات مثبتی شده است و توجه به آن، به عنوان یک عنصر مهم و تاثیرگذار در همه شؤون زندگی و درعین حال علمی، ضرورت پرداختن به آن را دوچندان کرده است. از آنجاکه تربیت بدنی می کوشد از طریق تلاش های بدنی استعدادهای نهفته افراد را شکوفا سازد و جامعه ای سالم و تندرست به بارآورد، بایستی در اشاعه و گسترش آن از ابزارهای مختلف از جمله «مجله» به عنوان یک رسانه استفاده کرد و این در حقیقت یک ضرورت است. براین اساس مجله رشد آموزش تربیت بدنی، از پاییز ۱۳۷۹ به خانواده مجلات رشد پیوست و اخیراً ششمین شماره آن (زمستان ۱۳۸۰) انتشار یافته است. مسئولان این مجله امیدوارند با انتشار آن نه تنها شاهد ارتقای دانش و مهارت جمعیت بالغ بر ۱۹۰۰۰ نفری معلمان تربیت بدنی باشند، بلکه از این طریق معلمان ورزش صاحب ذوق و اهل قلم را نیز به جرگه نویسندگان مجله وارد سازند. مهمترین عناوین ششمین شماره مجله به این قرار است:

ورزش بهداشتی

بازی های المپیک طی صد و چهار سال

درس تربیت بدنی در برنامه درسی ملی کشور انگلستان

آینده تربیت بدنی

کتاب شناسی تربیت بدنی و ورزش

رشد حرکتی دوره طفولیت

آموزش هندبال و فعالیت بدنی و روند اجتماعی شدن نوجوان.

